

تصویر ابو عبد الرحمن الکردی



مجموعه کتابهای آموزش زبان

مکالمات روزمره

روسی به فارسی

تألیف: محمدرضا ولی نژاد



■ نکات دستوری زبان روسی
■ مکالمات و اصطلاحات روزمره روسی
■ راهنمای کامل سفر همراه با نقشه و نرخ ارز

РУССКИЙ



مکالمات روزمره روسی به فارسی

РУССКИЙ

تألیف: محمدرضا ولی نژاد خیابانی

ولی‌نژاد خیابانی، محمد رضا
 مکالمات روزمره روسی به فارسی / تألیف محمد رضا ولی‌نژاد خیابانی. - تهران: اشراقی،
 ۱۳۷۹.
 ۲۹۶ ص: مصور؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س. م.
 ISBN 978-964-5966-16-2 ریال: ۴۵۰۰۰
 چاپ چهارم: ۱۳۸۸
 فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.
 ۱. زبان روسی -- مکالمه و جمله‌سازی -- فارسی. ۲. زبان روسی -- خودآموز. الف. عنوان.
 PG۲۱۲۱/۸م۷
 ۴۹۱/۷۸۲۴۴
 کتابخانه ملی ایران
 ۲۰۷۵۲-۷۹م

فهرست‌نویسی پیش از انتشار: انتشارات اشراقی

نام کتاب : مکالمات روزمره روسی به فارسی
 تألیف : محمد رضا ولی‌نژاد خیابانی
 ویراستار : دکتر والتین یاکوشیک
 طرح جلد : فرهاد کمالی
 حروفچینی : معرفت
 لیتوگرافی : صدف
 چاپخانه : گنج شایگان ① ۵۵۴۰۳۴۷۸
 نوبت چاپ : چهارم - ۱۳۸۸
 شمارگان : ۲۲۰۰ نسخه
 قیمت : ۴۵۰۰۰ ریال
 ناشر : انتشارات اشراقی - صفار
 مرکز پخش : انتشارات اشراقی ① ۶۶۴۰۸۴۸۷
 پخش کتاب بینش ① ۶۶۴۹۶۲۹۹
 تلفن گویا : ۶۶۹۷۰۹۹۲

حق چاپ محفوظ است و مخصوص ناشر می‌باشد. تهران ۱۳۸۸

www.saffarpublishing.com

www.Eshraghi.ir

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۹۶۶-۱۶-۲

ISBN 978-964-5966-16-2

تقدیم به:

**پدر و مادر فداکارم و به
کسانی که با سخنان خود
امید و عشق می آفرینند.**

مقدمه

در عصری زندگی می‌کنیم که رشته‌های مختلف علوم انسانی، فنی - مهندسی و علوم پزشکی هر روز با شتابی فزاینده عرصه‌های نوینی را در می‌نوردند در چنین اوضاع و احوالی افرادی موفق‌ترند که از دانش و فناوری بیشتری برخوردار باشند. اساسی‌ترین شیوه بهره‌مند شدن از دانش و توان دیگر ملل، آشنایی با زبان آنهاست. یکی از چند کشورهای بزرگ صنعتی دنیای معاصر جمهوری فدراتیو روسیه است. این سرزمین پهناور حتی پس از فروپاشی شوروی سابق از حیث وسعت همچنان بزرگترین کشور دنیاست که در همسایگی ما قرار دارد. امروزه قریب به یکصد و پنجاه میلیون نفر به زبان شیرین روسی تکلم می‌کنند که در زمره چند زبان رسمی سازمان‌های بین‌المللی است و از نظر بازرگانی و صنعت جهانگردی آموزش این زبان هم اکنون اهمیت بسزایی دارد. لذا نگارنده از همان بدو تحصیل که در رشته ادبیات روسی در جمهوری اوکراین مشغول بودم، این اندیشه و آرزو را داشتم که کتاب مناسبی برای آموزش این زبان ویژه فارسی زبانان تهیه کنم و اکنون آن آرزو جامه عمل پوشیده و پیش روی شماست. با وجود دقت و تلاش زیاد برای ارائه کتابی منقح و بی‌عیب، باید اعتراف کنم که این آن چیزی است که توانسته‌ام نه آنکه خواسته‌ام. از این رو با گشاده‌رویی به عرض می‌رسانم نقد و نظر اهل فن برای اصلاح معایب و رفع نقایص آن مغتنم خواهد بود. در خاتمه بر خود لازم می‌دانم از مادر گرامیم استاد همتی که در به ثمر رساندن این تألیف مشوقم بودند و از بردار عزیزم آقای یاشار ولی نژاد که در

تصحیح بخش فارسی نقش عمده‌ای را عهده‌دار بودند و نیز از همه دوستانی که در
تهیه این کتاب به نوعی یاری نمودند، صمیمانه تشکر و قدردانی کنم.

محمد رضا ولی نژاد خیابانی

تهران فروردین ۱۳۷۹

فهرست

صفحه

مقدمه.....	۴
عبارت پرکار بُرد.....	۱۳
ملاقات و آشنایی.....	۱۸
سلام و احوال پرسى.....	۲۰
وقت و زمان.....	۲۵
آب و هوا - سیاحت.....	۲۸
هفته، ماه.....	۳۱
اعداد و ارقام.....	۳۵
اعداد ترتیبی.....	۴۳
اعداد کسرى.....	۴۷
حساب.....	۴۹
رنگها.....	۵۳
جهات اصلی و فرعى.....	۵۶
گمرک.....	۵۸
در بانک.....	۶۳
سفر زمینی.....	۶۸
هتل.....	۷۳
رستوران، کافه.....	۸۳
لوازم غذاخوری.....	۸۵
مواد غذایی.....	۸۷
میوه‌ها.....	۹۴
نوشیدنیها.....	۹۸
مسافرت.....	۱۰۱

۱۰۴	مسافرت با راه آهن
۱۰۷	مسافرت با هواپیما
۱۱۱	سفر با کشتی
۱۱۲	سفر با اتومبیل
۱۱۴	حمل و نقل در شهر
۱۱۷	خرید و فروش
۱۲۹	در مغازه آلبسه
۱۳۲	نمایش و ورزش
۱۳۸	تبریک
۱۴۰	پست و تگگرام
۱۴۳	درمان و مرکز کمکهای اولیه
۱۵۴	در دندانپزشکی
۱۵۶	در داروخانه
۱۵۸	اداره پلیس
۱۶۱	چند کلمه
۱۶۸	در مغازه جواهری و صنایع دستی
۱۷۱	ضرب المثل ها و اندرزها
۱۸۶	عبارات و اصطلاحات مفید روزمره
۱۹۳	دستور زبان
۱۹۳	ضمیمه شخصی
۱۹۵	اسمهای مفرد (مذکر)
۱۹۶	اسمهای مفرد (مونث)
۱۹۷	اسمهای مفرد (خنثی)
۱۹۹	ضمیمه ملکی
۲۰۰	ضمیمه اشاره
۲۰۴	ضمیمه انعکاسی
۲۰۶	ضمیمه توصیفی

۲۱۲.....	ضمیر پرسشی
۲۱۷.....	ضمیر منفی
۲۲۰.....	ضمیر نامعین
۲۲۶.....	صفت
۲۲۹.....	درجه‌های سنجش صفت
۲۳۰.....	درجه برتری مرکب
۲۳۱.....	درجه برتری ساده
۳۳۳.....	اسم
۲۳۵.....	جمع بستن اسامی مذکر و مونث و خنثی
۲۳۷.....	جمع بستن اسامی خنثی
۲۴۰.....	فعل
۲۴۴.....	قیود
۲۴۴.....	قید مکان
۲۴۵.....	قید زمان
۲۴۸.....	قید حالت
۲۵۱.....	قید مقدار و اندازه
۲۵۳.....	قید و صفت
۲۵۶.....	بعضی از اسامی
۲۵۸.....	افعال بی‌قاعده
۲۶۲.....	سیر و سیاحت در روسیه فدراتیو

РУССКИЙ АЛФАВИТ

الفبای سیرلیک زبان روسی

حرف چایی بزرگ	حرف چایی کوچک	حرف نوشتاری بزرگ	حرف نوشتاری کوچک	حرف نویسی انگلیسی	حرف نویسی فارسی
А	а	А	а	Ā	آ
Б	б	Б	б	B	ب
В	в	В	в	V	و
Г	г	Г	г	g	گ - ق
Д	д	Д	д	D	د
Е	е	Е	е	E	ی در ابتدا ایی و ادر وسط
Ё	ё	Ё	ё	YO	ئ
Ж	ж	Ж	ж	Zh	ژ
З	з	З	з	Z	ز
И	и	И	и	e	ایی
Й	й	Й	й	Y	نی
К	к	К	к	K	ک
Л	л	Л	л	l	ل
М	м	М	м	M	م
Н	н	Н	н	N	ن

حرف چایی بزرگ	حرف چایی کوچک	حرف نوشتاری بزرگ	حرف نوشتاری کوچک	حرف نویسی انگلیسی	حرف نویسی فارسی
O	o	O	o	o	ا
П	п	π	π	P	پ
Р	р	р	р	R	ر
С	с	С	c	S	ث - ص - س
Т	т	т	m	T	ت
У	у	у	y	Ou	او
Ф	Ф	Ф	Ф	F	ف
Х	х	Х	x	Kh	خ
Ц	ц	ц	ц	ch.Ts	تش
Ч	ч	ч	ч	Ch	چ
Ш	ш	ш	ш	Sh	ش
Щ	щ	щ	щ	Sh	ش (مُشدَد)
Ъ	ъ	,	Ъ	”	علامت سختی
Ы	ы	Ы	Ы	ə	غ (علامت سُوا)
Ь	ь	Ь	b	,	علامت نرمی
Э	э	Э	Э	E	ا
Ю	ю	Ю	Ю	You	یو و گاهی او
Я	я	Я	Я	Ya	یا

شرح پیرامون الفبای زبان روسی

در زبان روسی نیز مانند زبان فارسی حروف به دو گروه صدا دار و بیصدا تقسیم می‌شوند.

الف) حروف صدا دار عبارتند از:

А а И и О о У у Э э Ы ы

ب) حروف بیصدا عبارتند از:

Б б В в Г г Д д Ж ж З з

Й й К к Л л М м Н н П п

Р р С с Т т Ф ф Х х Ц ц

Ч ч Ш ш Щ щ

تلفظ بیشتر حروف زبان روسی با تلفظ حروف معادل آنها در زبان فارسی متفاوت می‌باشد. در جدول الفبای زبان روسی تلفظ تقریبی این حروف بوسیله معادل فارسی‌شان نشان داده شده است.

توجه: در مورد حروف Ы باید اشاره نمود این حرف نیمه صدا دار نیز نامیده می‌شود و صوت آن فقط در ترکیب با حروف صدا دار استعمال می‌گردد.

توضیح در مورد حرف Ъ که هیچ موقع در اول کلمات نمی‌آید و فقط پس از حروف

بیصدا می‌آید.

در مورد حروف **б** (علامت نرمی) و **б̂** (علامت سختی)

اینکه این دو کلمات اگر بعد از هر حرفی واقع شوند دلالت بر سختی و نرمی آن حرف را می‌نمایند و به تنهایی تلفظی ندارند.

عبارت پرکار بُرد

Когда

چه موقع (کی)

Kagdā

گاگدا

Понятно

مفهومه

Pānyatnā

پانیاتنا

Пожалуйста

لطفاً (خواهش می‌کنم)

Pāzhaloustā

پاژالوستا

Спасибо

تشکر (ممنون)

Spāsibā

سپاسیبا

Большое спасибо

خیلی ممنون

Balshoe spāsibā

بالشوء سپاسیبا

Извините

ببخشید

Izvinite

ایزوینیتِه



Простите

ببخشید (عفو بفرمائید)

Prāstite

پراستیتِه

Зачем?

برای چه؟

Zachem?

زاچِم؟

Не за что

نیازی به تشکر نیست.

Ne za ishto

نِ زاشتو

Нечего!

هیچ (هیچ چیز)!

Nichivo!

نِچِیو!

Молодец!

آفرین (احسنت)!

Malādets!

مالادِتس!

Конечно!

البته!

Kāneshnā!

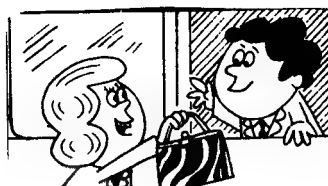
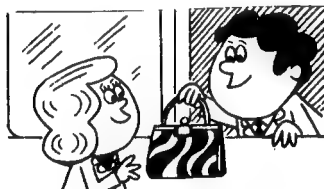
کانِشنا!

Прошу вас

تمنا می‌کنم (استدعا می‌کنم)

Prāshou vās

پراشو واس



Несомненно

بدون تردید، بدون شک

Nisamnenno

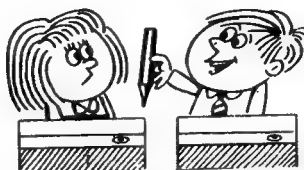
نی سائمننو

Обязательно

مسئلاً، حتماً

Ābyāzātelnā

آبیازاتلنا



В действительности

در حقیقت

V diystvitilnosti

و دیستو یتیلنستی

Вопервых

در وهله اول

Vāpervākh

وا پر وخن

Вероятно

لائذ، بعید

Virāyātna

ویرایاتنا

Забота

مواظبت، بیم،

Zābota

زآبوتا

Странный

نادر، عجیب

Strānn̄dy

سترانی

Друг друга

همدیگر

Droug drougā

دروگ دروگا



Двойной

دو بل، دو برابر

Dvaynoy

دوای نوی

Наслаждаться

لذت بردن

Nāslāzhdātsā

ناسلاژ داتسا

Известный

مشهور

Izvestnōy

ایزوستنی

Официальный

رسمی

Āfitsiālnōy

آفیشیالنئی

Потому что

زیرا، برای اینکه

Pātāmou shto

پاتامو شتو

Подробный

جزئیات، تفصیل

Pādrobnōy

پادزرنئی

Веселье

سرگرمی، باصفا

Vesele

وِسلِ

Шум

شلوغ

Shoum

شوم



خوشحال می شوم یا شما آشنا شوم.

Я очень рад с вами познакомиться.

یا، اُوچین، راد، س، وامی، پازناکُمیتسا. Yā ochin rād s vāmi pāznākomitsā

Познакомтесь пожалуйста

لطفاً آشنا شوید.

Pāznākomtis Pāzhaloustā

پازناکُمیتیس، پاژالوستا

Я тоже очень рад

من هم خیلی خوشوقتم.

Ya tozhe ochin rad

یا توژِه اُوچین. راد

Какой ваш адрес?

نشانی شما چیست؟

Kakoy vash adres?

کاکوی. واش. آدرس؟

Какой ваш номер телефона?

شماره تلفن شما چنده؟

Kakoy vash nomer telefona?

کاکوی واش نُمر. تِلْفونا؟

Приглашаю вас в гости

شما را به مهمانی دعوت می‌کنم.

Priglašayou vās v goste.

پْرِیگلَشا یو. واس. و. گُوست

Приезжайте к нам

پیش ما تشریف بیاورید.

Priezzhāyte k nām

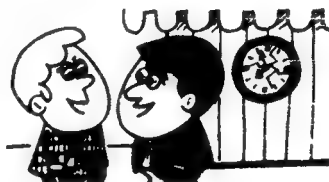
پْرِی زژائِته. ک. نام

Возможно

ممکن

Vāzmozhnā

واژْمُژنا



Встреча знакомство

Vstrechāeznākomstvā

ملاقات و آشنایی

وِستَرچا. ایی. زُنا کُومِستوا

Знакомство

Znākomstvā

آشنایی

زُنا کُومِستوا

Друг

Droug

دوست

دُزُوگ

Друзья

Drouzyā

دوستان

دُروُزیا

Знакомый

Znākomdy

آشنایان

ایزُنا کُومی

Как вас зовут?

Kāk vās zavout?

اسم شما چیست؟

کاک. واس. زاوُوت؟



Как ваше имя?

اسم شما چیست؟

Kāk vāshe imyā?

کاک. واس. ایمنیا؟

Как тебя зовут?

اسم تو چیست؟

Kāk tibyā zāvout?

کاک. تیبه. زاووت؟

Меня зовут Мохаммад Реза

اسم من محمدرضا است.

Minya zāvout Mokhammad Reza

مینیه. زاووت. مُحَمَّدْرُضا

Я согласен

من موافقم.

Yā sāglāsen

یا. ساگلَاسِن

Договорились

مذاکره تمام شد.

Dagavārilis

داگاواریلیس

Постараюсь

سعی می‌کنم.

Pastārayous

پاستارایوس

К сажалению

تأسف

K sāzhāleniyou

ک ساژالنیو

Я немогу

من نمی‌توانم.

Yā nīmāgou

یا. نی ماگو

Я занят

من مشغول هستم.

Yā zānyat

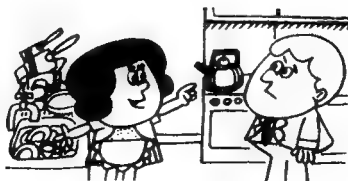
یا. زانیات

Спасибо за гостеприимство.

از مهمان نوازی شما متشکرم.

Spāsibā za gostipriimstvā

سپاسیبا. زا. گوستیپری یمستوا



سلام و احوال پرسشی

Здравствуйтє

Zdrāvstvouytє

Доброе утро

Dobroye outra

Добрый вечер

Dobrōy vecher

Добрый день

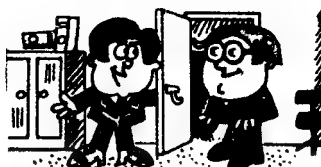
Dobrōy den

Привет

Privet

Как дела?

Kāk dela?



سلام (محترمانه)

زَدْرَاŮستوویتَه

صبح بخیر

دُڤَرِیَه اُوْتِرا

عصر بخیر

دُڤَرِیَ ږِږِچِر

روز بخیر

دُڤَرِی وِن

سلام (عامیانه)

پُری وِت

حالت چطورَه؟

کاک. ډِلا؟

Как настроение?

روحیه شما چطور است؟

Kāk nāstraēniye?

کاگ. ناستراینیه؟

Как ваше здоровье?

احوال شما چطور است؟

Kāk vāshe zdārovie?

کاگ. واش. زداُرویه؟

Какие новости?

چه خبرها؟

Kākic novosti?

کاکیه. نوُستی؟

Как вас увидеть?

چطور می‌شود شما را ملاقات کرد؟

Kak vās onvidit?

کاگ. واس. اوویدیت؟

До свидания

خداحافظ

Dā sividāniyā!

دا. سوئی دانیآ

Как здоровье ваших родителей?

پدر و مادر تان سلامتند؟

Kāk zdārovyē vāshikh rādītīli?

کاگ. زداُرویه. واشیخ رادیِیلی؟

Всего хорошего.

به خوبی و خوشی.

Vsevo kharāshevo

وُسو. خاراشیو

Желаю удачи

با آرزوی موفقیت

Zhelāyou oudāchi

ژلایو. اوداچی

Я много слышал о вас.

من درباره شما خیلی شنیده‌ام.

Ya mnoga slōshāl o vas.

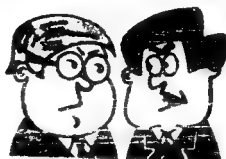
یا. منوگا. سلشال. ا. واس

Как идут дела?

کار و بار چطور است؟

Kāk idout dela?

کاگ. ایدوت. دلا؟



Спасибо неплохо.

متشکرم، بدنیست.

Spāsibā nīplokhā

سپاسیبا. نی پلوخا

Где вы были в эти дни?

این روزها کجا بودید؟

Gde vā bəli v eti dni?

گد. و.ع. بغلی. و. ا. تی. دنی؟

Я был в командировке.

من مأموریت بودم.

Yā bəl v kāmāndirovke.

یا. بغل. و. کاماندیروک

Я был в отпуске

من مرخصی بودم.

Yā bəl v otpouske

یا. بغل. و. ا. تپوشکی

چه وقت از جمهوری اسلامی ایران آمدید؟

Когда вы приехали из Исламскую республику Иран?

کاگدا. و.ع. پری یخالی. ایز. اسلامسکویو. رِسپوبلیکی. ایران؟

Kāgdā vā priyekhali iz islāmskouyou respoubliki Iran?

Два дня тому назад.

از دو روز پیش.

Dva dnya tārou nāzād

دوا. دنیا. تامو. نازاد



در کدام هتل منزل کرده‌اید؟

В кокой гостинице вы остановились?

و. کا کوئی. گاستینیچه. و.ع. آستانا ویلیس؟

V kākoy gāstinitse v astanavilis?

В гостинице Украина.

در هتل اوکراین

V gāstiniche oukraina

و. گاستینیچه. اوکرائینا

Вам понравилась наша страна?

از کشور ما خوششان آمد؟

Vām pānrāvilas nāshā strīnā?

وام. پانرا ویلان. ناشا. سترانا؟

Свидания , Прощание

Svidāniya, Prāshānie

ملاقات، خدا حافظی

سی ویدانیا، پُراشانیه

Вы свободный сегодня вечером? آیا شما امروز عصر آزاد هستید؟

Vā svābodnūy sīvodnyā vecherom? وَع. سَوَابُودْنِی . سِیُودْنِیَا. وِچَرُم؟

Давайте вечером сходим в кино. بیائید امشب به سینما برویم.

Dāvāyte vecherom skhodim v kino داوایته. وِچَرُم. سَخُودِیم. وِ. کِینُو.

Давайте немного погуляем  بیائید کمی گردش کنیم.

Dāvāyte nimnoga pāgoulyaem داوایته نِیمَنُوگا پاگوْلِیَاِیم

Я зайду за вами в гостиницу. من دنبال شما به هتل می آیم.

Ya zaydou za vami v gāstinichou یا. زایدو. زا . وَاْمِی. و. گَاَسْتِینِیچُو.

Разрешите проводить вас домой. اجازه دهید شما را به منزل برسانم.

Rāzrishite prāvādit vās dāmoy

من امیدوارم مجدداً یکدیگر را ملاقات کنیم.

Я надеюсь что мы ещё встретимся.

Ya nadeyousishto mō ishyy vsctretimsa.

Мы увидимся завтра?

آیا می‌توانیم فردا همدیگر را ببینیم؟

Mō ouvidimsā zāftrā?

مع اوؤندئمسا زافترا؟

Разрешите откланяться.

با اجازه از خدمتتان سرخص می‌شوم.

Rāzrishite atklānyātsā.

رازْرِشیتِه. آتکلانْیاْتسا

С Богом!

در پناه خدا!

S bogom!

س. بُوگوم!

Да защитит вас Бог!

خداوند پناهتان باد!

Da zāshitit vās bog!

دا. زاشیتیت. واس. بُوگ!

Передайте всем привет.

به همه سلام برسانید.

Percāyite vsem privet.

پرداْیتِه. وْسم. پری وِت.

Бог даст я вас ещё увижу.

خدا قسمت کند شما را بار دیگر ببینم.

Bog dāst yā vās ishyy ouvizhou.

بُوگ. داست. یا. واس. اینْشِیو. اوْویژو



وقت و زمان

Сколько время?

ساعت چند است؟ (رسمی)

Skolka vrimya?

سکولکا، وُریمیه؟

Который час?

ساعت چنده؟ (مهاوره‌ای)

Kateroy chās?

کاتورئ، چاس؟

В котором часу?

در چه ساعتی؟

В каком часу?

ف، انزم، چاسو؟

Какое сегодня число?

امروز چندم ماه است؟

Kakoye sivodnya chislo?

کاکوئی، شیودنیا، چیسنو؟

Какой месяц?

چه ماهی است؟

Kakoy mesyats?

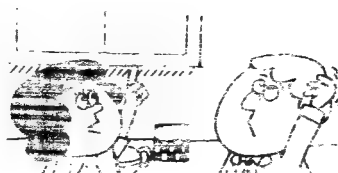
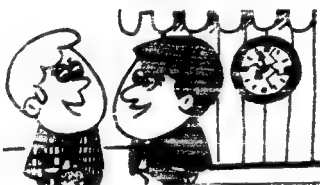
کاکوئی، مبیچ؟

Сейчас

اکنون

Sichas

سیچاس



در دانشگاه درسها ساعت چند شروع می شوند؟

В университете уроки восколько начинаются?

* و. اونیورسیتته. اروکی. واسکولکا. ناچینایوتسا؟

V oouniversitete ouroki vāskolka nāchināyoutsā?

Восемь часов утра

Vosim chasov outrā



در ساعت هشت صبح

وُسیم چاسوؤ. اوترا

ساعتتان شبانه روز چند دقیقه عقب می ماند؟

Ваш часы за сутки на сколько минут отстают?

واش. چاسع. زا. سوتکی. نا. سکولکا. مینوت. آتستایوت؟

Vash chasø za soutki nā skolka minout ātstāyout?

ساعتم شبانه روز یک دقیقه جلوتر می رود.

Мои часы спешат на одну минуту.

Mai chāsø spishāt nā ādnou minouton.

Когда вы обдаете?

Kāgdā vø ābedāyete?



شما چه وقت نهار می خورید؟

کاگدا. وُع. آبدایته؟

شما چه وقت می خوابید و کی از خواب بلند می شوید؟

В какое время вы ложитесь спать и когда встёте?

و. کاگوئی وُریمه. وُع. لازیتیس. سپات. ایی. کاگدا. وُستایتیه؟

V kākoye vrimya vø lāzhitis spāt e kāgdā vstayote?

شما وقت را از دست ندهید و درسهایتان را بیاموزید.

Вы не теряйте время и учите свои уроки.

وُع. نی. تریایتیه. وُریمه. ایی. اوچیتیه. سوائی. اورُکی

Vø ni tiryāyte vrimyā e ouchite svāi ouroki

ظرف چند ساعت شما می‌توانید این کار را تمام بکنید؟

Через сколько часов вы можете закончить эту работу?

چِرَز. سُکولکا. چاسوؤ.وُع. مُوژیتِه. زاکُنچیت. اِتو. رَابوتو؟

Cherez skolkā chāsov vð mozhete zakonchit etou rabotou?

من ده دقیقه دیگر هم کار را تمام می‌کنم.

Через десять минут я закончу всю работу.

چِرَز. دِسیِت. مینوت. یا. زاکَانچو. وُسیو. رَابوتو.

Cherez desyat minout yā zakānchou vsyou rabotou

شما چند سال دارید و چند سال است که تحصیل می‌کنید؟

Сколько вам лет и сколько лет вы учитесь?

سُکولکا. وام. لِت. ایی. سُکولکا. لِت. وُع. اوچیتیس؟

Skolkā vām let e skolkā let vð ouchitis?

من بیست و شش سال سن دارم و هجده سال است که تحصیل می‌کنم.

Мне двадцать шесть лет и восемнадцать лет я учусь.

مِنِه. دَوادچات شِست. لِت. ایی. وُسیم نادچات. لِت. یا. اوچوس.

Mne dvadtsat shest let e vosimnādtsat let yā ouchous.

در مسکو روز تعطیلی چه روزی است؟

Какой день в москве выходной?

Kākoj den v Maskve vðkhādnoy? کَاکوی. دِن. وُ. ماسکو. وُغخادَنوئی؟

در مسکو روز تعطیلی یکشنبه است.

В москве выходной день - воскресенье

وُ. ماسکو. وُغخادَنوئی دِن. واشکرسَنِیه.

V Maskve vðkhādnoy den-vāskresenye

Климат . Путешествия

آب و هوا - سیاحت

Klimāt . Pouteshestviyā

کلیمات، پوتیشستیوی یا

Какая сегодня погода?

امروز هوا چطور است؟

Kākāyā sivodnyā pāgodā?

کا کوی. سیودنیا. پاگودا؟

Сегодня хорошая погода.

امروز هوای خوبی است.

Sivodnyā khāroshāyā pāgodā.

سی وودنیا. خاژوشایا. پاگودا

Сегодня тепло



امروز هوا گرم است.

Sivodnyā tiplo

سی وودنیا. تیپلو

Сегодня жарко

امروز هوا داغ است.

Sivodnyā zhārka

سی وودنیا. ژارکا

Сегодня холодно

امروز هوا سرد است.

Sivodnyā kholodnā



سی وودنیا. خولودنا

Сегодня плохая погода.

امروز هوای بدی است.

Sivodnyā plakhaya pāgodā.

سی وودنیا. پلاخایا. پاگودا

رفتن به چه کشوری جهت مسافرت توریستی مناسب است؟

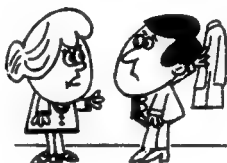
В страну Какую интересно поехать в туристическую поездку?

و. کاکویو. سترانو. اینترسنا. پایخات. و. توریستیچسکویو. یایزدکو؟

V kakouyou stranou interesnā pāyekhāt v touristichiskouyou pāyezdkou?

Я думаю в украину.

Yā doumāyou v oukraīnou



Какой климат в украине?

Kākouy klimāt v oukraīne?

من فکر می‌کنم اوکراین
یا. دو مایو. و. اوکرائینو

آب و هوای اوکراین چگونه است؟

کاکوی. کلیمات. و. اوکرائین؟

آب و هوای اوکراین در همه جا یکسان نیست.

Климат украина во всех местах неодинаков

کلیمات. اوکرائینا. و. وِسِخ. مِسْتاخ. نئی آدینا کوؤ.

Klimāt ukrāīnā vo vsēkh mestakh ni odinākov.

ما در تیر ماه به بیلاق می‌رویم.

В месяце тир мы отправляемся на дачу.

وَمِسِیج. تیر. مَع. آتپراؤلیایمسا. نا. داجو

V mesyatse tir ma ātpṛāvliāimsa nā dāchou

در ماه فروردین غنچه‌های درختان نمایان می‌شوند.

В месяце Фарвардин на деревьях появляются почки.

و. مِسِیج. فروردین. نا. دروْیاخ. پایاؤلیایوْتسا. پاچکی.

V mesyatse Forvardin na derevyākh pāyāvlyāyoutsā pachki.

در ماه آبان هوا سرد می شود.

В месяце Абан погода становится холодной

و مِسِیج. آبان. پانگودا. ستائوویتسا. خولودنا

V mesyatse abān pāgodā stānovitsā kholodnoy.

Как зима? Вам нравится?

زمستان چطور است؟ شما می پسندید؟

Kāk zimā? Vām nrāvitsā?

کاک. زِیما؟ وام. نراوویتسا؟

Похоже завтра будет дождь

احتمال می رود فردا باران ببارد.

Pākhozhe zāvtrā boudit dozhd.

پاخوژ. زافترا. بودیت. دژد

Сегодня сколько градусов жары?

امروز درجه گرما چقدر است؟

Sivodnyā skolka grādousov zhār?

سی و دُنیا. سکولکا. گرادوسو. زار؟

در ماه اردیبهشت شکوفه ها و گلها شروع به شکفتن می کنند.

В месяце ОрдиБехешт розы и цветы начинают

расцветать.

و. مِسِیج. اُردیبهشت. رُزُع. ایی. چویتع. ناچینایوت. راسچویتات.

V mesyatse Ordibekhesht rozi e chvit e nāchināyout

rastsvitat.

در آبان ماه روزها شروع به کوتاه شدن می کنند.

В месяце Абан дни становится короткими.

و. مِسِیج. آبان. وُن. ستائوویتسا. کارُتکیمی.

V mesyatse Abān dni stānovitsā kārōtkimi.

Неделя/Месяц

Nidelyā/Mesyats

هفته، ماه

ئى دۇيا. مەيچ

ايام هفته

Понедельник

Pānidelnik

Вторник

Vtornik

Среда

Sredā

Четверг

Chetverg



دوشنبه

پائى دىلىك

سه شنبه

وئترىك

چهارشنبه

سردا

پنج شنبه

چتورگ

Пятница

جمعه

Pyatnitsa

پَیْتْنِیتْسَا

суббота

شنبه

Soubota

سوُبوتا

Воскресенье

یکشنبه

Vaskresenye

واَسْکِرِ سِنِیه



ماه‌های قیصری (اروپائی)

Январь	ژانویه
Yānvār	یانوار
февраль	فوریه
Fevrāl	فبروال
Март	مارس
Mārt	مازت
Апрель	آوریل
Aprēl	آپرل
Май	مه
Māy	مائ
Июнь	ژوئن
Iyoun	ایون
Июль	ژوئیه
Iyoul	ایول
Август	آگوست
Āvgoust	آوگوست
Сентябрь	سپتامبر
Sentyabr	سنتیابر



Октябрь

اُکتبر

Oktyābr

اُکتیابر

Ноябрь

نوامبر

Noyābr

نُویابر

Декабрь

دسامبر

Dekābr

دِکابر



سال تحصیلی در ایران اول مهرماه (بیست و سوم سپتامبر) آغاز می‌گردد.

В иране Учебный год начинается первогва мехра

(двадцать третий сентября)

و. ایران. اوچبئی. گود. ناچینائیسا. پَرُووا. میخرا (دوادچات تِرَتی سِنتیابر)

V Irane ouchebn̄y god nāchinaītsā pervovā mekhra (Dvadtsāt

treti sentyābr̄y)

В этом году

امسال

V etom gādou

و. اِتوم گادو

В будущем году

سال آینده

V boudoushim gādou

و. بودوشیم گادو

Каждый год

هرسال

Kāzhd̄y god

کاژْدی گود

Новый год

سال نو

Nov̄y god

نُوی گود

В прошлом году

پارسال

V Prāshlom gadou

و. پراشلوم گادو



Количественные числительные

اعداد و ارقام

Kālichestvennǝ chislitelnǝ

كاليچستونئە چىسلەتلە

Ноль

صفر

Nol

نول

Один

يك

Ādin

آدين

Два

دو

Dvā

دوا

Три

سه

Tri

تري

Четыре

چهار

Chitǝri

چيتەرى



Пять

پنج

Pyat

پَیت

Шесть

شش

Shest

شِست

Семь

هفت

Sem

سِم

Восемь

هشت

Vosim

وُسِم

Девять

نه

Devyat

دِوِیت

Десять

ده

Desyat

دِسِیت

Одиннадцать

یازده

Ādinnādtsāt

آدین نادچات

Двенадцать

دوازده

Dvenādtsāt

دوِ نادچات

Тринадцать

سیزده

Trinādtsāt

تِری نادچات

Четырнадцать

چهارده

Chitārnādtsāt

چیتِرن نادچات



Пятнадцать	پانزده
Pyatnāḍtsāt	پَیت نَادْچَات
Шестнадцать	شانزده
Shestnāḍtsāt	شِست نَادْچَات
Семнадцать	هفده
Simnāḍtsāt	سیم نَادْچَات
Восемнадцать	هجده
Vosimnāḍtsāt	وُ سیم نَادْچَات
Девятнадцать	نوزده
Devyatnāḍtsāt	دَوِیت نَادْچَات
Двадцать	بیست
Dvāḍtsāt	دَوَادْچَات
Двадцать Один	بیست و یک
Dvāḍtsāt ādin	دَوَادْچَات آدین
Двадцать два	بیست و دو
Dvāḍtsāt dva	دَوَادْچَات دَوَا
Тридцать	سی
Tridtsāt	تُریدچَات



Тридцать три

سی و سه

Tridtsāt tri

تَریْدچات تری

Тридцать четыре

سی و چهار

Tridtsāt chitiri

تَریْدچات چیتیری

Сорок

چهل

Sorok

سُورُک

Сорок пять

چهل و پنج

Sorok pyat

سُورُک پَیت

Сорок шесть

چهل و شش

Sorok shest

سُورُک شِست

Пятьдесят

پنجاه

Pyatdisyat

پَیت دِیسِیت

Шестьдесят

شصت

Shestdisyat

شِست دِیسِیت

Семьдесят

هفتاد

Semdisyat

سِم دِیسِیت

Восемьдесят

هشتاد

Vosimdisyat

وَسِیم دِیسِیت



Девяносто	نود
Devyanosto	دوینست
Сто	یکصد
Sto	ستو
Сто один	یکصد و یک
Sto ādin	ستو آدین
Сто десять	یکصد و ده
Sto desyat	ستو دسیت
Сто двадцать	یکصد و بیست
Sto dvādtsāt	ستو دواذچات
Сто тридцать	یکصد و سی
Sto tridtsāt	ستو تریذچات
Сто Сорок	یکصد و چهل
Sto sorok	ستو سورک
Двести	دویست
Dvesti	دوستی
Двести один	دویست و یک
Dvesti ādin	دوستی آدین
Триста	سیصد
Trista	تریستا



Четыреста

چهار صد

Chit̄ristā

چیتَعرِستا

Пятьсот

پانصد

Pyat̄sot

پیتْ سَت

Шестьсот

ششصد

Shestsot

شستْ سَت

Семьсот

هفتصد

Simsot

سیمْ سَت

Восемьсот

هشتصد

Vosimsot

وُسیمْ سَت

Девятьсот

نهصد

Devyatsot

دوْیتْ سَت

Тысяча

هزار

T̄syachā

تَسیچا

Одна тысяча три

یکهزار و سه

Ādnā t̄isyachā tri

آدْنا تَسیچا تری

Одна тысяча семь

یکهزار و هفت

Ādnā t̄syachā sem

آدْنا تَسیچا سِم

Тысяча сто

هزار و صد

T̄syachā sto

تَسیچا سْتُو



Тысяча двести	هزار و دویست
Tāsyachā dvesti	تَسیچا دُوستی
Две тысячи	دو هزار
Dve tāsychi	دو تَسیچی
Десять тысяч	ده هزار
Desyat tāsychi	دِسیَت تَسیچی
Сто тысяч	یکصد هزار
Sto tāsychi	سُتو تَسیچی
Миллион	میلیون
Milion	میلیون
Один миллион	یک میلیون
Ādin milion	آدین میلیون
Два миллион	دو میلیون
Dvā milionā	دوا میلیونا
Один миллиард	یک میلیارد
Ādin miliārd	آدین میلیارد
Семьсот двадцать семь	هفتصد و بیست و هفت
Simsot dvādachāt sem	سِیم سَت دوا دچات سِیم



یکهزار و نهصد و نود و هشت

девятьсот Тысяча девяносто восемь

Tācyacha devyatsot devyanost

تعمیحا. دویت سِت دویُستُ وُسیم

Ты умеешь считать?

آیا تو می توانی حساب کنی؟

Tā ouseish schitāt?

ئی. اومیش. ش چیتات؟

Да я умею считать.

بله، من می توانم حساب کنم.

Dā yā ouseyou schitāt.

دا. یا. اومیو. ش چیتات



Порядковые числительные

Pārādkovde chislitelnde

اعداد ترتیبی

پاراڊگمويہ جیسٹیتلنہ

Первый

Pervdy

Второй

Vtāroy

Третий

Tretiγ

Четвёртый

Chitvyortdy

Пятый

Pyatdy

اول

پروى

دوم

ۇتازى

سوم

تەرتى

چهارم

چىتۋورتى

پنجم

پىننى



Шестой	ششم
Shestoy	شِستوی
Седьмой	هفتم
Sidmoy	سیدموی
Восьмой	هشتم
Vāsmoy	واسموی
Девятый	نهم
Devyatdy	دوینتی
Десятый	دهم
Desyatdy	دسینتی
Одиннадцатый	یازدهم
Ādinnādtsatdy	آدین نادچائی
Двенадцатый	دوازدهم
Dvenādtsatdy	دونادچائی
Тринадцатый	سیزدهم
Trinādtsatdy	تری نادچائی
Пятнадцатый	پانزدهم
Pyatnādtsatdy	پیت نادچائی



Двадцатый

بیستم

Dvadtsat̄y

دواذچاتی

Двадцать Первый

بیست و یکم

Dvadchat̄ Perv̄y

دواذچات پروی

Двадцать Второй

بیست و دوم

Dvadtsat̄ Vtaroy

دواذچات وتاری

Тридцатый

سیام

Tridtsat̄y

تَریذ چاتی

Сороковой

چهل

Sorokavoy

سُرکاوی

Пятидесятый

پنجاهم

Pyatidisayat̄y

پَیتی دِیسیَتی

Шестидесятый

شصتم

Shestidisayat̄y

شِستی دِیسیَتی

Семидесятый

هفتادم

Semidisayat̄y

سِنی دِیسیَتی

Восьмидесятый

هشتادم

Vosmidisyat̄y

وُسمی دِیسیَتی

Девяностый

نودم

Devyanost̄y

دوِیَنستی

Сотый

صدم

Sotdy

سوتی

Тысячный

هزارم

Tdsyachndy

تدسیچنی

Миллионный

میلیونی

Milionndy

میلیونی



Дробные числительные

Drobn̄nye chislitel̄nye

اعداد كسرى

دۆربىنچى خىسلىتىلغىچە

Одна вторая / Половина

Ādnā vtārāya/Pālavinā

۱/۲ - يک دوم

آدناؤ تارایا / پالاولینا

Одна третья

Ādnā tretyā

۱/۳ - يک سوم

آدنا تريتيا

Одна четвертая

Ādnā chetvortāya

۱/۴ - يک چهارم

آدنا چت ورتايا

Одна пятая

Ādnā pyatāya

۱/۵ - يک پنجم

آدنا پيتايا

Две третий

Dve tretiy

۲/۳ - دو سوم

دو تريتى



Три четвёртых

سه چهارم - $\frac{3}{4}$

Tri chitvyortākh

ثری چیتویورتخن

Четыре пятых

چهار پنجم - $\frac{4}{5}$

Chitāri pyatākh

چیتیری پیتنخن

Пять восьмых

پنج هشتم - $\frac{5}{8}$

Pyat vāsmākh

پیت واسمنخن



Ноль целых одна десятых

یک دهم / صفر ممیز یک دهم - $\frac{0}{1}$

Nol chelākh ādnā desyatākh

نول چلخن آدنا دسیتخن

Одна целая три десятых

یک و سه دهم / سه ممیز سه دهم - $\frac{1}{3}$

Ādnā tselayā tri desyatākh

آدنا چلایا ثری دسیتخن

Одна целая пять десятых

یک و پنج دهم / یک ممیز پنج دهم - $\frac{1}{5}$

Ādnā chelayā pyat desyatākh

آدنا چلایا پیت دسیتخن

دو و بیست پنج صدم / دو ممیز بیست و پنج - $\frac{2}{25}$

Две целых двадцать пять сотых

Dve chelākh dvādsāt pyat sotākh

دو چلخن دواذچات پیت ستخن

سی و شش و چهل و دو هزارم - $\frac{36}{1000}$

Тридцать шесть целых сорок две тысячных

تريدچات شست چلخن سورک دو نعیسیتخن

Tridsāt shest chelākh sorok dve tasyachnākh

حساب

Плюс



جمع

Plus

پلوس

Минус



تفریق

Minous

مینوس

Умножение



ضرب

Oumnāzhenie

اؤمناژئیہ

Разделение



تقسیم

Rāzdelenie

رازدلیئیہ

Равняется



مساویست / مساوی

Rāvnyāitsā

راونیائیتسا

شش بعلاوه پنج، مساویست با یازده.

Шесть плюс пять равняется одиннадцать.

شِست. پِلوس. پَیت. راوُنیا ئیتسا. آدین نا چات.

Shesh plous pyat rāvnyaitsā adinnadchat

بیست منهای دوازده، مساویست با هشت.

Двадцать минус двенадцать равняется восемь.

دواذ چات. مینوس. دونا د چات. راوُنیا ئیتسا. وُسیم.

Dvadchat minous dvenadchat rāvnyaitsā vosim

بیست و پنج را در سه ضرب کنید. на три умножьте двадцать пять.

Dvadtsat pyat oumnāzhite nā tri. دواذ چات. پَیت. اوْمناژِیتِه. نا. تری

پنجاه تقسیم بر پنج مساویست با ده.

Пятьдесят разделить на пять равняется десять.

پَیت دِشِیت. راژ دِلیت. نا. پَیت. راوُنیا ئیتسا. دِشِیت

Pyatdisyat rāzdelit nā pyat rāvnyaitsā desit

Процент



در صد

pratsent

پُرا چنت

Два процента

دو در صد

Dva pratsenta

دوا، پُرا چنتا

Сто Процент

صد در صد

Sto pratsentov

سُتو، پُرا چنتو

Персидские номеративый

نمره بندی فارسی

Persidskie nomerativdy

پُرسید سَکیه، نُمِراتیوی

Одна пара перчаток

Ādna pāra perchatok

Два ствола винтовки

Dvā stvolā vintovki

Три корабля

Tri kārāblyā

Пять комплектов мебели

Ryat kāmplektov mebeli

Две рубашки

Dve roubāshki

Три жилых дома

Tri zhilǎkh dāma

Две коробки спичек

Dve Kārobki spichek

Пачка сигарет

Pāchka sigāret

Букет красивых цветов

Bouket krasivǎkh chvetov

Группа людей

Grouppā loudey



جفت دستکش

آدنا. پارا. پُرچاتوک

دو قبضه تفنگ

دوا. ستولا. وِینتوونکی

سه فروند کشتی

تُری. کارابلیا

پنج دست مبل

پَیت. کائیلِکتوؤ. میلی

دو دست پیراهن

دو. روباشکی

سه باب منزل

تُری. ژیلغخ. داما

دو قوطی کبریت

دو کاربکی. سپیچک

یک بسته سیگار

پانچکا. سیگارِت

یک دسته گل زیبا

بوکت. کراسیوعخ. چوِتوؤ

گروهی از مردم

گُروپا. لودی

Шесть самолётов

شش فروند هواپیما

Shest samālyotov

شِست. سامالوتوؤ

Две книги священного Корана

دو جلد قرآن مجید

Dve knigi svyashennova "Korānā"

دو. کِنیگی. سیویشِنوؤا. کُرانا



Цвета

Chvetā

رنگها

چوتا

Белый

سفید

Belḍy

بلی

Чёрный

سیاه

Chyornḍy

چُرُنْی

Красный

قرمز

Krasnḍy

کُرْاَسْنِی

Зелёный

سبز

Zilyonḍy

زِيلْيُونْی

Жёлтый

زرد

Zhyoltḍy

زُلْتِی



Синий

آبی

Siniy

سینیی

Коричнёвый

قهوه‌ای

Karichnyovdy

کارِیچْنیووی

Серый

خاکستری

Serdy

سِرْدی

Золотой

طلایی

Zolotoy

زُلْتوی

Серебряный

نقره‌ای

Serebryandy

سِرْبریانی

Розовый

صورتی

Rozovdy

رُزْوی

Бирюзовый

فیروزه‌ای

Birouzovdy

بِرُوزْوی

Голубой

کبود

Galouboy

گالوُبوی

Этот карандаш какого цвета?

این مداد چه رنگی است؟

Etot karāndash kakova chveta?

اِتوت. کاراندَاش. کاکووا. چَوِتا؟



Этот карандаш серый.

این مداد به رنگ خاکستری است.

Etot karāndāsh serdy.

اُتوت. کارانداش. سرعی

Какого цвета вы купили туФли?

شما کفش چه رنگی خریدید؟

Kākovā chvetā vđ koupili toufli?

کاگووا. چوت. وُع. کوپیلی. توفلی؟

Я купил жёлтый туФли.

من کفش زرد رنگ خریدم.

Ya koupil zhyoLtdy toufli.

یا. کوپیل. ژلتی. توفلی

Мне его цвет не нравится.

از رنگش خوشم نمی آید.

Mne yevo chvet ni nrāvitsā.

منه. یو. چوت. نی نراویتسا.

Что-нибудь приятное для глаз. چیزی که به چشم خوش رنگ باشد.

Ishto niboud priyatnāye dla glāz.

ایشتونی بود. پری یاتنایه. دلا. گلاز



جہات اصلی و فرعی

Восток



شرق

Vāstok

واستوک

Запад



غرب

Zāpād

زاپاد

Север



شمال

Sever

سور

Юг



جنوب

Youg

یوگ

Восточный

شرقی

Vāstochnḍy

واستوچنی

Западный

غربی

Zāpādnḍy

زاپادنی

Северный

شمالی

Severndy

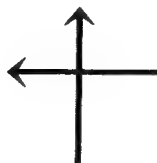
سِورُنْی

Южный

جنوبی

Youzhndy

یوژُنْی



Северо восток

شمال شرقی

Severo vāstok

سِورُ وَاَسْتُوک

Северо запад

شمال غربی

Severo zāpad

سِورُ زَاپَاد

Юго восток

جنوب شرقی

Yougo vāstok

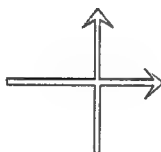
یوگُو وَاَسْتُوک

Юго запад

جنوب غربی

Yougo zāpad

یوگُو زَاپَاد



Таможня

گمرک

Tamozhnāyā

تاموژنیا

Граница

مرز

Granitsa

گرائیتسا

Проверка паспортов

بازرسی گذرنامه

Prāverkā pāspörtov

پراورکا پاسپورتوؤ

Томоженная Декларация

اظہارنامہ گمرکی

Tāmozhenñāyā deklaratsiyā

تاموژنایا دکلاراسی یا

Таможенный тариф

تعرفہ گمرکی

Tāmozhenñōy tarīf

تاموژنئی. تاریف

Таможенные пошлины

عوارض گمرکی

Tāmozhenñde poshlinō

تاموژنئع. پشلینع



Я не понимаю по русский язык. من به زبان روسی متوجه نمی‌شوم.

Yā ni rānimāyou rā Rouskiy yazōk یا. نی. پائی مایو. پا. روشکی. یازیک

Я не говорю по русский. من به روسی صحبت نمی‌کنم.

Yā ni gāvārou rā Rouskiy یا. نی گاوارو. پا. روسکی.

Мне нужен переводчик. من به مترجم نیاز مندم.

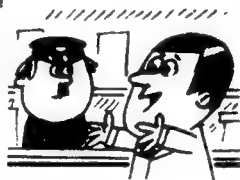
Mne nouzhen perevodchik. منه. نوژن. پروژدچیک.

Откуда вы приехали? شما از کجا آمده‌اید؟

Atkoudā vō priyekhālī? آت کودا. وُع. پُری یخالی؟

Из Ирана از ایران

Iz Irānā ایز. ایران آ



Ваш паспорт пожаЛУЙста لطفاً گذرنامه اتان

Vāsh pāsport pāzhalōustā واش. پاشپورت. پاژالوُستا

С кем вы приехали? شما به اتفاق چه کسی آمده‌اید؟

S kem vō priyekhālī? س. کم. وُع. پُری یخالی؟

Я приехал с женой من با همسرم آمدم.

Yā priyekhāl s zhenoy. یا. پُزی یخال. س. ژَنوی.

Я приехал с другом. من با دوستم آمدم.

Yā priyekhāl s drougom. یا. پُزی یخال. س. دُزوگُم.



Цель поездки? هدف از مسافرت؟

Chel pāyezdki? چَل پایزدکی؟

Я приехал по делам. من جهت انجام کار آمدم.

Ya priyekhāl pā delām. یا. پُری یخال. پا. دلام.

Я приехал для отдыха. من برای استراحت آمدم.

Ya priyekhāl dlā otdōkha. یا. پُری یخال. دلا. اُتدوخا.

Я приехал для лечения. من برای معالجه آمدم.

Ya priyekhāl dlā licheniya. یا. پُری یخال. دلا. لیچنی یا.

Сколько у вас долларов? چقدر دلار همراه دارید؟

Skolka ōuvās dollārov? سَکولکا. او. واس. دُتارو؟

Где ваш багаж? بارتان کجاست؟

Gde vash baghāzh? گد. واش. باگاژ؟

Откройте пожалуйста свой чемодан. لطفاً چمدانتان را باز کنید.

Ātkroyte pāzhaloustā svoy chemādān. اَتکرویتِه. پاژالوستا. سوئی. چمدان.

Закройте пожалуйста свой чемодан. چمدانتان را ببندید.

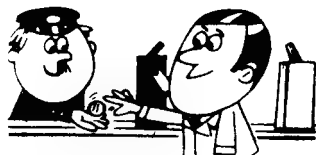
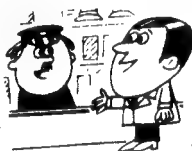
Zākroyte pāzhaloustā svoy chemādān. زاکرویتِه. پاژالوستا. سوئی. چمدان.

Можно мне пройти? ممکن است عبور کنم؟

Mozhnā mne prāyti? مژنا. منه. پرایتی؟

Разрешите спросить اجازه دهید سنوالی بکنم

Rāzrishite sprāsit. رازریشیتِه. سپراسیت



لطفاً بگویید دفتر اطلاعات کجاست؟

Скажите пожалуйста где находится справочное бюро.

سکاژیته. پاژالوستا، گد، ناخودیتسا، سپراوچنایه. بورو؟

Skāzhite pāzhaloustā gde nākhoditsā spravochnāye bouro?

این وسایل جهت استفاده شخصی است.

Эти вещи личного пользования.

Eti veshi lichnovo polzovaniyā. ائی، وشی، لیچنوو، پولزوآنیآ.

به چه اشیائی بدون عوارض گمرکی وارد می‌شوند؟

Какие вещи провозятся бес пошлинно?

Kākie veshi prāvozitsā bes poshlinnā? کاکیه، وشی، پراوژیتسا، بس، پُشَلینا؟

у меня есть лицензия на ввоз. من مجوز واردات دارم.

Ou minya yest litsenziyā nā vvoz. او، مینیه، یست، لیچنزئی یا، نا، وُوز

у меня есть лицензия на вывоз. من مجوز صادرات دارم.

Ou minya yest litsenziyā nā vðvoz. او، مینیه، یست، لیچنزئی یا، نا، وُعوُز

شما باید عوارض گمرکی را به صندوق پرداخت نمایید.

Вы должны уплатить пошлину в кассу.

وُع، دالْژنِئ، اوپلاآتیت، پُشَلینو، و، کاسو

Vð dālzhnð ouplatit poshlinou v kassou.

Я уплатил пошлину. من عوارض گمرکی را پرداخت کردم.

Yā ouplātil poshlinou. یا، اوپلاآتیل، پُشَلینو.

Вот, пожалуйста квитанция

بفرمائید، این قبض رسید.

Vot, pāzhaloustā kvitāntsiyā.

وُت. پاژالوستا. کُویتانچی یا.

Досмотр окончен.

بازرسی تمام شد.

Dāsmotr akānchen.

داسْمُتر. آکانچن

Тележки есть здесь?

چرخ دستی حمل بار اینجا هست؟

Telezhki yest zdes?

تِلِژکی. یست. زِدِس؟



В Банке

در بانک

V Banke

و بانک

Банк

بانک

Bānk

بانک

Касса

صندوق

Kassā

کاسا

Курс

مُضَنه

Kours

کورس

Покупка

خرید

Paḳoupka

پاکوپکا

Продажа

فروش

Pradāzha

پرادازا

Деньги

پول

Dingi

دینگى



Валюта

ارز

Vāloutā

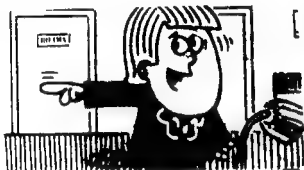
والوتا

Пункт обмена валюта

جایگاه تبدیل ارز

Pounkt ābmenā vāloutā.

پونکت. آبینا. والوتا



کجا می‌توانم پول خارجی (ارز) را تبدیل کنم؟

Где я могу обменять валюту?

Gde ya māghou abminyāt vāloutou?

کجایا. ماگو. آبینیات. والوتو؟

Какой курс сегодня?

مضنه امروز چند است؟

Kākou kurs sivodnya?

کاکوئی. کورس. سی و دنیا؟

Доллар сколько стоит?

قیمت دلار چند است؟

Dollar skolka stoit?

دلار. سکولکا. ستویت

Я хочу обменять сто долларов. می‌خواهم صد دلار معاوضه کنم.

Ya khāchou ābminyāt sto dollarov.

یا. خاچو. آبینیات. ستو. دلارو

می‌خواهم دلار را به روبل تبدیل کنم.

Я хочу обменять доллары на рубли.

یا. خاچو. آبینیات. دلار. نا. روبلی

Ya khāchou ābminyāt dollarōd na Rubli.

آیا شما می‌توانید به بانک من در مسکو تلکس بفرستید.

Вы можете послать телекс В мой банк в Москву?

وع. موژته. پاسلات. تلکس. و. موی. بانک. و. ماسکوو؟

Vd mozhete pāslāt teleks V moy bank v Maskvou?

من می‌خواهم در بانک شما، برای خودم حساب باز کنم.

Я хочу открыть себесчёт в вашем банке.

یا. خاچو. آتکرغت. سیه. سُچوت. نا. واشیم. بانکِ

Yā khāchou ātkrēt sibe schyot nā vāshem Bānke.

من می‌خواهم این پول را به حساب خودم حواله کنم.

Я хочу эти деньги внести на свой счёт

یا. چاخو. اِتی. دینگِی. وِینِستی. نا. سُوی. سُچوت

Yā khācho eti dingi vnisti nā svoy schyot.

Почтовый перевод

حواله پستی

Pochtovdy perevod

پُچتووی. پرود

Телеграфный перевод

حواله تلگرافی

Telegrāfndy perevod

تلِگرافنی. پرود



Наличные

نقدی

Nālichnde

نالِیچنِج

Чековая книжка

چک کارت

Chekovāyā knizhkā

چِکوا یا. کُنیزکا

Банковский чек

چک بانکی

Bānkovskiĭ chek

بانکوفسکی. چک

Кредит

اعتبار، وام

Kredit

کُرِیدِیت



Акредитив

اعتبارنامه/گشایش اعتبار

Akreditiv

آکریڈیتیو

Рыночная цена

نرخ بازار

Rdnochnāyā cena

رُعنُوچنایا. چنا

Биржевой курс

نرخ بورس

Birzhevoy kurs

بیرژوئی کورس

Фондовая биржа

بورس ارز و سهام

Fondāvāyā birzhā

فُونداوایا. بیرژا

Чёрный рынок

بازار سیاه

Chornŷy rdnok

چُرنی رُعنوک

Капитал

سرمایه

Kāpital

کاپیتال

Основной капитал

سرمایه اصلی (اساسی)

Āsnāvnoy kāpital

آسناوئوی. کاپیتال

Акционерный Капитал

سرمایه سهامی

Āktsionerndy kāpital

آکچیونرنئی. کاپیتال

Торговый капитал

سرمایه تجارتی

Tārgovdy kāpital

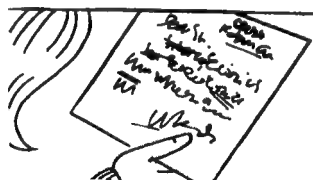
تازگُوی. کاپیتال

Расходы

هزینه‌ها/مخارج

Rāskhod

راشخُودع



Доля

بهره، سهم

Dolya

دُلیا

Доход

درآمد

Dākhod

داخود

Стоимость

ارزش (بهاء)

Stoimost

سُتوئیْمُست

Брать в долг

قرض گرفتن

Brāt v dolg

بِرات. وُ. دُولُگ

Дать в долг

قرض دادن

Dāt v dolg

دات. وُ. دُولُگ

Национальный банк России

بانک ملی روسیه

Nātsionalnōy bānk Rassii

ناچئونالنی. بانک. راشین

Текущий счёт

حساب جاری

Tekoushiy schyot

تِکُوشِی. سُچُوت

Сберегательная касса

صندوق پس انداز

Sheregātelnāyā kāsā

سیرِگاتِلِنایا. کاسا

Кассир

صندوق دار

Kassir

کاسیر

Бухгалтер

حسابدار

Boukhgālter

بوخْگالْتِری یا

Бухгалтерия

حسابداری

Boukhgālteriya

بوخْگالْتِری یا



سفر زمینی

Автобус

اتوبوس

Avtobous

آؤتوبوس

Микроавтобус

مینی بوس

Mikroāvtobous

میکرو آؤتوبوس

Троллейбус

اتوبوس برقی

Tralleybous

ترالیبوس

Шофёр

راننده

Shafyor

شافیور

Машина

اتومبیل

Māshina

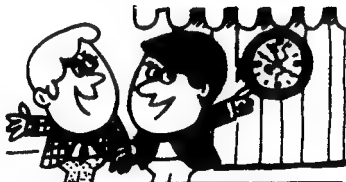
ماشینا

Свободное время

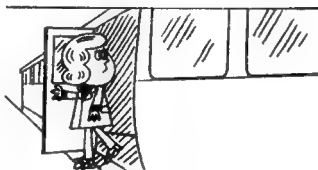
وقت آزاد

Svābodnaē vrimya

سوابودنای. ورمیا



Занято	مشغول
Zānyāto	زائیاتو
Адрес	نشانی
Ādres	آدرس
Дорого, Дорогой	گران
Doroga, Daṛāgoi	دُرگا / داراگویی
Прокат	آژانس کرایه‌ای
Prokat	پُرکات
Остановка, Станция	ایستگاه
Āstānovka, Stāntsiyā	آستانووکا / ستانچی یا
Прямо	مستقیم
pryāmā	پریاما
Такси	تاکسی
Taksi	تاکسی
Вы свободны ?	شما وقت آزاد دارید؟
Vd svābodnd?	وُغ. شوآبودنغ؟
Вы заняты?	وقت شما پر است؟
Vd zānyatd?	وُغ. زائیاتع؟
Нам надо ехать в гостиницу.	لازم است به هتل برویم.
Nām nādā yekhat v gāstinitsoi.	نام. نادا. یخاٹ. و. گاستینیچو.



По этому адресу.

به این نشانی.

Ря̄ etārou ādresou.

پا. اِتا مو. آدرسو

Садитсь в машину.

سوار ماشین شوید.

Sādits v mashinou.

سادیٹس. و. ماشینو



Подождите меня пожалуйста.

لطفاً منتظر من بمانید.

Pādāzhdite minya pāzhaīoustā.

پاداژدیتِه. مینیه. پاژالوستا

где можно взять такси?

کجا می شود تاکسی گرفت؟

Gde mozhnā vzyāt Tāksi?

گدِه. مژنا. وُزیات. تاکسی؟

Вызовите такси

تاکسی خبر کنید.

Vōzāvite Tāksi

وُزاولیتِه. تاکسی



Сколько вам надо платить?

چقدر لازم است به شما بپردازم؟

Skolka vām nādā plātīt?

سکولکا. وام. نادا. پلاتیت؟

Сколько Я вам должен?

چقدر به شما بدهکارم؟

Skolka ya vām dolzhen?

سکولکا. یا. وام. دُلژن؟

Это много

این زیاد است.

Eta Mnogā

اِتا. مَنوگا



Как доехать до.....?

چطور می شود تا... رفت؟

Kak dāyekhat do.....?

کاگ. دایخات. دُو.....؟

Остановитсь здесь.

اینجا نگه دارید.

Āstānāvits zdes.

آستاناویتس. زِدِس

من می‌خواهم یک ماشین کرایه کنم. Я хочу взять на прокат машину.
یا خاچو. وُزْیاث. نا. پُرکات. ماشینو.

Yā khachou vzyat̄ nā prokat̄ māshinou.

کرایه ماشین چقدر است؟ Сколько стоит прокат машину?

شکولکا. شتُونیت. پُرکات. ماشینو؟ skolkā stoit prokat̄ māshinou?

днём

در روز

Dnyom

دُنْیوم

Ночью

در شب

Nochou

نُچو

Номер вашего такси....

شماره تاکسی شما.....

Nomer vāshevo taksi.....

نُومِر. وایشو. تاکسی.....

Поверните направо за угол

بپیچید سمت راست سرپیچ

Pāvernite nā grāvā zā ougol

پاورنیتِه. ناپراوا. زا. اوگُل

Я вернусь через десять минут.

من ده دقیقه دیگر برمی‌گردم.

Yā vernous cherez desyat minout.

یا. ورنوس. چِرَز. دِسیَت. مینوت

لطفاً مرا تا فرودگاه برسانید.

Отвезите меня пожалуйста до аэропорта.

آتویریتِه. مینتِه. پاژالوستا. دُو آئِرپُورتا

Ātvizite minya pāzhaloustā do āeroportā.

До автовокзала

تا ترمینال اتوبوس رانی

Do āvtovakzalā

دو. آؤتوؤاکزالا

До железнодорожный вокзала

تا ایستگاه راه آهن

Do zheleznodārozhndy vakzalā

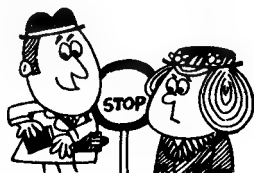
دو. ژلژنودارژندی واکزالا

До морского вокзала

تا ترمینال کشتیرانی

Do māreskovo vakzalā

دو. مارشکوو. واکزالا



Гостиница

Gāstinit̄sā

هتل

گاستینیجا

Администрация

Administratsiya

قسمت پذیرش

آدمنیستراچیا

Номер

Nomer

اطاق - نمرة

نومر

Комната

Komnatā

اطاق

کومنانا

Баня

Banya

حمام

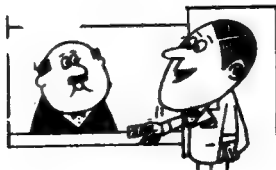
بانیا

На одного

Na adnāvo

برای یک نفر

ناآدناؤ



На двоих

Nā dvaikh

На один день

Nā ādin den

На два дня

Nā dva dnya

На неделю

Nā nidelou

У вас есть свободный номер?

Ou vās yest svābodnōy nōmer?

Мне нужен переводчик на персидский язык.

Mne nouzhen perevodchik nā persidskiy yazdk

На месяц

Nā mesyats

Можно посмотреть комнату?

Mozhnā pāsmātrit komnātou?

Комната на каком этаже?

Komnātā nā kākom etazhe?

برای دو نفر

نا. دوائخ

برای یک روز

نا. آدین دن

برای دو روز

نا. دواڈنیا

برای یک هفته

نا. نئی دلو

آیا شما جای خالی دارید؟

اوواس. یست. سواڈنئی. نومیرو؟

من مترجم زبان فارسی نیاز دارم.

منه. نوژن. پروڈچیک. نا. پرسیدسکی. یازعک.

برای یک ماه

نا. میسیچ

ممکن است اطاق را ببینم؟

مژنا. پاسمائتریت. کومنائو؟

اطاق در کدام طبقه است؟

کومنائا. نا. کاکوم. اِتاژ؟



Это комната мне не нравится.

این اتاق را نمی‌پسندم.

Etā komnātā mne ni nrāvitsā.

اِتا. کومَناتا. مِنِه. نِی نِراوِیتسا

У вас есть другая?

آیا (اتاق) دیگری دارید؟

Ou vās yest drugāyā?

او. واس. یِست. دِروگایا؟

Это комната мне нравится.

این اتاق را می‌پسندم.

Etā komnātā mne nrāvitsā.

اِتا. کومَناتا. مِنِه. نِراوِیتسا

Я возьму эту комнату.

من این اتاق را می‌خواهم.

Yā vāzmou etou komnatou.

یا. واژموا. تو. کومَناتو

قیمت اتاق در شبانه روز چقدر است؟

Сколко стоит комната в сутки?

Skolkā stoit komnātā v coutki

سُکولکا. سْتوِیت. کومَناتا. و. سوْتکی؟

من می‌خواهیم در هتلی که از مرکز شهر دور نباشد اقامت کنم.

Я хочу остановиться в гостинице недалеко от центра города.

یا. خاچو. آستانا وِیتسا. و. گاستینِیچِه. نِی دالِیکو. آت. چِنتراگورُدا.

Yākhachou astānāvitsā v gāstinitse nidaliko at chentrā gorodā.

Заполните пожалуйста этот

لطفاً این پرسشنامه را پر کنید.

бланк.

Zāpālните pāzhaloustā etot blānk.

زاپالْنِیتِه. پاژالوستا. اِتوت. بلاَنک

Мой номер на каком этаже ? اتاق من در کدام طبقه است؟

Мой номер на каком этаже? مویی. نومر. نا. کاکوم. اتاژ؟

خیالتان راحت باشد نگهبان شما را تا اتاقتان همراهی می‌کند.

Не беспокойтесь дежурный проводит вас до вашего номера

ئی. بسپاکوئیتیس. دژورئی. پراؤدیت. واس. دو. واشو. نومرا.

Ni beshpakoytes dezhourniy pravodit vas do vashevo nomera.

В комнате нет воды.

داخل اتاق آب نیست.

V komnate niet vad.

و. کومناته. ئیت. وادع

В комнате нет зеркала.

در اتاق آئینه موجود نیست.

V komnate niet zerkala.

و. کومناته. ئیت. زرکالا

Мне жарко, (холодно)

من گرما (سرما) احساس می‌کنم.

Mne zharka kholodna.

منه. ژارکا. خولودنا

Откройте пожалуйста окно.

لطفاً پنجره را باز کنید

Atkroite pazhalousta akno.

آتکروئیت. پاژالوستا. آکنو

Можно включить отопление?

ممکن است بخاری را روشن کنید؟

Mozhna vklouchit ataplenie?

مژنا. وکلوچیت. آتاپلنیه؟

Можно выключить отопление?

ممکن است بخاری را خاموش کنید؟

Mozhna vdklouchit ataplenie?

مژنا. وکلوچیت. آتاپلنیه؟



Электрический нагреватель

شارژر برقی

Elektricheski nāgrivatel

الکتریکسکی ناگروی واتل

Электрическая бритва

ریش تراش برقی

Elektricheskaŷa britva

الکتریکسکایا بریتوا



Розетка

پریز برق

Rāzetka

رازتکا

Напряжение

ولتاژ برق

Nāpryāzhenie

ناپریازژنیه

Это,комната грязная.

این اتاق کثیف است

Eta Komnāta grāznāya.

اتا. کومناتا. گراژنایا

Уборка

نظافتچی

Ouborka

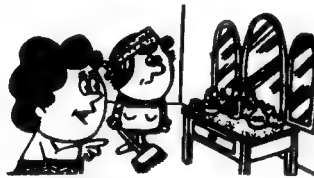
اوبورکا

Лифт

آسانسور

Lift

لیفت



Уберите пожалуйста комнату.

لطفاً اتاق را تمیز کنید.

Oubirite pāzhāloustā komnātou.

اوبیریته. پاژالوستا. کومناتو

Я буду через час.

من یک ساعت دیگر هستم.

Ya boudou cherez čas.

یا. بودو. چرز. چاس.

Мой ключ пожалуйста

کلید من، لطفاً

Moy Klouch pāzhāloustā

موی. کلوج. پاژالوستا



Когда вы уезжаете?

شما چه زمانی تشریف می‌برید؟

Kagda vŏ Ouizzhāete?

کاگدا. وُع. اوئیزژایته؟

Я уезжаю через неделю

من یک هفته دیگر می‌روم.

Ya ouizzhayou cherez nidelou.

یا. اوئیزژایو. چِرز. نی.دلو

Я буду до после завтра.

من تا پس فردا خواهم بود.

Yā boudou do posli zāvtra.

یا. بودو. دُو. پُسلِ زاوُترا

На каком этаже ресторан?

رستوران در کدام طبقه است؟

Nā kākom etazhe restārān?

نا. کاکوم. اِتاژ. رِستاران؟

خواهش می‌کنم رختخوابم را حاضر کنید.

Прошу подготовить мне постель.

Prāshou pādghātovit mne pastel.

پِراشو. پادگاتوویت. منْه. پاستِل.

لطفاً یک پتوی دیگر هم بیاورید.

Принесите пожалуйста ещё одно одеяло.

پِری نِسیئته. پاژالوستا. اِیشیو. آدنا. آدیالا.

Prinisite pāzhāloustā ishyo ādnā ādiyālā.



خواهش می‌کنم ساعت ۷ صبح مرا از خواب بیدار کنید.

Разбудите меня пожалуйста в семь часов утра.

Rāzboudite minya pāzhaloustā v sem chāsov outrā.

رازبودیتْه. مِئیتْه. پاژالوستا. و. سِمْ. چاسوو. اوُترا.

اگر کسی از من خبری گرفت ؛ بگوئید من بعد از ساعت دوازده برمی‌گردم.

Если Меня кто-нибудь спросит то я вернусь после 12:00

часов



پسلی. مَبنیه. کُتو - ننی بود. شپُرَسیت. تُو. یا. وِرَنوس. پُسلی. دُونادَچات. چاسوؤ.

Yesli minya kto-niboud sprositi to yā vernous posli 12 chāsov.



Несколько Слов

چند کلمه

Neskolka Slov

نَسْکولکا. سَلَوُز

Столовая

غذاخوری، ناهارخوری

Stalovayā

سِتالوژایا

Заказ

سفارش

Zākāz

زاکاز

Завтрак

صبحانه

Zāvtrāk

زافتراک



Обед

نهار

Ābed

آبد

Ужин

شام

Ouzhin

اوژین

Ресторан

رستوران

Restārān

رستاران

Бар

بار

Bār

بار

Кафе

کافه

Kāfe

کافه

Буфет

بوفه

Boufet

بوفت

Обслуживание

خدمتکار، پیشخدمت

Ābslouzhivānie

آبسلوژ یوانیه

Питание

تغذیه

Pitānie

پیتانیه

Цена

قیمت

Chena

چنا

Напиток

نوشابه

Nāpitok

نایپتک

Пепельница

زیر سیگاری

Pepelnitsā

پیلنیتسا

Вода

آب

Vādā

وادا



Полотенце

حوله

Pālātentsē

پالاتنج

Мыло

صابون

Mđlo

مئلو

Баня

حمام

Bānyā

بانیا

Одеяло

پتو

Ādeyālā

آدیالا

Окно

پنجره

Ākno

آکتو

Двер

در

Dver

دور

Отопление

وسیله گرماده (شوفاژ، انواع بخاری)

Ātāplenie

آتاپلنیه

КОНВЕРТ

پاکت نامه

Kānvert

کانورت

Марка

تمبر

Mārka

ماژکا

Настольная лампа

چراغ رومیزی (مطالعه)

Nāstolnāyā lāmpā

ناستولنایا لامپا

Вешалка

جارختی

Veshālkā

وشالکا



Ресторан , Кафе

رستوران، کافه

Restārān , Kāfe

رستاران، کافه

Покажите пожалуйста меню. لطفاً لیست غذا (منو) را نشان دهید.

Pākāzhite pāzhāloustā Menou

پاکاژتیه. پاژالوستا. منو

Мне хочется есть.

میل به غذا دارم.

Mne khochitsā yest.

منه. خوچیتسا. یست



Что у вас есть из еды?

چه چیزی برای خوردن دارید؟

Ishto ou vās yest iz yedō?

ایشتو. او. واس. یست. ایز. یذع؟

شما به ما چه چیزی را پیشنهاد می‌کنید؟

Что вы можете нам предложить?

Ishto vō mozhete nam predlāzhit?

ایشتو. وُع. موژته. نام. پریدلاژیت؟

у вас есть свободный столик?

آیا شما میز خالی دارید؟

Ou vās yest svābodnōy stolik?

او. واس. یست. سوابودنی. ستولیک؟

Покажите мой столик.

میزم را نشان دهید.

Pākāzhite moy stolik.

پاکاژیتِه. مویی. سْتُولیک.

من می‌خواهم برای نهار میز رزرو کنم.

Я хочу заказать столик для обеда.

Ya khāchou zakāzat stolik dla ābed.
یا خاچو. زاکازات. سْتُولیک. دُلا. آبدا. ābed.

شما چه نوع غذای محلی دارید؟
Какие у вас есть местные блюда?
کاکیه. او. وائس. یست. میسْتَنعیه بلودا؟

Kākie ou vās yest mestndye beloudā?

Лطفاً باز هم نان بیاورید.
Принесите пожалуйста ещё хлеба.

Prinisite pāzhāloustā ishyo khleba
پُری نیسیتِه. پاژالوستا. ایشیو خَلِبا

Лطفاً صورت حساب مرا بیاورید.
Принесите пожалуйста мой счёт.

Prinisite pāzhāloustā moy schyot.
پُری نیسیتِه. پاژالوستا. مویی. سچوت
برویم به روستوران دروژبا (دوستی) آنجا غذای خیلی خوشمزه‌ای می‌پزند.

Пойдёмте в ресторан "Дружба" Там очень вкусно

ГОТОВЯТ.

پایْدومْتِه. و. رِستاران. دُروژبا. تام. اُچین. وکوستا. گاتُویات

Pāydyomte v restārān "Drouzhbā" tām ochin vkousnā gātovyāt.

خواهش می‌کنم سه پرس.... بیاورید.

Принесите нам пожалуйста три порции.

Prinisite nām pāzhāloustā tri portsi.
پُری نیسیتِه. نام. پاژالوستا. تری. پُرجی

لوازم غذاخوری

Столик

Stolik

Стул

Stoul

Тарелка

Tārelkā

Чашка

Chāshkā

Вилка

Vilkā

Нож

Ложка

Lozhkā

میز نهارخوری

سُتولیک

صندلی

سُتول

بشقاب

تارُلکا

فنجان

چاشکا

چنگال

ویلکا

چاقو

قاشق

لُوزکا



Столовая ложка

قاشق غذاخوری

Stalovāyā lozhkā

ستالوایا لُژکا

Чайная ложка

قاشق چای خوری

Chāynāyā lozhkā

چائینایا، لُژکا

Чайник

قوری

Chāynik

چائینیک

Зубочистка

خلال دندان

Zoubāchistkā

زو با چِیستکا

Прибор

سرویس غذاخوری

Pribor

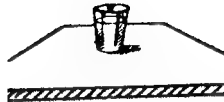
پُری بُور

Стакан

استکان

Stākān

شتاکان



Продукты

Pradouktə

مواد غذایی

بیرادوکتئع

Хлеб

Khleb



نان

خُلب

Сливочное масло

کره

Slivochnāye māsālā

سَلِیوچْنایِه ماسْلا

Подсолнечное масло

روغن مایع

Padsolnichnaye māsālā



پادسُولْنِیچْنایِه ماسْلا

Растительное масло

روغن نباتی

Rāstitelnāye māsālā

راسْتِیْتِلْنایِه ماسْلا

Сахар

شکر، قند

Sākhār

ساخار

Свежий хлеб

نان تازه

Svezhdy khleb

سُوژِی. خُلب

Майонез

سس مایونز

Māyonez

مایونیز

Соль

نمک

Sol

سُل

Перец

لفل

Perech

پَرِچ

Бутерброд

ساندویچ

Bouterbrod

بوْتِرْبُرْد

Закуски

غذای حاضری

Zākouski

زاكُوشْکی

Уксус

سرکه

Ouksous

اوْکسوس

Мука

آرد

Moukā

موکا

Грибы

قارچ

Gribd

غُرْبِیع

Солёный грибы

قارچ شور

Sālyondy gribd

سَالِیوْنِی. غُرْبِیع



Маслины	روغنی
Māslinō	ماسلینع
Сардины	ساردين
Sārdinō	ساردينع
Рыба	ماهی
Rōbā	زُعبا
Колбаса	کالباس
Kālbāsā	کالباسا
Чёрная икра	خاویار سیاه
Chyornāyā ikrā	چُرُنَا یا اِکْرَا
Красная икра	خاویار قرمز
Kṛasnāyā ikrā	کُرَاسْنَا یا اِکْرَا
Баранина	گوشت گوسفند
Bārāninā	بارانینا
Говядина	گوشت گاو
Gāvyadinā	گاَوِیْدینا
Свинина	گوشت خوک
Svininā	سِوینینا
Курица	مرغ
Kouritsa	کوریتسا



Утка	اردک
Outkā	اونکا
Гусь	غاز
Gous	گوس
Заяц	خرگوش
Zāyāts	زایاچ
Пирожки	پیراشکی
Pirāzhki	پیراژکی
Макароны	ماکارونی
Mākāronŏ	ماکارُنِع
Яицо	تخم مرغ
Yāitsa	یائِتسا
Компот	کمپوت
Kāmpot	کامپوت
Жареная	سرخ شده
Zhārenāyā	ژارِنایا
Вареная	آب پز
Vārenāyā	وارِنایا
Голова	سر، کله
Golovā	گُلُوا



Почка	قلوه
Pochkā	پُچکا
Язык	زبان
Yāzdk	یا زعک
Грудинка	سینه
Groudinkā	گروڈینکا
Суп	سوپ
Soup	سوپ
Печень	جگر
Pechin	پچین
Борщ	سوپ کلم
Borsh	بُرش
Плов	پلو
Plov	پلوو
Овощи	سبزیجات
Ovoshi	اُوشی
Баклажан	بادمجان
Bāklāzhān	باکلاژان
Кабачок	کدو
Kābāchok	کاباچوک



Огурец

Āgourets

Картофель

Kārtofel

Картошка

Kārtoshkā

Капуста

Kāpoustā

Цветная капуста

Chvetnāyā kāpoustā

лук

Louk

Редиска

Rediskā

Марковь

Mārkov

Помидор

Pāmidor

Кукруза

Koukrouzā

Салат

Sālāt

خیار

آگورِتس

سیب زمینی (آماده)

کارْتُوفِل

سیب زمینی

کارْتُوشْکا

کلم

کا پوشتا

کلم رنگی

چوِئتْنا یا کا پوشتا

پیاز

لوک

نُربچه

رَدِیسْکا

هویج فرنگی

مارْکُو

گوجه فرنگی

پامیدُر

بلال، ذرت

کوکُرُوزا

سسالاد

سالات



Свёкла		چغندر
Svyoklā		سَوُکلا
Репа		شلفم
Rerā		رِپا
Зелёный лук		پیازچه
Zelyondu louk		زَلِیُونِی لُوک
Чеснок		سیر
Chesnok		چِسْنُوک
Петрушка		جعفری
Petrroushkā		پِترُوشْکا
Горох		نخود
Gārokh		گاَرُوخ
Фасоль		لوبیا
Fāsol		فاَسَل
Укроп		شوید
Oukrop		اوکُرپ
Просо		اَرزن
Proso		پُرْس
Сырой		خام
Sdroy		سَعْرُی

Фрукты

Frouktā

میوه‌ها

فروکتس

Финики

Finiki

Виноград

Vinogrād

Клубника

Kloubnikā

Вишня

Vishnyā

Черешня

Chereshnyā

Груша

Groushā

خرما

فینیکی

انگور

وینوگراد

توت فرنگی

کلوْنیکا

آلبالو

ویشنیا


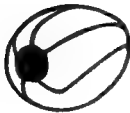


گیلاس

چرشنیا

کلابی

گروشا



Абрикос		زردآلو
Ābrikos		آبِرِکُوس
Ананас		آناناس
Anānās		آناناس
Арбуз		هندوانه
Ārbouz		آربوز
Дыня		خربزه، طالبی
Dḍnyā		دُغْنِیا
Банан		موز
Bānān		بانان
Персик		هلو
Persik		پرسِیک
Слива		آلو
Slivā		سَلِیوا
Айва		به
Āyvā		آیوا
Яблоко		سیب
Yāblākā		یَاْبَلَاکَا
Апельсин		پرتقال
Āpelsin		آپِلْسین

Лимон

Limon

Малина

Mālinā

Фисташка

Fistāshkā

Гранат

Grānāt

Мандарин

Māndārin

Сушеные персики

Soushenḍye persiki

Курара

Kourāgā

Грецкий орех

Gretskiy ārekh

Миндаль

Mindāl

Инжир

Inzhir



لیمو

لیمون

تمشک

مالینا

پسته

فیشناشکا

انار

گُرانات

نارنگی

ماندارین

برگه هلو

سوشنیه پرسیکی

برگه زردآلو

کُوراکا

گردو

گُرَتسکی آریخ

بادام

میندال

انجیر

اینزیر

Фундук

فندق

Foundouk

فونڈوک

Лох

سنجد

Lākh

لاخ

Напитки

Napitki

نوشیدنیها

نایٲٲکی

Кофе

Kofe

Чай

Chāy

Минеральная вода

Minerāl'nāyā vādā

Молоко

Mālāko

Кактейль

Kākteyl



قهوه

کوفه

چای

چای

آب معدنی

مینرالنایا وادا

شیر

مالاکو

شیر مخلوط با عسل و بستنی

کاکتیل

Газированная вода

سودا

Gāzirovānnāyā vādā

گازی رُوآنایا وادا

Лимонад

لیموناد

Limānād

لیماناد

Квас

نوشیدنی محلی

Kvās

کواس

Фруктовый сок

آب میوه

Frouktovdy sok

فروکتووی سوك

Апельсиновый сок

آب پرتقال

Āpelsinovdy sok

آپلسینووی سوك

Лимонный сок

آب لیمو

Limonn̄dy sok

لیمونی سوك

Пиво

ماء الشعير

Pivā

پيوا

Томатный сок

آب گوجه فرنگی

Tāmātn̄dy sok

تاماتنی سوك

Ананасный сок

آب آناناس

Ānānāsndy sok

آناناسنی سوك

Виноградный сок

آب انگور

Vinogrādn̄dy sok

وینوگرادنی سوك



Яблочный сок

آب سیب

Yablochnŏy sok

یابلوچنی سُوک

Мороженое

بِسْتَنی

Marozhenoe

مارژِنِوی



Молочный шакалад

شکلات شیرِی

Malochnŏy shākālād

مالِچنی شاکالاد



Шоколадный напиток

کاکائوی داغ (نوشیدنی شکلاتی)

Shakaladnŏy nāpitok

شاکالادنی ناپیتوک

Чай с молоком

چایی با شیر

Chāy s mālākom

چائی. ش. مالاکوم

Чай с лимоном

چایی با لیمو

Chāy s limonom

چائی. ش. لیمونم

Кофе с молоком

شیر قهوه

Kofe s mālokom

کوفه. ش. مالاکوم

Путешествие

Puteshestive

مسافرت

پوتشستویه

Пассажир

pāssāzhir

Самолёт

Sāmālyot

Поезд

Poyezd

Электричка

Elektrichkā

Пароход, корабль

Pārākhod, kārābl

مسافر

پاساژیر

هواپیما

سامالوت

قطار

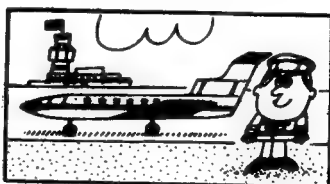
پویژد

قطار برقی حومه شهری

الکتریککا

کشتی

پاراخود (کارابل)



пароходство

مؤسسه کشتیرانی

Pārākhodstvā

پارا خود ستوا

Метро

مترو

Metro

قطار زیرزمینی (مترو)

Билет

بلیط

Bilet

بیلِت

Место

جا، مکان

Mestā

مِستا

Расписание

جدول برنامه

Rāspisānie

راشپِسَانِیَه

Справки

مجوز

Sprāvki

سپِراوْکی

Зал ожидания

سالن انتظار

Zāl āzhidāniyā

زال. اَزْیِ دائی یا

Камера хранения

محل نگهداری بار (امانات)

Kāmerā khrāneniyā

کامِرا. خَرائِنِی یا

Годность билета

اعتبار بلیط

Godnost biletā

گَدْنِست. بِلِیتا

Вагон

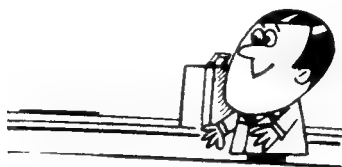
واگن

Vāgon

واگَن



Салон	سالن
Sālon	سالن
Каюта	کابین کشتی
Kāyoutā	کایوتا
Посадка	مسافرگیری برای سوار شدن (هواپیما)
Pāsādkā	پاسادکا
Предварительный заказ	سفارش کنسل شده
Predvāritelndy zākāz	پَرْدَوَازِیْتِلْنی. زاکاز
Прибытие	ورود (رسیدن)
Pribōtie	پِرِی بُعْتِیَه
Отправление	فرستاده شده، به حرکت درآمده
Ātprāvlenie	آتپَرَاوِلْنِیَه
Внимание	توجه
Vnimānie	وْنِیْمَآنیَه
Билет туда и обратно	بلیط رفت و برگشت
Bilet toudā i ābrātnā	بیلِط. تودا، ای. آبرَاتْنَا
Сколько стоит билет до?	قیمت بلیط تا..... چقدر است؟
Skolkā stoit bilet do.....?	سُکُولْکَا، سْتُویت. بیلِط. دُو.....؟



مسافرت با راه آهن
Поездка по железной
дороге

پایزدکا پا ژلزنوئی دارگه
Poyezdka pa zheleznoy daroge

Железнодорожная станция

ایستگاه راه آهن

Zheleznādarozhnāyā stantsiya

ژلزنادرژنا یا . ستانچیا

Вокзал

ترمینال

Vākzāl

واکزال

Поезд

قطار

Poyezd

پویزد

Общий вагон

واگن همگانی (اتوبوسی)

Obshiy vāgon

آبشی واگن



Плацкарт

کوپه باز

Plātskārt

پلاچکارت



Купе		کوپه
Koupe		کوپه
Люкс		درجه ممتاز
Louks		لوکس
Скорый поезд		قطار سریع السیر
Skorōy poyezd		سکورزی پوینزد
Пассажирский поезд		قطار مسافربری
Pāssāzhiriskiy poyezd		پاساژیرسکی پوینزد
Экипаж		خدمه
Ekipāzh		ایکیپاژ
Проводник		مهماندار قطار (مرد)
Prāvādnik		پراوادنیک
Проводница		مهماندار قطار (زن)
Prāvādnitsā		پراوادنیتسا
Платформа		سکو
Plātformā		پلاتفرما
Яхачу заказать два места.		من می خواهم دو جا رزرو کنم.
Yā khāchou zākāzāt dva mestā.		یا. خاچو. زاکازات. دوا. مستا
Когда поезд отправляется?		قطار چه موقع حرکت می کند؟
Kāgdā poyezd ātpřāvlyāitsā?		کاگدا. پوینزد. آتپراؤلایتسا؟

Есть ли поезд раньше? آیا قطار زودتری هم هست؟

Yest li poyezd rānshe? یست. لی. پویزد. رائش؟

Есть ли поезд позже? آیا قطار دیرتری هم هست؟ 

Yest li poyezd pozzhe? یست. لی. پویزد. پوزز؟

قطار شماره ۳ در ساعت ۵ صبح حرکت می‌کند.

Поезд номер три отправляется в 5:00 часов утра.

پویزد. نومبر. تری. آتپراولایتسا. و. پیت. چاشوو. اوترا

Poyezd nomer tri ātprāvlāitsā v pyat chāsov outrā.

از کدام خط قطار به سمت مسکو حرکت می‌کند؟

С какого пути отправляется поезд в Москву?

س. کاکووا. پوتی. آتپراولایتسا. پویزد. و. ماسکوو؟

S kākovā pouti ātprāvlāitsā poyezd v Māskwou?

قطار در دومین خط قرار دارد. Поезд находится на второй линии

Poyezd nākhoditsā nā vtāroy lini. پویزد. ناکخودیتسا. نا. و. تاروی. لینی.

Когда поезд прибывает в Москву? قطار چه موقع به مسکو می‌رسد؟

کاگدا. پویزد. پری. بوعوایت. و. ماسکوو؟

Kāgdā poyezd pribōvāet v Māskwou?

قطار چه موقع از مسکو می‌رسد؟

Поезд Когда прибывает из Москвы?

کاگدا. پویزد. پری. بوعوایت. ایز. ماسکوو؟

Kāgdā poyezd pribōvāyet iz Māskwō?

Поездка на самолёте

مسافرت با هواپیما

Payezdkā nā sāmālyote?

پایزدکانا سامالیوت

Авиакасса.

آژانس هواپیمایی

Āviākāssā.

آویاکاسا

Аэропорт

فرودگاه

Āeroport

آئروپُرت

Рейс

پرواز

Reys

رئیس

Лётчик

خلبان

Lyotchik

لُوتچیک

Регистрация

ثبت و کنترل بلیط

Registrātsiyā

رگِیسترانسیا

Когда самолёт улетает?

هواپیما کی پرواز می کند؟



Регистрация

ثبت و کنترل بلیط

Registrātsiyā

رِجِستراتسیا

Когда самолёт улетает?

هواپیما کی پرواز می کند؟

Kāgdā sāmālot oulitāet?

کاگدا، سامالوت. اولیتایت؟

Вылёт

خروج، بلند شدن

Vōlyot

وُغَلَت

Прилёт

فرود هواپیما

Prilyot

پِرِلیوت

Когда самолёт прилетает?

چه موقع هواپیما می نشیند؟

Kāgdā sāmālyot prilitāet?

کاگدا، سامالوت. پِرِلیتایت؟

توجه، ثبت و کنترل مسافریں پرواز مسکو تهران در حال انجام است.

Внимание; начинается регистрация пассажиров на рейс

Москва-Тегеран.

وُنیمائییه. ناچینایتسا. رِجِستراتسیا. پاساژئیرؤ. نا. رِیس. ماشکوا. تِگران.

Vnimānie, nāchināetsā registrātsiyā pāsāzhīrov nā reys

Māskwā-Tegerān.

توجه، پرواز مسکو - تهران در حال سوار کردن مسافریں می باشد.

Внимание; начинается посадка пассажиров на самолёт

Москва-Тегеран.

Vnimānie, nāchināetsā pāsādka nā pāsāzhīrov nā sāmālyot

وُنیمائییه. ناچینایتسا. پاسادکا. پاساژئیرؤ. نا. سامالئوت. ماشکوا. تِگران.

Māskwā-Tegerān.



چه زمانی باید در فرودگاه باشم؟

Когда я должен быть в аэропорту?

Kāgdā yā dolzhen bdt v āeroportou? کاگدا. یا. دُلژَن. بُعت. وُ. آئِرُپُورتو؟

Когда следующий рейс? پرواز بعدی چه موقع است؟

Kāgdā sledouyoushiy reys? کاگدا. سِلِدوِیوُشی. رِیس؟

Сколько продлится полёт? مدت پرواز چقدر طول می‌کشد؟

Skolkā prādlitsā pālyot? سَکُولکا. پُرَاڈِلِیتسا. پَالُوت؟

На какой высоте будем лететь? در چه ارتفاعی پرواز خواهیم کرد؟

Nā kākoy vdsote boudim litit? نا. کاکوی. وُسُوت. بوُذِیم. لِیتِیت؟

Это прямой рейс? این پرواز مستقیم است؟

Eto prāmoj reys? اِتا. پُرَامُوی. رِیس؟



Я хочу поменять рейс. من می‌خواهم پرواز را عوض کنم.

Yā khāchou pāmīnyāt reys. یا. خاچو. پَامِنیَاَت. رِیس.

من می‌خواهم این بلیط را استرداد نمایم.

Я хочу отказаться от этого билета.

Yā khāchou ātkāzātsā etāvo biletā. یا. خاچو. آتکاژاَتسا. آت. اِتاو. بِلِیتا.

اجازه حمل چه مقدار بار را به طور رایگان اجازه می‌دهند؟

Какой вес багажа разрешают провозить бесплатно?

کاکوی. وِس. باگاژا. رازرِیشایوت. پُرَاوازِیت. بِسِپِلَاتنا؟

Kākoy ves bāgāzhā rāzrīshāyout prāvāzit besplātnā?

بابت اضافه بار شما باید..... پرداخت کنید.

За лишний вес багажа вы должны заплатить

زا. لیشنی. وس. باگاژا. وُع. دالْزْنُع. زاپْلاْتِیت.....

Zā lishniy ves bagāzhā vđ dālzhnd zāplātit...



Поездка на парохоме

سفر با کشتی

Payezdka na parakhode?

پایزدکا نا پاراخود

آیا از اینجا کشتی به آستراخان می‌رود؟

Идѣт ли отсюда пароход до Астраханьи?

ایڈت لی. آت سؤدا. پاراخود. دؤ. آستراخانی؟

Idyot li atsoudā pārākhod do Āstrākhāni?

چند ساعته کشتی به آستراخان می‌رود؟

Сколько времени идѣт пароход до Астраханьи?

سکولکا. ورمینی. ایدیوت. پاراخود. دؤ. آستراخان؟

Skolkā vremeni idyot pārākhod do Āstrākhāni?

Где находится каюта номер?

کابین شماره کجاست؟

Gde nāxoditsā kāyoutā nomer.....?

گدی. ناخودیتسا. کایوتا. نومر.....؟

Сколько мест в этой каюте?

چند تا جا در این کابین هست؟

Skolkā mest v etoy kāyoute?

سکولکا. میست. و. ایتوی. کایوت؟

Поездка на автомобиле

سفر با اتومبیل

Payezdka na avtomobile?

پایزدکا نا، آؤتومبیل

Автобусная остановла

ایستگاه اتوبوس

Āvtobousnāyā āstānovkā

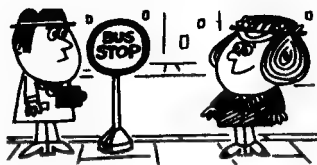
آؤتوبوسنایا، آستانوؤکا

Автовокзал

ترمینال اتوبوس رانی

Ābtovākzāl

آؤتوؤاکزال



Автобусная экскурсия

گردش با اتوبوس

Āvtobousnāyā ekskursiyā

آؤتوبوسنایا، اؤسکؤرؤسیا

Какой автобус идёт до?

کدام اتوبوس به..... می رود؟

Kākoj āvtobous idyot do?

کاکؤئی، آؤتوبوس، ایڈت، دؤ؟

Легковая машина

اتومبیل سواری

Legkāvāyā māshinā

لِگکاؤایا، ماشینا

تا نزدیکترین شهر چند کیلومتر راه است؟

До ближайшего города сколько километров?

دوٚ بلیژائی شیو. گورد. سکولکا. کیلومیترو؟

Do blizhāyshevo gorodā skolkā kilometrov?

با ماشین چند ساعته می توان رفت؟

Сколко времени ехать на машине?



سکولکا. ورمینی. یخات. نا. ماشین؟ Skolkā vremeni yekhāt nā māshine?

لطفاً در جاهای خودتان قرار بگیرید... займите Пожалуйста свои места.

Pāzhāloustā zāymite svāi me.

پاژالوستا. زایمیتیه. شوئی. میشتو

می خواهم این بسته را به محل نگهداری اشیاء بسپارم.

Я хочу сдать в камеру хранения этот пакет.

Yā khachou sdāt v kāmerou khrānenie etot pāket.

یا. خاچو. شدات. و. کامرو فرانییه. ائوت. پاکت

نام ایستگاه بعدی چیست؟ Как называется следующая станция?

کاک. نازغوائتسا. سیلدویوشایا. ستانچیا؟

Kāk nāzdāvāitsā sledouyoushāyā stāntsiyā?

اتوبوس بعدی کی خواهد بود؟ Когда будет следующий автобус?



کاگدا. بودیت. سیلدویوشی. آوتوبوس؟

Kāgdā boudit sledouyoushiy āvtobous?

Транспорт в городе

Transport v gorode?

حمل و نقل در شهر

ترانسپورت فی محروود

Метро

مترو

Metro

مترو

Траллейбус

اتوبوس برقی

Trälleybous

تراللبوس

Трамвай

تراموا

Trāmvāy

تراموای

Такси

تاکسی

Tāksi

تاکسی

Места для детей

جایگاه کودکان

Mestā dlā ditey

مستادلا. دیتین

Места для женщин с детьми

جایگاه زنان بچه دار

Mestā dlā zhenshin s ditmi

مستادلا. ژنشین. س. دیتمی



Места для инвалидов

جایگاه ویژه معلولین

Mestā dlā invālidov

مِستَا دِلَا اِینوَالِیدُو

Талон

ژتون

Tālon

تالْن

Штраф

جریمه

Shtrāf

شُتراف

Осторожный

احتیاط، دقت، مواظبت

Āstārozhn̄y

آستَارژْنی



Я хочу доехать до

من می‌خواهم بروم تا.....

Yā khāchou dāyekhāt do.....

یا. خاچو. دایخات. دُو.....

Где мне выходить?

من کجا بایستی پیاده شوم؟

Gde mne v̄dkhādīt?

گدِه. مِنِه. وُعخادیت؟

من باید در ایستگاه بعدی پیاده شوم.

Я должен выходить на следующий остановке.

یا. دُلْژَن. وُعخادیت. نا. سِلِیدویوشی. آستَانُوکی

Yā dolzhen v̄dkhodit nā seledoyoushi āstānovke.

این اتوبوس به مرکز شهر می‌رود

Этот автобус идѣт в центр города.

اِئوت. آوْتوبوس. اِئِدْت. وُ. چَنتر. گُورُدا.

Etot āvtobous idyot v chentr gorodā

این اتوبوس کجا توقف می کند؟

Где останавливается этот автобус?

گد. آستانوژلیوایتسا. ائوت. آوتوبوس؟

Gde āstānovlivāitsā etot āvtobous?

تراموای بعدی کی می آید؟
Когда будет следующий трамвай?

کاگدا. بوڈیت. سِلِدو یوشی. تراموائی؟

Kāgdā boudit seledouyoushiy trāmivāy?

کدام اتوبوس به ورزشگاه می رود؟

Какой автобус идёт до стадиона?

کا کوی. آوتوبوس. ائدت. دو. ستادیونا؟
Kākoy avtobous idyot do stādiona?

از شما خواهش می کنم قبلاً اطلاع دهید چه موقع بایستی پیاده شوم.

Прошу вас предупредите заранее когда мне выходить

پراشو. واس. پُردو پُردیتِه. زارانیِه. کاگدا. منِه. و عخوذیت

Prāshou vās predoupredite zārānie kāgdā mne vōkhodit.

من راه را به شما نشان می دهم.
Я вам укажу дорогу.

یا. وام. اوکاژو. دارگو.
Yā vām ukazhou dārogou.

لطفاً بفرمائید اتوبوس برقی شماره ۸ به کجا می رود؟

Скажите пожалуйста восьмой троллейбус куда идёт?

ایسکاژیتِه. پاژالوشتا. واسموی. ترالئیبوس. کودا. ائدت؟

Skāzhite pāzhāloustā vāsmoy trālleybous koudā idot.

کجا شما پیاده می شوید؟
Где вы выходите?

گد. و غ. و عخوذیتِه
Gde vō vōkhodite?

آیا شما اکنون پیاده می شوید؟
Вы будете выходить сейчас?

و غ. بوڈیتِه. و غخاذیت. سی چاس؟
Vō boudite vōkhādit sichas?

Покупка и Продажа

خرید و فروش

Ракoупкa и Рrаdаzһа

پاکوٲکا ایی۔ ٲر اداڑا

Магазин

مغازه

Māgāzin

ماگازین

Универмаг

فروشگاه زنجیره ای (غیر مواد غذایی)

Ounivermāg

اونیورماگ

مغازه کمیسیون (اعم از لباس، صوت و تصویر، اشیاء لوکس)

Комиссионный магазин

Kāmissiondy māgāzin

کامیسیونئی۔ ماگازین

Детский мир

فروشگاه خردسالان (دنیای کودک)

Detskiy mir

دٲنسکی میر

Будка

دکه۔ گیوسک

Boudkā

بودکا



Киоск

کیوسک

Kiosk

کیوشک

Рынок

بازار (مواد غذایی)

Rɒnok

زغنونک

Талкучка

بازار مکاره

Tālkouchkā

تالکونچکا

Книжный магазин

فروشگاه کتاب

Knizhndy māgāzin

کنیزنی ماگازین

Промтовары

لوازم صنعتی

Promtāvarɔ

پُرْم تاواریع

Продовольственный магазин

خواربار فروشی

Prodāvolstvenndy māgāzin

پُرْداؤلستوئی. ماگازین

Самообслуживание

سلف سرویس

Sāmāabslouzhivānie

ساماآبسلوژیوانیه

Продовеч

فروشنده مرد

Prodāvech

پُرْداوج

Продовщица

فروشنده زن

Prodāvshitsā

پُرْداؤشینچا

Отдел

قسمت، بخش

Ātdel

آتدیل



Партия	کمیته، حزب
Pārtiyā	پارْتی یا
Квитанция	فاکتور / رسید
Kvitāntsiyā	کُویتانْتِسی یا
Шифон	شیفون
Shifon	شیْفون
Шёлк	ابریشم
Shyolk	شُیولْک
Шкуры	دباغی پوست، پوست
Shkourǝ	شْکوزع
Костюм	یکدست لباس، کاپشن
Kāstyoun	کاستیوم
Мужской	مردانه
Mouzhskoy	موزْشْکوی
Женский	زنانه
Zhenskiy	ژنْسْکی
Детский	بچه گانه
Detskiy	دِتْسْکی
Модель	مدل
Model	مُدِل



Цвет

رنگ

Chvet

چُوت

Размер

اندازه

Rāzmer

رازمیر

Большой

بزرگ

Bālshey

بالشوی

Маленький

کوچک

Mālenkiy

مالِنکی

Узкий

اندک

Ouzkiy

اوزکی

Широкий

عریض

Shirokiy

شیروکی

Длинный

طویل، دراز

Dilinndy

دَلینتی

Короткий

کوتاه

Kārotkiy

کاروتکی

Одежда

لباس

Ādezhdā

آدژدا



Верхняя Одежда

لباس خارجی (لباس رو)

Verkhnyāyā adezhdā

ورْخنایا. آدژدا

Нижняя Одежда

لباس داخلی (لباس زیر)

Nizhnyāyā ādezhdā

نیژنیا یا آدژدا

Обувь

کفش

Obuv

آبُو

Ботинки

پوتین

Bātinki

باتینکی

Спортивный костюм

کاپشن ورزشی

Sportivnūy kāstyom

سپورتیوئی. کاستیوم

Рубашка

پیراهن

Roubāshkā

روباشکا

Рукова

دست بند

Roukovā

روکووا

Брюки

شلوار

Brouki

بروکی

Блузка

بلوز

Blouzkā

بلوزکا

Куртка

کاپشن

Kourtkā

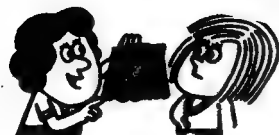
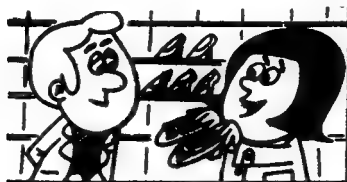
کورتکا

Юбка

دامن زنانه

Youbkā

یوبکا



Шарф

شال گردن

Shārf

شارف

Шапка

کلاه

Shāpkā

شاپکا

Перчатки

دستکش

perchātki

پرچاتکی

Пальто

پالتو

Pālto

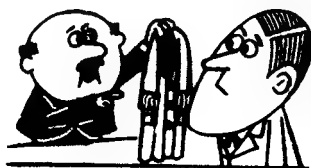
پالتو

Кожаный

چرمی

Kozhāndy

کوزاڻی



Натуральный, Природный

طبیعی

Nātourāln̄dy, Prirodn̄dy

ناتورالن̄ی، پریروڈنی

Натуральная кожа

چرم طبیعی

Nātourālnāyā kozhā

ناتورالنایا. کوزا

Шерсть

پشم

Sherst

شیرست

Зонтик

چتر

Zontik

زنتیک

Фотоаппарат

دوربین عکاسی

Fotoāppārāt

فتوآپارات



Стереомангнитофон

ضبط استریو

Stereomāgnitāfon

سټرئو ماگنیتا فون

Телевизор

تلویزیون

Televizor

ټلویزر



Плѣнка

فیلم دوربین

Plyonkā

پلئوئکا

Мебель

مُبل

Mebil

میبیل

Диван

کاناپه

Divān

دئوان

Шкаф

کمد

Shkāf

شکاف

кровать

رختخواب

Krāvāt

کراوات



Стул

صندلی

Stoul

سټول

Стол

میز

Stol

سټول

Тумбочка

کمد زیر میزی

Toumbochkā

تومبوچکا



Кухня

آشپزخانه

Koukhnyā

کوخنیا

Гостиная

اطلاق مهمانی

Gāstināyā

گاستینایا

Стенка

سقف

Stenkā

ستینکا

Ковёр

فرش

Kāvyor

کاویور

Люстра

لواستر

Loustrā

لواسترا

Сигареты с фильтром

سیگار فلیتردار

Sigāretō s filtrom

سیگارِ تی. س. فیلترم

Сигареты ьез фильтра

سیگار بدون فیلتر

Sigāretō bez filtrā

سیگارِ تی. بی.ز. فیلترا

Коробка

جعبه، بسته

Kārobkā

کاروبکا

спички

کبریت

spichki

سپیکچی



Порошок	پودر
Pārāshok	پاراشوک
Стиральный Порошок	پودر رختشویی
Stirālnḍy pārāshok	ستیرالنّی. پاراشوک
Зубная паста	خمیر دندان
Zoubnāyā pāstā	زوبنایا. پاستا
Зубная щётка	مسواک دندان
Zoubnāyā shotkā	زوبنایا. شوکتا
Одеколон	ادکلن، لوسیون
Ādekolon	ادکلن
Туалетная вода	ادکلن، لوسیون
Touāletnāyā vādā	توالیتنایا. وادا
Духи	عطر
Doukhi	دوخی
Шампунь	شامپو
Shāmpoun	شامپون
Косметика	لوازم آرایش بانوان
Kāsmetikā	کاسمتیکا

Бизнесмен

تاجر

Biznesmen

بیزنس من

Предприниматель

مرد عمل

Predprinimātel

پِرْدْ پِرِی نِیما تِل

Контракт

قرارداد

Kāntrākt

کانترآکت

Даговор

قراردادنامه

Dāgāvor

داگاؤر

Предприятие

شرکت، مؤسسه

Pridpryātie

پِرْدْ پِرِیا تِیه

Фабрика

تولیدی

Fābrikā

فابْرِیکَا

Фирма

شرکت

Firmā

فیرما

Ферма

مزرعه

Fermā

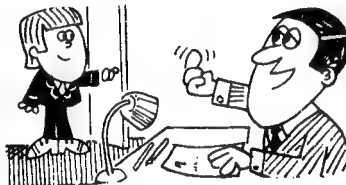
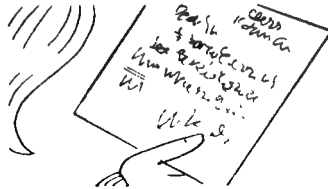
فیرما

Директор

مدیر، رئیس

Direktor

دیرِکْتور



Замдиректор

معاون مدیر

Zāmdirektor

زام دَیِرِکتور

Савместно

مشترک

Sāvmestnā

ساوَمِستنا

акция

سهم

Āktsiyā

آکچیا

Доход

سود

Dākhod

داخود

Расход

خرج، هزینه

Rāskhod

راشخود

Прибыль

سود - منفعت

Pribol

پری بعل

Выгодно

به نفع

Vdḡādnā

وغ گاذنا

Совместное предприятие

شرکت مضارب‌به‌ای

Sāvmestnāye predpryātie

ساوَمِستنا‌یه. پِرَدَپریاتِیه

Акционерное общество

شرکت سهامی

Āktsiyonernāye obshestvā

آکچِیونِرنا‌یه. اَبِشستوا



عقد قرارداد

Заклѹчить контракт

زاکلوچیت. کانتراکت

Zāklouchit kāntrākt

من می‌خواهم بخرم.

Я хочу купить.

یا. خاچو. کوپیت

Yā khāchou koupit.

من می‌خواهم بفروشم.

Я хочу продавать.

یا. خاچو. پراداوات

Yā khāchou prādāvāt.

لطفاً این کاپشن را نشان دهید.. Покажите пожалуйста этот костюм.

پاکاژیته. پاژالوستا. اتوت. کاستیوم Pākāzhite pāzhāloustā etot kāstyoun



В магазине одежды

در مغازه البسه

V magazine adezhda

Какой вам размер?

سایز شما چند است؟ چه سایزی برای شما؟

Kākoу vām rāzmer?

کاکوئی وام. رازمر؟

Какой вам нравится?

کدام یک مورد علاقه شما است؟

Kākoу vām nrāvitsā?

کاکوئی وام. نراوئیتسا؟

Мне нравится этот

از این خوشم می آید.

Mne nrāvitsā etot

منه. نراوئیتسا. ائوت

Этот цвет мне не нравится.

این رنگ مورد علاقه من نیست.

Etot chvet mne ni nrāvitsā.

ائوت. چوت. منه. نی. نراوئیتسا

Другого цвета у вас есть?

آیا رنگهای دیگری دارید؟

Drougovā chvetā ou vās yest?

دروگووا. چوتا. او. واس. یست؟



لطفاً اندازه دیگری بدهید. Дайте пожалуйста другой размер.

دائیتی. پاژالوستا. دُرُگُوی. رازمیر. Dāyti pāzhāloustā drougoy rāzmer.

لطفاً اندازه بزرگتری بدهید. Дайте пожалуйста по больше размер.

دائیتی. پاژالوستا. پا. بُولُشی. رازمیر. Dāyti pāzhāloustā pā bolshi rāzmer.

لطفاً اندازه کوچکتری بدهید. Дайте пожалуйста по меньше размер.

دائیتی. پاژالوستا. پا. مَنُشی. رازمیر. Dāyti pāzhāloustā pā menshi rāzmer.

کجا ممکن است پرو کنم؟ Где мне можно примерить?

گَد. مَنِه. مَژنا. پُری مَژیت؟ Gde mne mozhnā primerit?

این کاپشن به من می آید. Мне идёт этот костюм

مَنِه. اَیدِیُوت. اِتُوت. کاستیوم. Mne idyot etot kāstyom

کجا باید پرداخت کرد؟ Куда я должен платить?

کودا. یا. دُلِژن. پِلَاتِیت؟ Koudā yā dolzhen plātit?

به صندوق لطفاً В кассу пожалуйста

و. کاسو. پاژالوستا. V kāsou pāzhāloustā

می خواهم برای یادگاری هدیه ای بخرم.

Я хочу купить подарок на память.

یا. خاچو. کوپِیت. پاداژک. نا. پامِیات.

Yā khāchou koupit pādārok nā pāmyāt.

لطفاً چیز گرانتري به من نشان بدهيد.

Покажите мне пожалуйста, что-нибудь по дороже

پاکاژينته. مينه. پاژالوستا، ايشتو-ني بود. پا. دارژ

Pākāzhite mne pāzhālousta ishto-niboud pā dārozhe

У вас есть другого фасона?

آيا فرم ديگري دارند؟

Ou vas yest drougovā fāsonā?

او. وائس. يست. دروگووا. فاسونا؟

از اين باراني خوشم مي آيد، من آنرا مي خرم.

Мне нравится Этот плащ я его куплю.

مينه. نراوئيتسا. اتوت. پلاش. يا. پو. کوپلو.

Mne nrāvitsā etot plāsh yā yevo kouplou.



Развлечения и Спорт

نمایش و ورزش

Razvlecheniya e Sport

رازؤلچنى يا. اىى. سئورت

Театр

تئاتر

Tiātr

تئاتر

Кинотеатр

سينما

Kinoteātr

کینوتئاتر

Цирк

سیرک

Chirk

چیرک

Парк

پارک

Pārk

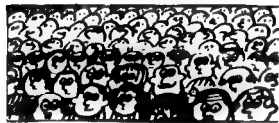
پارک

Зоопарк

باغ وحش

Zoupārk

زو پارک



Концерт

کنسرت

Kāntsert

کانتسرت

Стадион

استادیوم

Stādion

ستادیون

Ночной клуб

کلوپ شبانه

Nāchnoy kloub

ناچنوی کلوب

Футбольный матч

مسابقه فوتبال

Foutholndy mach

فوتبولنی مچ

Фильм

فیلم

Film

فیلم

телевизионный фильм

فیلم تلویزیونی

Televizionndy film

تلویزیونی فیلم

Художественный фильм

فیلم هنری

Khoudozhestvenndy film

خودوژستونی فیلم

Документальный фильм

فیلم مستند

Dākoumentālndy film

داکومنتالی فیلم

Режиссёр

کارگردان

Rezhissyor

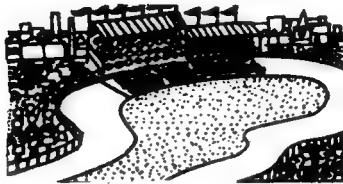
رژیسور

Шахматы

شطرنج

Shākhmātā

شاخمانع



Лодка	قایق
Lodkā	لُودکا
Танцы	رقص
Tāntsō	تانج
Мульт фильм	فیلم کارتونی
Moultfilm	مُولت فیلم
Пляж	پلاژ
Plāzh	پَلاژ
Плавание	شنا
Plāvānie	پَلاوانیه
Басейн	استخر
Bāseyn	باسین
Купальный костюм	لباس شنا
Koupāl'nŏy kāstyoun	کوپالْنی. کاستیوم
Что идёт в театре?	چه نمایشی در تئاتر هست؟
Ishto idyot v tiātre?	ایشْتو. ایدُوت. و. تِیَاْتِر؟
Что идёт в кино?	چه فیلمی سینما نشان می‌دهد؟
Ishto idyot v kino?	ایشْتو. ایدُوت. و. کِیْنو؟
Давайте сходим в кино.	بیایید (زود باشید) به سینما برویم.
Dāvāyte skhodim v kino.	داوایْتِه. شُخودیم. و. کِیْنو



Я ещё не смотрел этот фильм. من هنوز این فیلم را تماشا نکرده‌ام.

Я ishyo ni smātril etot film. یا. ایشیو. نی. سماءتریل. ائتوت. فیلم.

В котором часу начало фильма? شروع فیلم چه ساعتی است؟

V kātorom chāsou nāchālā filmā? و. کاتورم. چاسو. ناچالا. فیلما؟

اجازه بدهید شما را به تئاتر دعوت کنم.

Разрешите пригласить вас в театр.

Rāzrishite priglāsīt vās v tiātr. رازریشیته. پریگلاسیت. واس. و. تیاتر

В цирк

به سیرک

V chirk

و. چیرک

В балет

به باله

V bālet

و. بالِت

На концерт

به کنسرت

Nā Kāntsert

نا. کانتسرت

Как называется этот фильм?

اسم این فیلم چیست؟

Kāk nāzvāitsā etot film?

کاک. نازووائتسا. ائتوت. فیلم؟

این فیلم به زبان روسی دوبله شده است.

Этот фильм дубпирован на русский язык.

ائتوت. فیلم. دوئلیروان. نا. روسکی. یازغک.

Etot film doublirovān nā Rouski yāzōk.

چه نوع فیلمهائی بیشتر مورد علاقه شماست؟

Какие фильмы вам больше нравятся?

کاکیه. فیلمع. وام. بولشی. تراؤیتسا؟

Kākie filmə vām bolshe nrāvitsā?

من بیشتر فیلمهای مستند را می‌پسندم.

Мне больше нравится дакументальные фильмы.

منه. بولشی. نراؤیتسا. داکومنتالنی. فیلیم.

Mne bolshe nrāvitsā dākoumentālne film̄.

Театр, Опера и Балета

تئاتر، اپرا و باله

Tiātr, operā e bāletā

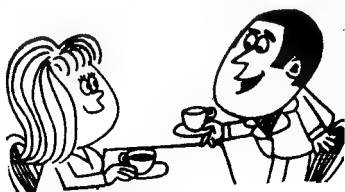
تئاتر، اپرا، ای. بالتا.

Театр драмы

تئاتر دراماتیک

Tiātr drām̄

تئاتر درامع



Театр музыкальной драмы.

تئاتر موسیقی دراماتیک

Tiātr mouz̄dkālnoy drām̄

تئاتر. موزیکالٹوئی. درامع

Театр юного и дети

تئاتر جوانان و کودکان

Tiātr younovā e deti

تئاتر. یونووا. ای. دئی

Театр эстрады

تئاتر متنوع

Tiātr estrād̄

تئاتر اشتراذغ

اجازه بدهید امروز عصر به اتفاق شما به تئاتر برویم.

Разрешите пойти сегодня вечером с вами в театр.

راژریشیتیه. پائیتی. شیؤڈنیا. وچرام. س. وامی. و. تیاتر

Rāzrishite pāyti sivodnyā vecherām s vāmi v tiātr.

شما به کدام تئاتر می‌خواهید بروید؟ В какой театр вы хотите идти?

V kākoy tiātr v̄d khātite idti?

و. کاکوی. تیاتر. و.ع. خاتیتیه. ایدتی؟

Что идёт сегодня в театре? برنامه امروز تئاتر چیست؟

Ishto idyot sivodnyā v Teātre? ایشتو. ایدت. سِوودنیا. و. تیاتر؟

Я хочу сходить в цирк. من می‌خواهم به سیرک بروم.

Yā khāchou skhādit v chirk. یا. چاخو. سخادیت. و. چیرک

آیا بلیط تئاتر جهت فردا شما دارید؟

У вас есть билеты на завтра в театр?

او. وائس. یست. بیلتع. نا. زاؤترا. و. تیاتر؟

Ou vas yest biletə nā zāvtrā v tiātr?

لطفاً برای من دو بلیط در قسمت لُر بدهید.

Пожалуйста дайте мне два билета в ложу.

پاژالوشتا. دایتی. منیه. دوا. بیلتا. و. لژو

Pāzhāloustā dāyti mne dvā biletā v lozhou.

Поздравление

تبریک

Pazdravlenie

پازدراولنیه

Поздравляю вас с праздником.

عید را به شما تبریک می‌گویم.

Pāzdrāvlyāyou vās sprāzdnikom

پازدراولیا یو. واس. ش. پرازدنیکم.

Поздравляю вас с днём рождения!

تولد شما مبارک!

Pāzdrāvlyāyou vas s dnyom

پازدراولیا یو. واش. ش. دنیوم. راژدنیا!

rāzhdeniyā!

Желаю вам счастья.

سعادت شما را خواهانم.

Zhelāyou vām schāstyā.

ژلایو. وام. س. چاستیا

Зв здоровье!

به سلامتی!

Zā zdārovyē!

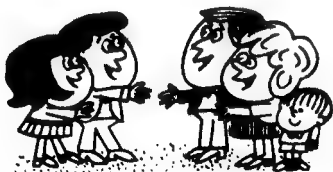
زا. زد. اژویه

Счастливо

خوشحالی

Schāstlivo

س چاستلیو



Успехов в работе.

در کارتان موفق باشید.

Uospekhov v rābote.

اوسپخو.و. رابوته

С новым годом!

سال نو مبارک باد!

S novǝm godom!

س. نووغم. گودم!



افتخار بدهید از سوی هیئت نمایندگی خود به شما تبریک گفت.

Позвольте от имени делегации вас поздравить.

پازؤلته. آت. ایمنی. دلگاتسی. واس. پازدراؤیت.

Pāzvolte āt imeni delegātsi vās pāzdrāvit.

امیدوارم همیشه شما را در صحت و سلامتی ببینم.

Надеюсь всегда видеть вас в добром здоровый.

نادیوس. وسیگدا. ویدیت. واس. و. دؤبروم. زداؤوی

Nādeyous vsigdā vidit vās v dobrom zdārovǝy.

Желею вам прожить ещё сто лет

صد سال به این سالها

ژلایو. وام. پراژیت. ایشیو. شتو. لٹ

Zhelāyou vām prāzhit ishyo sto let.

Почта и телеграф

Pochtā e telegrāf

پست و تګلرام

پښتانه ایډی، تګلراف

Авиапочта

Aviāpochtā

پست هوايي

آو یا پښتانه

Почтовый ящик

Pochtovŭy yāshik

صندوق پستی

پښتو، یا شیک

Почтовое отделение

Pāchtovoye ātdelenie

شعبه پستی

پښتو، آتدیلنیه

Внутреннее письмо

Vnoutrennie pismo

مکاتبه داخلی

ونوترنیه، پسمو

Международное письмо

Mezhdounārodnāye pismo

مکاتبه خارجی

مزد، ناردنایه، پسمو



Заказное письмо

پیست سفارشی (نام سفارشی)

Zākāznoye pismo

زاکازنویه. پیسمو

Телеграмма

تلگرام

Telegrāmmā

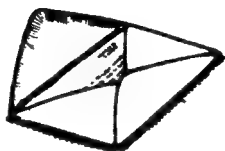
تِلِگراما

Срочная почта

پیست فوری (پیشناز)

Srochnāyā pochtā

سُرُچنا یا. پُچتا



من می‌خواهم نامه‌ای به ایران بفرستم

Я хочу послать письмо в ИРану

Yā khāchou pāslāt pismo v Irānou

یا. خاچو. پاسلات. پیسمو. و. ایرانو

من می‌خواهم تلگرامی به ایران بفرستم.

Я хочу послать телеграмму в ИРану

یا. خاچو. پاسلات. تِلِگرامو. و. ایرانو

Yā khāchou pāslāt telegrāmmou v Irānou

کجا کارهای پستی را می‌پذیرند؟

Где принимают почтовые переводы?

گد. پری نیمایوت. پُچتویه. پرودع؟

Gde prinimāyout pochtovye perevod?

Где ближайшая почта?

نزدیکترین اداره پست کجاست؟

Gde blizhāyshāyā pochtā?

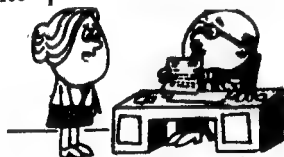
گد. بلیزائی شا یا. پُچتا؟

لطفاً نامه را سفارشی بکنید.

Оформите пожалуйста пожалуйста письмо.

Āformite pāzhāloustā zākāznovo pismo آفۆرمیتیه. پاژالوستا. زاکازنوؤ. پیسمو

pismo



چگونه می‌توان نامه‌ای به خارج فرستاد؟

Как отправить письмо за границу?

Kāk ātrāvit pismo zā grānichou? کاک. آتپراؤیت. پیسمو. زاگرائیچو؟

Откуда можно послать телекс? از کجا می‌توان تلکس زد؟

Ātkoudā mozhnā pāslāt teleks? آت کودا. موژنا. پاسلات. تلکس؟

Сколько будет стоить этот هزینه این تلکس چقدر می‌شود؟

телекс?

Skolkā boudit stoit etot teleks? سکولکا. بودیت. ستویت. اتوت. تلکس؟



Заказное письмо

پست سفارشی (نام سفارشی)

Zākāznoye pismo

زاکازنوویه. پِسمو

Телеграмма

تلگرام

Telegrāmmā

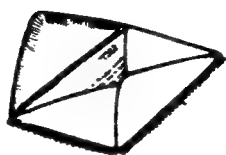
تِلِگراما

Срочная почта

پست فوری (پیش‌تاز)

Srochnāyā pochtā

سُرُچنایا. پُختا



من می‌خواهم نامه‌ای به ایران بفرستم

Я хочу послать письмо в ИРану

Yā khāchou pāslāt pismo v Irānou

یا. خاچو. پاشلات. پِسمو. و. ایرانو

من می‌خواهم تلگرامی به ایران بفرستم.

Я хочу послать телеграмму в ИРану

یا. خاچو. پاشلات. تِلِگرامو. و. ایرانو

Yā khāchou pāslāt telegrāmmou v Irānou

کجا کارهای پستی را می‌پذیرند؟

Где принимают почтовые переводы?

کُده. پِری ئیمایوت. پُختوویه. پرودع؟

Gde prinimāyout pochtovāye perevod?

Где ближайшая почта?

نزدیکترین اداره پست کجاست؟

Gde blizhāyshāyā pochtā?

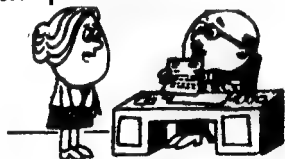
کُده. بلیژائی شایا. پُختا؟

لطفاً نامه را سفارشی بکنید.

Оформите пожалуйста пожалуйста письмо.

Āformite pāzhāloustā zākāznovo pīsmū آفورمیتیه. پاژالوستا. زاکارژنوؤ. پیسمو

pismo



چگونه می‌توان نامه‌ای به خارج فرستاد؟

Как отправить письмо за границу?

Kāk ātrāvit pismo zā grānichou? کاک. آتپراویت. پیسمو. زاگرائیچو؟

Откуда можно послать телекс? از کجا می‌توان تلکس زد؟

Ātkoudā mozhnā pāslāt teleks? آت کودا. موژنا. پاسلات. تلکس؟

Сколько будет стоить этот هزینه این تلکس چقدر می‌شود؟

телекс?

Skolkā boudit stoit etot teleks? سکولکا. بودیت. ستویت. اتوت. تلکس؟



Заказное письмо

پیست سفارشی (نام سفارشی)

Zākāznoye pismo

زاکازنویه. پیسمو

Телеграмма

تلگرام

Telegrāmmā

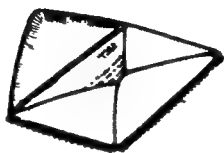
تلیگراما

Срочная почта

پیست فوری (پیشتاز)

Srochnāyā pochtā

سر چنایا. پُچتا



من می‌خواهم نامه‌ای به ایران بفرستم

Я хочу послать письмо в ИРАНу

Yā khāchou pāslāt pismo v Irānou یا. خاچو. پاسلات. پیسمو. و. ایرانو

من می‌خواهم تلگرامی به ایران بفرستم.

Я хочу послать телеграмму в ИРАНу

یا. خاچو. پاسلات. تلیگرامو. و. ایرانو

Yā khāchou pāslāt telegrāmmou v Irānou

کجا کارهای پستی را می‌پذیرند؟

Где принимают почтовые переводы?

گد. بری نیمایوت. پُچتویه. پروذع؟

Gde prinimāyout pochtovāye perevod?

Где ближайшая почта?

نزدیکترین اداره پست کجاست؟

Gde blizhāyshāyā pochtā?

گد. بلیزای شایا. پُچتا؟

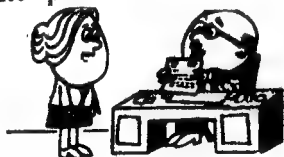
لطفاً نامه را سفارشی بکنید.

Оформите пожалуйста пожалуйста письмо.

Āformite pāzhāloustā zākāznovo pishmo

آفورمیتیه. پاژالوستا. زاکازنوؤ. پیشمو

pismo



چگونه می‌توان نامه‌ای به خارج فرستاد؟

Как отправить письмо за границу?

Kāk ātrāvit pismo zā grānichou?

کاک. آتپراویت. پیشمو. زاگرانچیو؟

Откуда можно послать телекс?

از کجا می‌توان تلکس زد؟

Ātkoudā mozhnā pāslāt teleks?

آت کودا. موژنا. پاسلات. تلکس؟

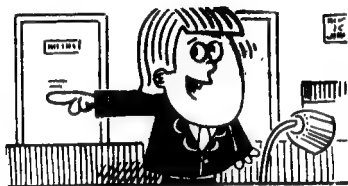
Сколько будет стоить этот

هزینه این تلکس چقدر می‌شود؟

телекс?

Skolkā boudit stoit etot teleks?

سکولکا. بودیت. ستویت. اتوت. تلکس؟



درمان و مرکز کمکهای اولیه

Lichenie e Medpouunkt

لینچنیه ایی. میڈپوئنکت

Здоровый

سلامت

Zdārovdy

زداړوی

Здоровье

صحت، سلامتی

Zdārovye

زداړویه

Министерство здравоохранения

وزارت بهداشت

Ministerstvā zdrāvoukhrāneniyā

مینیسټر شتوا. زداړاؤ او خراښیا

Крепкое здоровье

سلامتی وافر

Krepkāye zdārovye

کرپکایه. زداړویه

Слабое здоровье

ضعف سلامتی

Slāboye zdārovye

سلاویه. زداړویه



Беречь здоровье

شفایافتن

Berech zdārovye

برج . زداژویه

Голова

سر

Golovā

گُلوا

Глаз

چشم

Glāz

گُلَاز

Нос

بینی

Nos

نُوس

Рот

دهان

Rot

رُت

Ухо

گوش

Uokhā

اؤخا

Горло

گلو

Gorlō

گُرلُو

Волосы

مو

Volosō

وُلُسع

Рука

دست

Roukā

روکا

Язык

زبان

Yāzōk

یاژعک



Сердце	قلب
Serditse	سِرْدِتْسِه
Желудок	معدده
Zheloudok	ژِلودُوک
Грудь	سینه، پستان
Groud	گِرود
Лёгкие	شش، ریه
Lyogkie	لِیوگکیه
Органы тела мужчины	اندام مردانه
orgānə telā mouzhchinə	اَرگَانِع. تِلا. موژچینِع
Органы тела женщины	اندام زنانه
orgānə telā zhenshinə	اَرگَانِع. تِلا. ژِنشِنِع
Кровь	خون
Krov	کُرُو
Лекарство	دارو
Likārstvā	لِیکارِستِوا
Рецепт	نُسخه
Retsept	رِچِپِت
Аптека	داروخانه
Aptekā	اَپِتِکا



Сознание

عقل، حافظه

Sāznānie

سازنآنیه

Месячный цикл

عادت ماهانه

Mesyachnyū chikl

مِسیچِنُعی. چیکل

Ноги

پاها

Nogi

نُوگی

Палец

انگشت

Pālets

پالِتس

Спина

کمر، پشت

Spinā

سَپینا

Потерял сознание

عقلش را از دست داد.

Pāteryāl sāznānie

پاتِرِیال. سازنآنیه

Пришёл в себе

به خودش آمد.

Prishol v sibe

پِرِی شُول. و. سِبِه

Воспаление

ورم، التهاب

Vāspālenie

واسپالِنیه

Воспаление лёгких

التهاب ریه‌ها

Vāspālenie lyogkikh

واسپالِنیه. لیوگکِیخ

Кашель

سرفه

Kāshel

کاشِل



Сильный Кашель

سرفه شدید

Silnḍy kāshel

سِیْلَنی. کاشِل

Насморк

زکام

Nāsmork

نا سْمُرک

Грипп

گریپ

Gripp

گریپ

Простуда

سرماخوردگی

Prāstoudā

پِرا سْتودا

Рентгеновский снимок

رادیوگرافی، عکس برداری با اشعه ایکس

Rentgenovski snimāk

رِنْتِگِنُووَسْکی سَنِمَاک

Ожог

سوختگی

Āzhog

آژُگ

Поликлиника

پلی کلینیک

Pāliklinikā

پالِیکْلینِیکَا

Бальница

بیمارستان

Bālnitsā

بالِئِیْسَا

Консультация

مشاوره

Kānsoultatsiyā

کانسولْتَا سِیَا

Детская Поликлиника

پلی کلینیک کودکان

Detskāyā Pāliklinikā

دِئْسْکَا یا. پالِیکْلینِیکَا



Детская больница

بیمارستان کودکان

Detskāyā bālnitsā

دُتسکایا، بالْنِتِسا

Женская Консультация

مشاوره بانوان

Zhenskāyā kānsoultatsiyā

ژُنسکایا، کانسولْتاچیا

Анализ

آزمایش، تجزیه

Ānāliz

آنالیز

Анализ крови

آزمایش خون

Ānāliz krovi

آنالیز، کُرُوی

Анализ мочи

آزمایش ادرار

Ānāliz mōchi

آنالیز، مُچی

Общий анализ

آزمایش عمومی

Obshi ānāliz

اُبشی، آنالیز

Хирург

جراح

Khirourg

خیرورگ

Операция

جراحی

Āperātsiyā

آپراتسیا

Хирургическая операция

عمل جراحی

Khirourgicheskāyā āperātsiyā

خیرورگیچسکایا، آپراتسیا

Операционная комната

اطاق عمل

Āperātsionnāyā komnātā

آپراتسیوننایا، کُومناتا



Лекарство от Насморка

داروی ضد زکام

Likārstvā āt nāsmorkā

لیکارشتوا.آت. ناسمُرکا

Лечится от простуды

درمان سرماخوردگی

Lichitsā āt Prāstoudā

لیچیتسا.آت. پراستودُع

ваше здоровье улучшается . سلامتی‌تان را دارید به دست می‌آورید.

Vāshe zdārovyē oulouchshāyetsā.

واش. زداژوْیه. اولوچشایِتسا

Больной

بیمار

Bālnoy

بالنوی

Боль

درد

Boī

بِل

Приём больных

پذیرش بیمار

Priyom bālnōkh

پری یوم. بالنعخ

Вы давно больны.

شما از خیلی وقت پیش بیمار هستید.

Vd dāvno bālnō

وُع. داوئو. بالنع

Скорая помощь

کمکهای اضطراری (اورژانس)

Skorāyā pāmosh

سکورایا. پاموش

ВЫЗВАТЬ

خبر کردن

Vōzdvāt

وُزعوات

Вызов врача

خبر کردن پزشک

Vōzov vrāchā

وُزو. وراچا



Вызывайте врача пожалуйста

لطفاً پزشک را خبر کنید.

Vəzdvāyte vrāchā pāzhāloustā.

وزعوائیه. وُرا چا. پاژالوستا

Вызывайте скорую помощь

اورژانس را خبر کنید

Vəzdvāyte skorouyou pāmosh

وزعوائیه. سکورویو. پاموش

Откройте рот

دهانتان را باز کنید.

Ātkroyte rot

آتکروئیه. رُوت

Покажите язык

زبانتان را نشان دهید.

Pākāzhite yāzək

پاکاژیه. یازُک

Сделайте вдох,выдох

عمل دم و بازدم را انجام دهید.

Sdelāyte vdokh, vəddəkh

سدِلاییه. وُدُخ. وُعدُخ

Тут болит

اینجا درد می‌کند.

Tout bālit

توت. بآلیت

Я сделаю вам укол.

من به شما تزریق می‌کنم.

Yā sdelayou vām oukol.

یا. سدلایو. وام. اوکول



لازم است شما در بیمارستان معالجه شوید.

Вам необходимо лечь в больницу

وام. نی آبخادیمالِیج. وُ. بآلیتسو

Vām niābkhādimā lich v bālnitsou.

Я вам выпишу лекарство.

من برایتان دارو تجویز می‌کنم.

Yā vām vōpishou likārstvā.

یا. وام. وُعیشو. لیکارستوا

روزی ۳ بار این دارو را مصرف کنید.

Принимайте лекарство три раза в день

Prinimāyte likārstvā tri rāzā v den. پری نیمائتِه. لیکازستوا. تری. رازا. و. دِن.

Я беременна

من حامله هستم

Yā beremennā

یا. بِرِمِنَا

У меня аллергия

من حساسیت دارم.

Ou minya ālergiyā.

او. مِنیّه. آلِرْگِیا

У меня к пеницилину аллергия. من به پنی سیلین حساسیت دارم.

Ou minya k penitsilinou ālergiyā.

او. مِنیّه. ک. پنی چیلینو. آلِرْگِیا

Какое лекарство принимаете?

چه دارویی مصرف می کنید؟

Kākoye likārstvā prinināete

کاکوِیه. لیکازستوا. پری نیمائتِه؟

Как вы себя чувствуете?

احوالتان چطور است؟

Kak vā sibya chouvstvovuite?

کاک. و.ع. سیبیه. چووشتوویتِه؟

Я чувствую себя ...

من احساس می کنم.....هستم

Ya chouvstvovuyou sibya.....

یا. چووشتوویو. سیبیه

Хорошо

خوب

Khārāsho

خارا شو

Плохо

بد

Plokhā

پُلُخَا



Нормально

طبیعی

Nārmālñā

ناژمالنا

Я болен

من بیمارم

Ya bolen

یا. بُولِن



Что у вас болит?

کجایتان درد می‌کند؟

Ishto ou vās bālit?

ایشتو. او. واش. بَالِیت؟

У меня болит голова

سرم درد می‌کند.

Uo minya bālit golovā

او مِینِیه. بَالِیت. گُلُوا



У меня желудок не в порядке

معدهم درست کار نمی‌کند.

Uo minya zheloudok ni v pāryadki

او مِینِیه. ژِلودُک. نی. وُ. پازِیادکی

Я не могу есть

من نمی‌توانم غذا بخورم.

Yā ni māgou yest

یا. نی. ماگو. یِست

Мне трудно говорить.

صحبت کردن برایم سخت است.

Mne troudnā gāvārit.

مِنه. تِروُدنا. گاوارِیت

Меня тошнит

حالت تهوع دارم.

Minya tashnit

مِینِیه. تاشنِیت



Меня все время рвёт.

من دائماً استفراغ می‌کنم.

Minya vse vrimya rvyot.

مِینِیه. وِسه. وِرِیمِیه. رِوِیت

من یک گواهی پزشکی احتیاج دارم.

Мне нужно медицинское свидетельство.

مَنِه، نوژنا، مِدِیچینسکویه. شویدیتلستوا

Mne nouzhnā meditsinskoye sviditelstvā



У зубного врача

Ou zoubnova vracha

در دندانپزشکی

او. زوبننؤوا. وُراچا

У меня болит зуб

Ou minya bālit zoub

У меня сломался зуб

Ou minya slāmālsā zoub

Пожалуйста поставьте пломбу.

Pāzhāloustā pāstāvte plombou.

Удалите этот зуб

Oudālite etot zoub

Снимите боль пожалуйста.

Snimite bol pāzhāloustā.

Какой зуб болит?

Kākoj zoub bālit?



دندانم درد می‌کند.

او. مینیه. بالیت. زوب

دندانم شکسته است.

او. مینیه. سلامالسا. زوب

خواهش می‌کنم دندانم را پر کنید.

پازالوستا. پاستاوتیه. پلمبو

این دندان را بکشید.

اودالیتیه. اتوت. زوب

لطفاً درد را بر طرف کنید.

سنیمیتیه. بل. پازالوستا

کدام دندانتان درد می‌کند؟

کاکوی. زوب. بالیت؟



Сплюньте пожалуйста

لطفاً آب دهان را خارج کنید.

Splounte pāzhāloustā

سپلونتِه. پاژالوستا

Что сделать, чтобы утихла боль? برای تسکین درد چه کار باید کرد؟

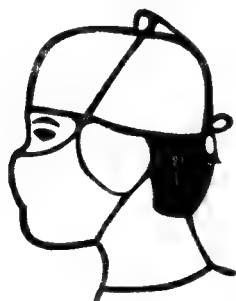
Ishto sdelāt, ishtobā outikhlā bol? ایشتو. شِ دلَات. ایشتوبع. اوتیکْلا. بُل؟

Я хочу сделать протез.

من می‌خواهم دندان مصنوعی بگذارم.

Yā khāchou sdelāt protez.

یا. خاچو. شِ دلَات. پُرتیز



در داروخانه

В аптеке

و. آپتیکه

V apteke

Мне надо в аптеку.

من باید به داروخانه بروم.

Мне nādā v āptekou.

منه. نادا. و. آپتیکو

Где ближайшая аптека?

نزدیکترین داروخانه کجاست؟

Gde blizhāyshāyā āptekā?

گد. بلیژای شایا. آپتیکا؟

آیا این داروخانه شبانه روزی است؟

Эта аптека работает круглосуточно?

اِتا. آپتیکا. رابوتایت. کِروگلو سوئچنا؟

Etā āptekā rābotāet krouglosoutochnā?

به دارویی که در این نسخه تجویز شده نیاز دارم.

Мне нужно лекарство по этому рецепту.

منه. نوژنا. لیکارستوا. پا. اِتومو. رِچپْتُو

Mne nouzhnā likārstva pā etomou retseptu.

ممکن است این دارو را بدون نسخه تهیه کرد؟

Можно взять это лекарство без рецепта?

مَوْزَنَّا، وُزَيْت. اِتُو. لیکارِستُوا. بَر. رِچِپْتَا

Mozhnā vzyat eto likarstvā bez retseptā?

این دارو را روزی چند بار باید خورد؟

Сколько раз в день надо принимать это лекарство?

سَكُولْکَا. رَاَز. وَ. دِن. نَادَا. پَرِی نِیْمَات. اِتُو. لیکارِستُوا؟

Skolkā rāz v den nādā prīnimāt eto likārstvā?

خواهش می‌کنم چیزی برای سردرد بدهید.

Дайте мне что-нибудь от головной боли.

دَايْتِی. مَنِه. اِیْشْتُو - نِی بُوْد. آت. گَالُوْنُوئی. بُولِی

Dāyti mne ishto _ niboud āt gālāvnoy boli



КОМНАТа милиции

Komnata militsi

اداره پليس

کومنا تا ميليتسي

Милиция

Militsiya

Полицейский Участок

Pālitseyskiy ouchāstok

Г.А.И

G.A.I

Господин

Gāspādin

Дама

Dāmā



پليس

ميليچيا

مرکز پليس

پاليتسيي سكي اوچاستوك

راهنمايي و رانندگي (پليس)

گ. آ. ائي

آقا

گاسپادين

خانم

داما



Вход	ورود
Vkhod	وُخود
Входа нет	بدون راه ورودی
Vkhodā niet	وُخودا. نیست
Выход	خروج
Vākhod	وُغُخود
Выхода нет	بدون راه خروجی
Vākhodā niet	وُغُخودا. نیست
Вход бесплатный	ورود رایگان
Vkhod besplātnōy	وُخود. بَسْپَلَاتْنِی
Вход воспрещён	ورود ممنوع
Vkhod vāspreshyon	وُخود. وَاَسْپَرَشِیُون
Вход строго воспрещён!	ورود مطلقاً ممنوع!
Vkhod strogā vāspreshyon!	وُخود. سِتْرُگَا. وَاَسْپَرَشِیُون!
Запрещённая зона!	منطقه ممنوعه!
Zapreshyonnāyā zonā!	زَاپَرَشِیُونَنَایَا. زُونَا!
Для женщин	برای زنان
Dlā zhenshin	دَلَا. زِنَشِین
Для мужчин	برای مردان
Dlā mouzhchin	دَلَا. مَوژْچِین



Открыто / Открытый

Ātkr̄to . Atkr̄t̄y

Закрѳто / Закрѳтый

Zākr̄to , Zākr̄t̄y

Режим работы

Rezhim rābot̄

Время работы

Vrimyā rābot̄

Часы работы

Chās̄ rābot̄

Не курить!

Ni kourit!

Не трогать!

Ni trogāt!

Опасно!

Āpāsna!

Опасно для жизни!

Āpāsna dlā zhizni

Осторожно!

Āstārozhnā!

Питьевая вода

Pitevāyā vādā

باز

آتکرغ تو، آتکرغنی

بسته

زاکرغ تو، زاکرغنی

نظام کاری

رژیم. رایوتع

زمان کاری

وریمیه. رایوتع

ساعات کاری

چاسع. رایوتع

سیگار کشیدن ممنوع!

نی کوریت!

دست زدن ممنوع!

نی تروگات!

خطر!

آپاسنا!

خطر مرگ!

آپاسنا. دلا. ژیزنی!

احتیاط!

آستارژنا!

آب آشامیدنی

پیتوایا. وادا



Несколько слов

Niskolka slov

چند کلمه

نيسكولكا سَلُو

Вода не для питья

Vādā ni dlā pityā

آب غير آشاميدنی

وادا، نئی، دُلا، پیتیا

Занято

Zānyāto

مشغول

زانیاتو

Свободно

Svābodnā

آزاد

سوابودنا

Посольство

Pāsolvstvā

سفارت

پاسولستوا

Консульство

Konsoulstvā

کونسولگری

کُنسولستوا



Атташе

وابسته

Āttāshe

آتاشیه

Культурный атташе

وابسته فرهنگی

Koultournḍy āttāshe

کولتورُنْی. آتاشیه

Тарговый атташе

وابسته بازرگانی

Tārgovḍy āttāshe

تارگووُنْی. آتاشیه

Посол

سفیر

Pāsol

پاسول

Консул

کونسول

Konsoul

کُنسول

Общежитие

محل زندگی همگانی

Obshezhitie

اُبْشِرْژِیتیه

Институт

دانشکده

Institout

اینستیتوت

Университет

دانشگاه

Ouniversitet

اونیورسیتیت

Факультет

رشته تحصیلی

Fākoultet

فاکولتت

Мир

جهان، دنیا

Mir

میر



Страна	کشور
Strānā	شترانا
Родина	وطن
Rodinā	رُدینا
Государство	دولت
Gāsoudārstvā	گاسو دارُشتوا
Провительство	هیئت دولت
Prāvitelstvā	پراوِیتِلِشتوا
Министерство	وزارت
Ministerstvā	مینِیسترِشتوا
Министр	وزیر
Ministr	مینِیستر
Министерство иностранных дел (М.И.Д)	وزارت امور خارجه
Ministerstvā ināstrānnōkh del	مینِیسترِشتوا. اینا شترانِغ. دل
Министерство внутренних дел (М.В.Д)	وزارت کشور
Ministerstvā vnoutrennikh del	مینِیسترِشتوا. ونو ترنِغ. دل
Министерство высшего образования	وزارت آموزش عالی
Ministerstvā vōsshevo ābrāzovāniyā	مینِیسترِشتوا. وُغشِشو. آبرازوَانِیا
Парламент	مجلس شورا
Pārlāment	پارْلَامِنْت



Moscow



Министерство Культуры

وزارت فرهنگ

Ministerstvā Koultourə

مینیسترسُتوا. کولتورُع

Министерство Торговли

وزارت بازرگانی

Ministerstvā tǎrgovli

مینیسترسُتوا. تازگُولی

Министерство финансов

وزارت دارایی

Ministerstvā Finānsov

مینیسترسُتوا. فی نانسُو

Министерство юстиции

وزارت دادگستری

Ministerstvā youstichi

مینیسترسُتوا. یوستِیچی

Министерство Путей Сообщения

وزارت راه

Ministerstvā Poutey Saabsheniya

مینیسترسُتوا. پوتی. سآبشِنی یا

Министерство Сельского хозяйства

وزارت کشاورزی

Ministerstvā selskovo khāzyaystvā

مینیسترسُتوا. سِلْسکُو. خازیاِستوا

Министерство здравоохранения

وزارت بهداشت

Ministerstvā zdravoākhraṇeniya

مینیسترسُتوا. زُدراوآخراِنی یا

Министерство Обеспечения

وزارت بیمه اجتماعی

Ministerstvā ābespecheniya

مینیسترسُتوا. آبِشِچِنی یا

Министерство обороны

وزارت دفاع

Ministerstvā ābāronə

مینیسترسُتوا. آباژَنع

Гражданин

تبعه مرد

Grāzhdānin

گراژدانین



Гражданка	تبعه زن
Grāzhdānka	گراژدانکا
Гражданство	تابعیت
Grāzhdānstvā	گراژدانستوا
Национальность	ملیت
Nātsionālnost	ناچئونالئنست
Религия	مذهب، دین
Religiya	رلیگیا
Организация объединённых наций	سازمان ملل متحد
Orgānizātsiya ābedinyonnōkh nātsiy	اُرگانیزاچیا، اَبَدینیوُنخ، ناچیی
Совет безопасности	شورای امنیت
Sāvet bezūpāsnosti	ساوِت، بَزْا پائسنستی
Граница	مرز
Grānitsā	گراُنیتسا
Сталица	پایتخت
Stālitsā	ستالیتسا
Российская федерация	فدراتیو روسیه
Rāssiyskāyā federātsiyā	راشیسکا یا، فِدِرَاتسیا
Москва	مسکو
Māskvā	ماسکوا



Moscow

Киев

خی پف

Kiev

کی یو

Баку

باکو

Bākuo

باکو

Армения

ارمنستان

Ārmeniyā

آرمنی یا

Ереван

ایروان

Yerevān

یرِوان

Алма-ата

آلما آتا

Ālmā-ātā

آلما آتا

Минск

مینسک

Minsk

مینسک

Крым

شبهه جزیره کریمه

Krām

کریم

Одесса

آدسا

Adessa

آدسا

Украина

اوکراین (اُکراین)

Oukrāinā

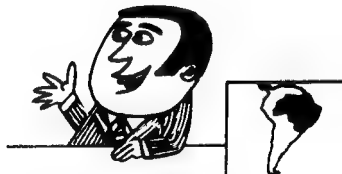
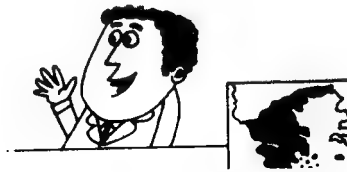
اوکراین

Грузия

گرجستان

Grouziyā

گروزی



Прибалтика

کشورهای حوزه بالتیک

Pribāltikā

پُری بالتیکا

С.Н.Г

کشورهای مستقل مشترک المنافع

S.N.G

اِس.اِن.گ

Англия

انگلسنان

Angliyā

آنْگلی یا



Голландия

هَلند

Gālāndiya

گالاندی یا

Польша

لهستان

Polshā

پُلشا

Турция

ترکیه

Tourtsiyā

تورچی یا

Европеец

اروپائی، تبعه اروپا

Yevropeits

یُورُپِشِج



В магазине ювелирных и изделий در مغازه جواهری و صنایع دستی

V magazine youvelirnakh izdeliy و ماگازین یوولیرنکخ ایردیلی

Кольцо

انگشتر

Kāltso

کالچو

Обручальное кольцо

حلقه نامزدی

Abrouchālnoye kāltso

آبروچالئویه کالچو

Серьги

کوشواره

Sergi

سیرگی

Браслет

دستبند

Brāslet

براشلیت

Ожерелье

گردن بند

Azhireli

آژیرلی



Брошь	سنجاق سینه، گل سینه
Brosh	بُرش
жемчужное ожерелье	گردن بند مروارید
Zhemchouzhnoe āzhireli	ژمچوژنویه. آژیرلی
Кулон	سینه ریز
Koulon	کولُن
Рубин	یاقوت
Roubin	روبین
Коралл	مرجان
Kārāl	کارال
Хрусталь	کریستال
Khroutāl	خروستال
Алмаз	الماس
Almāz	آلماز
Изумруд	زمرد
Izoumroud	ایزومرود
Глазурь	مینا
Glāzour	گلazor
Опал	عقیق
Opāl	آپال



Бирюза

فیروزه

Biryouzā

بیریوزا

Покажите пожалуйста это кольцо. لطفاً این انگشتر را نشان دهید.

Pākāzhite pāzhāloustā eto kāltso. پاکازیتِه. پاژالوستا. اُتو. کالْتسو.

Я хочу купить маленький подарок. من می‌خواهم هدیه کوچکی بخرم.

Yā khāchou koupit mālenkiy یا. خا.چو. کوپیت. مالْنکی. پاداژک

pādārok.

Это настоящее золото?

آیا این طلای اصل است؟

Eto nāstāyāshie zolotā?

اُتو. ناستا یا شیه. زُلوتا؟

Здесь сколько каратов?

عیار این چند است؟

Izdes skolkā kārātov?

ایزدِس. سَکولکا. کارا تُوو؟

Что, это за камень

این چه نوع سنگی است؟

Ishto eto zā kāmen?

ایشتو. اُتو. زا. کامِن؟

لطفاً صنایع دستی را نشان دهید.

Покажите пожлуйста художественные изделия.

پاکازیتِه. پاژالوستا. خودوژِستوئِیه ایزدِلِیا

Pākāzhite pāzhāloustā khoudozhistvennōye izdeliyā.

لطفاً بروی جعبه سیگار نقره‌ای قلم زنی (حک) کنید

Сделайте пожалуйста гравировку на серебряном

портсигаре

ایزدِلایِتِه. پاژالوستا. گراوِرُوکو. نا. سِرِبِرِیا تُوِم. پارتسِیگار

Izdelāyte pāzhaloustā grāvirovkou nā serebryānom pārtsigare

ضرب المثل ها و اندرزها / Пословицы и поговорки

Paslovitsa e pagavorki

پاشلویجی. ایی. پاگاورکی

شاهنامه آخرش خوش است. / جوجه را آخر پائیز می شمارند.

Цыплят по осени считают

Chāplyāt pā osini schitayout.

چغپلیات. پا. اسینی. س چیتایوت

آدمی را نسبت به هنر باید نه به پدر / از فضل پدر تو را چه حاصل

Встречают по одежке, провожают по уму.

وستر چایوت. پا. آدژکی. پرواواژایوت. پا. اومو

Vstrechāyut pā ādezhki, prāvāzhāyout pā oumou.

Ученого учить только портить.

آزموده را آزمودن خطاست.

Ouchenovo ouchit tolkā portit.

اوچنوو. اوچیت. تولکا. پورتیت

هر کاری استادی می‌خواهد. Дело мастера боится.

دِلا. مَسْتِرا. بایِتسا. Delo masterā bāitsā.

آستین کوتاه و دست دراز. Бодливой корове бог рога не даёт.

بادْلیوئی. کارو. بُوگ. رُگا. نی. دائوت. Bādlivoy kārove bog rogā ni dāyot.

همان آش و همان کاسه. все та же каша все та же чаша.

وسه. تا. ژ. کاشا. وِسِه. تاژ. چاشا. Vse tā zhe kāshā vse tā zhe chāshā.

اول خویش بعد درویش. Своя рубашка ближе к телу.

سوا. یا. روبا. شکا. بلیژ. ک. تلو. Svāyā roubāshkā blizhe k telou.

زبان سرخ سر سبز می‌دهد بر باد.

Бойкий язык загубит зелёную голову.

بایکی. یا. زعک. زاگو. نیت. زیلنویو. گُلوو.

Bāykiy yāzək zagoubit zilonouyou golovou.

بار بد باشد، چو باشد نهال. Яблоко от яблони недалеко падает.

یا. بُلوکا. آت. یا. بُلونی. ئی. دالیکو. پادائوت.

Yāblokā āt yābloni nidāliko pādayot.

گندم از گندم بروید جواز جو. Что посеешь, то пожнешь.

اِشتو. پاسیش. تو. پاژنیش. Ishto pāsiesh to pāzhnish.

هیچ دودی بی‌آتش نیست / بیهوده سخن بدین درازا نبود.

Нет дыма без огня.

نیت. دُعما. یز. اُگنیا. Niet dōmā bez ogn̄yā.

По одежке протягивай ножки. پایت را به اندازه کلیم خودت دراز کن.

Pā ādezhki protyāgīvāy nozhki پا. آدرژی. پرتیاگیوای. نوژکی

یکبار دیدن به از صدبار شنیدن / شنیدن کی بود مانند دیدن

Лтчше один раз увидеть чем сто раз услышать.

لوچش. آدین. راز. اوویدیت. چم. ستو. راز. اوسلشاش

Louchshe ādin rāz ouvidit chem sto rāz ouslāshāt.

Сапожник ходит без сапог. کوزه گر از کوزه شکسته آب می خوره

Sāpozchnik khodit bez sāpog. ساپوزنیک. خودیت. بز. ساپوگ

Долг платежом красен. ضیافت پای پس هم دارد.

Dolg plātezhom krāsen. دولگ. پلاتژم. کراسن.

Язык до киева̄ доведёт. پرسیان، پرسیان به کعبه بتوان رفت.

Yāzōk dā kievā dāvidyot. یازغک. دا. گیوا. داویدئیوت

آشپز که دوتا شد، آش شور می شود یا بی نمک

У семи нянек дитя без глазу.

Ou semi nyānek dityā bez glāzou. او. سمی. نیانک. دیتیا. بز. گلازو

محنت کش را از هر طرف سنگ آید.

На бедного макара все шишки валятся.

نا. بدئووا. ماکارا. وسیه. شیشکی. والیا تیشیا.

Nā bednovā mākarā vse shishki vālyātsiyā.

- یار نیک را روز بد شناسند.
 Друг познается в беде.
 دروغ . پاز نائیتسا. و. بد.
 Droug pāznāitsā v bede.
- پُر عالی (و) جیب خالی.
 Звону много, толку мало.
 زوانو. مُنوگا. تُولکو. مالا.
 Zvānou mnogā, tolkou mālā.
- گل پشت و رو ندارد.
 Роза хороша со всех сторон.
 رُزا. خاُرشا. سا. و. سِخ. سْتورُن.
 Rozā khāroshā sā vsekh storon.
- پشه لگدش زده.
 Это комариный укус.
 اِتو. کاما رِینی. اوکوس.
 Eto kāmārinḍy oukous.
- خرس در کوه بوعلی سیناست.
 На без рыбе и рак рыба.
 نا. بَز. رُغِب. ای. راک. رُعبا.
 Nā bez rḁbe e rāk rḁba.
- تا تنور گرم است نان باید پخت
 Куй железо пока горячо.
 کوی. ژِلِزو. پا. کا. گارِیچا.
 Kouy zhelezo pākā gāryachā.
- بی گدار به آب مزن
 Без переправы в воду не лезь.
 بَز. پِرِپِراوُع. و. وادو. نی. لَز.
 Bez pereprāvḁ v vādou ni lez.
- کار امروز را به فردا مگذار.
 Без переправы в воду не лезь.

Не откладывай на завтра то что можешь сделать
 сегодня.

نی. آتکلادعوای. نا. زاوُترا. تُو. ایشْتو. موُرُش. سِلِلات. سی وُ دُتیا

Ni ātklādōvāy nā zāvtrā to ishto mozhash sdelāt sivodnyā.

- Трудности закаляют. ثابت قدم باش و غم روزی مخور.
- Troudnosti zākālyāyout. تروڈنُستی. زاکالیا یوت
- И снега зимой не выпросишь. جان می دهد جامه نمی دهد.
- E snigā zimoy ni vōprosish. ای. سنیگا. زیموی. نی. و غپُریش
- На бога надейся, сам не плошай از تو حرکت از خدا برکت
- Nā bogā nādeysā, sām ni ploshāy نا. بوگا. نادِیسا. سام. نی. پلوشای
- Из огня да в полымя از چاله در آمدن و به چاه افتادن
- Iz ognyā dāv polōmyā ایز. اوگنیا. دا. و. پلُعمیا
- Не знает где право, где лево. سگ صاحبش را نمی شناسد.
- Ni znāit gde prāvā gde levā. نی. زنائیت. گدی. پراوا. گدی. لوا
- Зри в корень خوش اصل خطا نکند/بد اصل وفا نکند.
- Zri v karen زری. و. کارن
- Слово слаще меда. آدم خوش زبان، مار را از سوراخ بیرون می کشد.
- Slāvā slāshe medā. سلاوا. سلاشه. میدا
- Красота спасёт мир. خوش رویی کلید دلهاست.
- Krāsotā spāsyot mir. کراسوتا. سپاشیوت. میر
- دشمن دانا به از دوست نادان است.
- Умный враг лучше невежественного друга.
- او منی. وراگ. لوچش. نی وژستو نوو. دروگا
- Oumnōy vrāg louchshe nivezhestvennovο drougā.

Тыше едешь дальше будешь. کم بخور، همیشه بخور.

Tishe yedish dālshe boudish. نیش. یدیش. دالشی. بودیش

Голодной куме пироги آدم لخت کرباس دولا پهنا خواب می‌بیند.

на уме

Gālodnoy koume pirogi nā ume. گالودنوی. کومه. پیروگی. نا. اومه

Лучше поздно, чем никогда. دیر رسیدن بهتر از هرگز نرسیدن است.

Louchshe pāzdno chem nikāgdā. لوچش. پازدنو. چم. نی کاگدا

В стене есть мышь, а у мыши уши. دیوار موش دارد، موش گوش دارد.

و. ستینه. یش. معش. آ. او. معشی. اوشی

V stene yest mōsh, ā ou mōshi oushi.

Без труда нет плода. نابرده رنج، گنج میسر نمی‌شود.

Bez troudā niet plodā بیز. ترودا. نیت. پلودا

Как мертвому припарка. نوش دارو بعد از مرگ سهراب

Kāk mertvomou pripārkā. کاک. میرث و مو. پری پارکا

Ты ничего не видел شتر دیدی، ندیدی

Tā nichivo ni vidil نع. نیچیو. نی. ویدیل

Терпение и труд все перетрут کارها نیکو شود اما به صبر

Terpenie e troud vse peretrout تیرپنیه. ایی. ترود. و شه. پرتروت

Дружба дружбой, а табачок врозь حساب، حساب است. کاکا برادر

Drouzhbā drouzhboy, ā tābāchok vroz دروژبا. دروژبوی. آ. تاباچوک. وروز

Делать из мухи слона

از کاه، کوه ساختن

Delāt iz moukhi slonā

دِلات. ایز. موخی. سلونا

کسی که از گرگ ترسد، گوسفند نگاه ندارد.

Волков бояться в лес не ходить.

Volkov bāyātsā v les ni khādit.

وَلْکُو. بایاَٹسا. و. لِس. نِی. خادیت

Всяк кулик своё болото хвалит.

Vsyak koulik svāyo bāloto khvālit.

وَسْیَک. کولیک. سواِیو. بالَٹو. خَوالیت

Рубить сук на котором сидишь

Roubit souk nā kātorom sidish

روبیٹ. سوک. نا. کاتوَرُم. سیدیش

Либо пан, либо пропал.

یا سر می‌رود، یا کلاه می‌آید

Libo pān, libo propāl.

لیبو. پان. لیبو. پُرپال

هر کس در فکر خویش است، کوسه به فکر ریش است.

У кого что болит тот о том и говорит.

او. کاو. ایشِٹو. بالیت. اُ. توم. ایی. گاواریت

Ou kāvo ishto bālit tot o tom e gāvārit.

کوه به کوه نمی‌رسد، آدم به آدم می‌رسد

Гора с горой не сходится, а человек с человеком

сойдется

گارا. س. گارِی. نی. سُخودیتسا. آ. چلاوک. سُ. چلاوِکوم. سایدیتسا

Gāra s gāroy ni skhoditsā, ā chelāvek s chelāvekom sāyditsā.

گردد و هر گردی گردد نیست. Не все то золото, что блестит.

نی. و سه. تو. زلوتا. ایشتو. بلیستیت Ni vse to zolota ishto blestit

دهن گرگ آلوده و یوسف ندریده Без вины виноватый

بزر. وینع. وینوواتی Bez vinā vinovātāy

آدم از کوچکی بزرگ می شود.

Для достижения цели всегда важно начало.

دلا. داستیزنیآ. چلی. و سینگدا. وازنا. ناچالا

Dlā dāstizheniyā cheli vsigdā vāzhnā nāchālā

آدمی دوبار به این دنیا نمی آید. Человек рождается один раз.

چلاوک. رادیتسا. آدین. راز. Chelāvek rāditsā ādin raz.

یک پایش لب گور است. Стоять одной ногой в могиле.

ستایات. آدنوی. ناگوی. و. ماگیله Stāyāt ādony nāgoy v māgile.

از یک گوش می گیرد از گوش دیگر در می کند.

В одно ухо влетает, из другого вылетает.

و. آدنا. اوخا. و لتایت. ایز. دروگووا. و غلتایت

V ādnā oukhā vletāit iz drougovā vōletāit

از سایه خودش می ترسد. Боятся своей тени

بائیتسا. سوائی. تنی Bāitsā svāey teni

بازی بازی، باریش بابا هم بازی Шуты играй но меру знай

شوئی. ایگرای. نو. میرو. زناы Shouti igrāy no merou znāy

بچه در شکم و نامش مظفر

Не шей пеленок, пока не родится ребенок

نی. شی. پیلنوک. پا.کا.نی. را دیتسا. ریئوک

Ni shey pilenok pākā ni rāditsā ribenok

موش را جان کندن، گربه را بازی Кошке игрушки, а мышке слезки

کوشک. ایگروشکی. آ. معشک. سلیزکی Koshke igrushki, ā māshke slezki

با یک تیر دو نشان زدن Одним выстрелом двух зайцев убить

آذنی. و عستزلوم. دؤوخ. زایتسو. اوئیث

Adnim vāstreloom dvoukh zaytsev oubit

پارسال دوست، امسال آشنا! Сколько лет, сколько зим!

سکولکا. یت. سکولکا. زیم! Skolkā let, skolkā zim

پنج انگشت برادرند، برابر نیستند.

Пять пальцев на руке все разные.

پیت. پانتسو. نا. روکی. و سه. راژنیه Pyat pāltsev nā rouki vse rāznē.

یولدارها کباب، بی پولها بوی کباب

Кому бублик, кому дырка от бублика.

کامو. بوبلیک. کامو. دغرکا. آت. بوبلیکا

Kāmou boublik, kāmou dārka āt boublikā.

Человек жив надеждой.

تا جان است امید است.

Chelāvek zhiv nadezhday.

چلاوک. ژیو. نادرُدی

У страха глаза велики.

ترس برادر مرگ است.

Ou strākhā glāzā veliki.

او. سُتراخا. گلازا. ولیکی

Ищущий находит.

جوینده یابنده است.

Ishoushiy nākhodit.

ایشوشی. ناخودیت

حیله جو را بهانه بسیار است.

Было бы что а повод всегда найдётся

بَعْلَا. بَع. ایشْتو. آ. پاؤد. وُسیگدا. نایدیوُتسا

Bāla bā ishto ā pāvod vsigdā nāydyotsā

Ничто с голодом не сравнится. داغ شکم از داغ عزیزان بدتر است.

Nichto s gālodom ni srāvnitsā.

نیچْتو. ش. گالادُم. نی. سُرَاوُنیتسا

دختر به تو می گویم؛ عروس تو بشنو.

Мать бранит дочь невестке урок

Māt branit doch nevestke ourok.

مات. برانیت. دُوج. نیوُستک. اوروک

Вор у вора дубинку украл. دزد به دزد می زند، خدا خنده اش می گیرد.

Vor ou vorā doubinkou oukrāl.

وُر. او. وُرا. دووینکو. اوکُرال

Нашла Коса на камень.

با یک دست دوتا هندوانه نتوان گرفت.

Nāshlā Kosā nā kāmen.

ناشلا. کُسا. نا. کامین

دهن مردم را نمی توان بست. На чужой роток не накинешь платок.
نا. چوژوی. رُتک. نی. ناکینش. پلاتوک

Na chouzhoj rotok ni nakinesh plātok.

قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود.

С миру по нитке-голому рубашка

س. میرو. پا. تیتیکه - گالمو. روباشکا

S mirou pā nitki - gālomou roubāshkā.

وصف العیش - نصف العیش

Говорить о веселье-уже полвеселья

گاواریت. اویسله اوژ. پُل وِسلِیا
روز قیامت اول از همسایه می پرسند.
Gāvārit o visele- ouzhe polviselyā

Не выбирай дом а выбирай соседа.

نی. وعبیرای. دُم. آ. وعبیرای. ساسِدا
Ni vōbirāy dom ā vōbirāy sāsedā.

لیلی را به چشم مجنون باید دید.
Каждому своё.

کاژدُمو. سواِیو
Kāzhdomou svāyo.

مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید می ترسد.

Пуганая ворона куста боится.

پوگانایا. وُرُنا. کوستا. بایتسا
Pougānāyā vōronā koustā bāitsā.

Один в поле не воин. یک دست صدا ندارد.

Ādin v pōle ni vāin. آدین. و. پَله. نی. وائین

Губы без улыбки лишь. لبی که خنده ندارد شکاف دیوار است.

Goubə bez ouləbki lish. گوبِ. بِز. اولِعبکی. لیش

Овчинка выделки не стоит. آسترش از رویه گرانتر است.

Āvchinkā vədelki ni stoit

Человеку свойственно ошибаться. انسان جایز الخطا است.

Chelāvekou svoystvennā āshibātsā. چِلاوِکو. سُوئی سَتوِتا. آشیبَاتسا

مبین که می گوید، ببین چه می گوید / مشک آن است که خود ببوید، نه آنکه عطار بگوید.

Человека судят не по его словам, а по его делам

چِلاوِکا. سوَدْیاَت. نی. پا. یُو. سِلاوام. آ. پا. یُو. دِلام

Chelāvekā soudyāt ni pā yevo slāvām ā pā yevo delām.

مرا به خیر تو امید نیست، شر مرسان.

Творить добро не можешь не чини зла.

تَواریت. دُبرو. نی. مُوژش. نی. چِینی. زُلا

Tvārit dobro ni mozhesh, ni chini zlā.

Хоть шаром покати کفگیرش نه دیگ خورده

Khat shārom pākāti خات. شارم. پاکاتی

Невежавраг ученого. نادان عدوی داناست.

Nivezhāvrāg ouchenovā. نی وژا. وژاگ. اوچَنووا

آنچه ناپسند آیدت خود مکن.

Не делай(другим)того,чего тебе самому не нравится.

نی. دلای. دروگیم. تاؤ. چئو. تیه. سامامو. نی. نراوئسا

Ni delāy(drougim)tāvo chivo tibe sāmāmou ni nrauitsā

Береженого бог бережет. در خانهات را ببند همسایهات را دزد مکن.

Berezhenovo bog berezhit. بیرژئو. بوگ. پرژیت

دانا هم داند و پرسد، نادان نداند و نپرسد.

Мудрец знает и спрашивает, невежда не знает и не

спрашивает.

مودرچ. زنائیت. ای. سِپراشی وایت. نی وژدا. نی. زنائیت. ای. نی. سِپراشی وایت

Moudrets znāit e sprāshivāet nivezhdā ni znāit e ni sprāshivāet.

آنچه در دل است به زبان می آید.

Что у пьяного на уме то и на языке.

ایشئو. او. پیاؤ. نا. اومه. تو. ای. نا. یازغک

Ishto ou pyānovo nā oume to e nā yāzōke

Богат тот кто много знает. توانا بود هر که دانا بود.

Bāgāt tot kto mnogā znāit. باگات. توت. کئو. منوگا. زنائیت

Это титанический труд. کار حضرت فیل است.

Eto titānicheskiy troud. ائو. تیتانیچسکی. تروؤ.

От него нет никакого толка. آبی از او گرم نمی‌شود.

Āt nivo niet nikākovā tolkā آت. نیو. نیت. نیکا کووا. تولکا

Да будет он проклят! آتش به جانش باد.

Dā boudit on proklyāt! دا. بودیت. آن. پُرکلیات

Сердце к сердцу знает путь. دل به دل راه دارد.

Serdtsē k serdtsou znāit pout. سِرْدِجِه. ک. سِرْدِچو. زَنائیت. پوت

خواهان کسی باش که خواهان تو باشد.

Стремись к тому кто стремится к тебе.

سْتَرِمِیس. ک. تامو. کتو. سْتَرِمِیتسا. ک. تِبِه

Stremis k tānou kto stremitsā k tibe.

Он разболтался. آرواره‌اش گرم شده.

On rāzbāltālsā. آن. رازبالتالسَا

Он не стоит твоего мизинца. او انگشت کوچک تو نمی‌شود

On ni stoit tvāyevu miznitsā. آن. نی. سْتوئیت. توایو. میزنیتسا

غم روز ناآمده را نباید خورد.

Не следует печалиться о том что ещё ненаступило.

نی. سِلِدوئیت. پِچَالِیتسا. ا. توم. ایشْتو. ایشُو. نی. ناستوپِیلا

Ni sledouit pechālitsā o tom ishto ishyo nināstoupilā.

Пока не победишь, не отступай. تا پیروز نشوی از پا ننشین.

Pākā ni pābedish ni ātstoupāy. پا کا نی. پا بدیش. نی. آتستوپای

Поживём-увидим. فردا را کی دیده

Pāzhivom - ouvidim. پاژیویم. اوویدیم

Больше дела меньше слов. دو صد گفته چون نیم کردار نیست.

Bolshi delā, menshi slov. بولشی دلا. منشی. سلو.

توانا بود هر که دانا بود/ دانائی توانائی است.

Богат тот кто много знает.

Bāgāt tot kto mnogā znāit. باگات. توت. کتو. منوگا. زنائیت

عبارات و اصطلاحات مفید روزمره

Я бесконечно благодарен

یک دنیا متشکرم / بی نهایت سپاسگزارم

Yā beskānechnā blāgādāren

یا. بسکانهچنا. بلاگادارن.

От имени

به نیابت

Āt imeni

آت. ایمینی

Молодец/браво

آفرین / بارک الله

Mālādets/brāvo

مالادئس. براؤ!

Дай бог!

انشاءالله!

Dāy bog!

دای. بوگ!

Не дай бог!

خدا نکند!

Ni dāy bog!

نی. دای. بوگ!

То чего хочет бог!

ماشاءالله!

To chivo khochit bog!

تو. چیو. خوچیت. بوگ!



Бог знает!	الله أعلم!
Bog znāit!	بُوگ. زُنائیت!
Хвала богу!	سبحان الله!
Khvālā bogou!	خوالا. بُوگوا!
Слава богу!	الحمد لله!
Slāvā bogou!	سلاوا. بُوگا!
Прости боже!	استغفر الله!
Prāsti bozhe!	پراستی. بوژا!
Боже мой!	خدای من!
Bozhe moy!	بوژ. مُوی!



بسم الله الرحمن الرحيم

Во имя Аллаха, всемилостивого, милосердного

و. اِیْمِیَا. اَلَا خَا. وِسمِیلا سْتِیوْا. میلا سِرْدَنُوْا

Vo imyā Āllākhā, vse milāstivovā, milāserdnovā

С уважением	با تقدیم احترام
S ouvāzheniem	س. اوْواژْنِی یم
Глубокоуважаемый	جنای مُستطاب
Gloubokāouvāzhāemdy	گلو بُوکا نوْواژا نَمی
Пусть ваша слава будет вечной.	عزت عالی مُستدام باد.
Pous vāshā sālāvā boudit vechnoy.	پوش. وَاشا. سلاوا. بودیت. وِچْنوی

Молящийся за вас.

دعاگویی شما هستیم.

Mālyāshiysyā zā vās.

مالیاتشی سیا. زا. واس

С совершенным почтением

با احترامات فائقه

S sāvershennōm pāchteniem

س. ساورشتنم. پاچتنیم

Искренне ваш

مخلص شما

Iskrenne vāsh

ایسکرَن. واش

Подумай немного.

کنی تأمل کن. / قدری بیاندیش

Pādoumāy nimnogā.

پادومای. نیمنوگا

Ваша воля, как вам угодно

اختیار با شماست / اختیار دارید

Vāshā volyā, kāk vām ougodnā

واشا. وُلا. کاک. وام. اوگُدنا

Желаю вам успехов

موفقیت شما را آرزو دارم

Zhelāyuo vām ouspekhov

ژَلا یو. وام. اوسپخووَ

Мне стыдно

مرا شرم آمد / مرا عار آمد / برایم خجالت آور است

Mne stōdnā

منِه. ستعدنا

Мне грустно

غصه ام گرفت / غم گرفت

Mne groustnā

منِه. گروستنا

С богом

خداوند به همراهت

S bogom

س. بوگوم



В том деле может повезти и не повезти. این کار آید و نیامد دارد.

و. توم. دله. مورت. پاویزتی. ای. نی. پاویزتی

V tom dele mozhet pāvizti ee ni pāvizti

Будь что будет

هر چه بادا باد

Boud ishto boudit

بود. ایشو. بودیت

Хватит, кончай!

بس کن!

Khvātīt, kānchay!

خواتیت. کانچای!

Клянусь богом!

به خدا قسم!

Klyanous bogom!

کلینوس. بوگوم!

Клянусь жизнью

به جان خودم

Klyanous zhiznyou

کلینوس. ژیزنیو



Пикни только, я тебе покажу فقط صدایت در بیاد، پدرت را در می آورم

Pikni tolkā, yā tibe pākāzhou

پیکنی. تونکا. یا. تیبه. پاکازو

Я очень рад приезду

چشم شما روشن

Yā ochin rad priyezdou

یا. اچین. را. پری یزدو

С приездом

رسیدن بخیر

S priyezdom

س. پری یزدوم!

Не спорь со мной.

با من بحث مکن.

Ni spor sā mnoy.

نی. سپور. سا. مئوی

Что за довод!

این هم شد حرف!

Ishto zā dāvād!

ایشتو. زا. داواد!

Это моя вина.

خدمت از ماست.

Eto māyā vinā.

اِتو. مایا. وینا

Спасибо за помощь.

از کمکتان متشکرم

Spasibā zā pāmosh.

سپاسیبا. زا. پاموش

Благодарю вас за вашу милость.

سایه شما کم نشود.

Blāgādārou vās zā vāshou milast.

بلاگادارو. واس. زا. واشو. می لاست

Будьте здоровы

سلامت باشید

Boudte zdārovō

بودت. زدازووع

Добро пожаловать

خوش آمدید/قدم روی چشم

Dobro pāzhālovāt

دُبُرُو. پاژالووات

В моё отсутствие

در غیاب من

V māyo ātsoutstvie

و. مایو. آتسوتستویه

Допустим

فرض کنیم

Dāpoustim

داپوستیم

Что прикажете?

چه فرمایشی دارید؟

Ishto prikāzhíte?

ایشتو. پری کاژیه؟



Не стоит благодарностей

قابل ندارد/قابل نیست

Ni stoit Blāgādārbnostiy

نی. ستوئیت. بلاگاداژنوستی

От всего сердца!

از صمیم قلب!

Āt vsevo serdtsā!

آت. وُسُو. سِرْدَتْسَا!

У меня сердце прыгает от радости.

در دلم قیل و قال است.

او. مینیه. سِرْدَتْسِه. پَرِغَکَیْت. آت. رَاْدُستِی

Ou minya serdtse prǎgāet āt rādosti.

Шутки в сторону!

شوخی به کنار!

Shoutki v storonou!

شوئکی. ژ. ستورَنو!

Ненавижу лживых людей.

از اشخاص دروغگو نفرت دارم.

Nināvizhou lzhiṽǎkh loudey

نی ناویژو. لژیوئخ. لودی

Приятного аппетита

نوش جان

Priyātnāvo āppetitā

پِرِئِ یا تَنّاو. آپِتیتا

Жил-был...

یکی بود، یکی نبود

Zhil-bǎl....

ژیل. بَعل

Бог даст, я вас ещё увижу. خداوند قسمت کند، بار دیگر شما را ببینم.

Bog dāst, yā vās ishyo ouvizhou.

بُوگ. دَست. یا. واس. ایشیو. اوویژو

Да хранит вас бог!(до свиданья)

خدا نگه دارتان (خداحافظ)!

Dā khrānit vās bog!(Do svidānyā)

دا. خُرَانِیت. واس. بُوگ! (دا. سی ویدانیا)



Дарить на память

برسم یادگار بخشیدن

Dārit nā pāmyāt

داریت. نا. پامیات

У меня плохая память

حافظه‌ام ضعیف است.

Ou minya plākhāyā pāmyāt.

او. مینیه. پلاخایا. پامیات

Если мне не изменяет память.

اگر درست خاطر من باشد.

Yesli mne ni izmenyāet pāmyat.

یسلی. منه. نی. ایزمنیاتیت. پامیات

Выучить на память, наизусть

از برکردن / حفظ کردن

Vdouchit nā pamyat, nāizoust

وگوچیت. نا. پامیات. نا. یزوست

Знать, помнить

از حفظ داشتن

Znāt, pomnit

زناث. پومنیت



دستور زبان

Личные местоимение

Lichnæ mestoimenie

Местоимения

Mestoimeniyā

Я

Уа

Ты

Тə

Он

Он

Она

Ана

Оно

ضمير شخصی

لِیَجْنِیْهِ مِسْتَوِیْمَنِیْهِ

ضمائر

مِسْتَوِیْمَنِیَا

من

یا

تو

نَع

او(مذکر)

أَنْ

او(مؤنث)

آنا

او(خنثی)



Ано

آنو

Мы

ما

Мѳ

منع

Вы

شما

Ѳѳ

فوع

Они

آنها

Ани

آنی



دستور زبان

Притяжательное местоимение ضمير ملكي

Prityazhatelnoe mestoimenie پريتياژاتلنوويه مِستوئيمينيه

مفرد و جمع (مذكر)

Мой

مال من

Мой

مویی

Твой

مال تو

Твой

تویی

его

مال او

Его

یوؤ

Наш

مال ما

Наш

ناش



Ваш

مال شما

Vāsh

واش

Их

مال آنها

Ikh

ایش

مفرد و جمع (مونث)

Моя

مال من

Māya

مایا

Твоя

مال تو

Tvāyā

توایا

её

مال او

Yeyo

ییو

Наша

مال ما

Nāshā

ناشا

Ваша

مال شما

Vāshā

واشا

Их

مال آنها

Ikh

ایش



مفرد و جمع (خنثی)

Moë	مال من
Māyo	مائیو
Tvoë	مال تو
Tvāyo	تواییو
Наше	مال ما
Nāshe	ناش
Ваше	مال شما
Vāshe	واش
Их	مال آنها
Ikh	ایخ



جمع (مذکر، مؤنث، خنثی)

Мои	مال من (مذکر، مؤنث، خنثی)
Māi	مائی
Твои	مال تو (مذکر، مؤنث، خنثی)
Tvāi	توایی

его	مال او (مذکر)
Yevo	یوُ
ее	مال او (مونث)
Yevo	ییو
Наши	مال ما (مذکر، مونث، خنثی)
Nāshi	ناشی
Ваши	مال شما (مذکر، مونث، خنثی)
Vāshi	واشی
Их	مال آنها (مذکر، مونث، خنثی)
Ikh	ایخ



ضمیر ملکی: СВОЙ



СВОЙ

خود، از آن خویش

Svoy

سُوی

توضیح: ضمیر ملکی СВОЙ وابستگی و تعلق چیزی را به اول شخص، دوم شخص یا سوم شخص نشان می‌دهد ضمیر СВОЙ به مفهوم وابستگی و تعلق، معمولاً در حالت فاعلی به کار برده نمی‌شود.

توجه: گاه این ضمیر در حالت فاعلی، اما به مفهوم دیگری به کار می‌رود. به عنوان مثال:

Это свой человек

این شخص خودی است.

Etā svoy chelāvek

اِتا. سُوی. چلاوِک

СВОЙ در اینجا به معنی غریبگانه و آشنا است.

Указательное местоимение

ضمير اشاره

Oukazatelnoe mestoimenie

اوکازاٹلنوئیہ . مِسْتُو ئِیْمَنِیہ

مفرد

Этот

این (مذکر)

Etot

اُتود

Это

این (خنثی)

Eto

اُتو

Эта

این (مؤنث)

Etā

اِتا

Тот

آن (مذکر)

Tot

توت

To

آن (خنثی)

To

تو



Ta	آن (مؤنث)
Tā	تا
Takoy	این نوع، چنین، (مذکر)
Tākoy	تا کوی
Takaya	این نوع، چنین، (مؤنث)
Tākāyā	تا کایا
Von tot	همان
Von tot	وَن توت
Takoe	این نوع (خنثی)
Tākoye	تا کویِه
Zdes	اینجا
Zdes	زُدِس
Vontam	آنجا
Von tām	وَن تام



جمع

Эти	این (مذکر، مؤنث، خنثی)
Eti	اِتی

Te

آن (مذکر، مونث، خنثی)

Te

تِ

Такие

این نوع، چنین (مذکر، مونث، خنثی)

Tākie

تاکیه



Стохько

ضمیر اشاره:

Столько

آنقدر، اینقدر، این همه

Stolkā

سُتولکا



توضیح: ضمیر اشاره Столько به کمیت اشیاء و شمار کسان اشاره دارد و جایگزین عددهای اصلی می‌شود، پس از این ضمیر اسمها در حالت فاعلی و مفعولی بیواسطه که همسان با حالت فاعلی است، به حالت اضافه نیاز دارند. به عنوان مثال:

او دو بسته کاغذ آورده است. من نیاز به اینقدر کاغذ ندارم.

Он принёс две пачки бумаги. Мне не нужно столько

бумаги. کاربرد چند نمونه ضمیر اشاره در جمله:

Этот дом

این خانه

Это здание

این ساختمان

Эта улица

این خیابان

Кто не работает, тот не ест.

آنکه کار نمی‌کند، نمی‌خورد.

Я принёс то, что ты просил. آنچه را که درخواست کرده بودی آوردم.

Здесь нет такой бумаги

در اینجا چنین کاغذی موجود نیست.

В городе есть такая ручка

اینچنین قلمی در شهر موجود است.

Возвратное местоимение

Vazvratnoe mestoimenie

ضمیر انعکاسی

از رُز راتنویه مَسْتُو تِیمِنیه

(مفرد و جمع، مذکر و مؤنث)

СЕБЯ

خود

Sibya

خودتان

مگر در جمله‌ای کاری بر کسی یا بر شیئی واقع شد که آن کس یا شیئی نقش
مفعول را بر خود گرفتند و در معنی فارسی با نشانه مفعولی (را) همراه بودند Себя به
خود گرفتند. مگر کس یا شیئی در جمله حالت مفعول را به خود نگرفتند و در معنی
خود را به حرف اضافه (برای) همراه بودند ضمیر از شکل Себя به Себе تغییر
یافت. به عنوان مثال:

Я вижу себя в зеркале

من (م) را در آینه می‌بینم

من، مؤنث (خود) را در آینه می‌بیند.

Он(она) видит себя в зеркале

Ты купил себе книгу

تو برای خود (ت) کتاب خریدی

توضیح: ضمیر Себя از نظر مذکر یا مؤنث تفاوتی ندارد، همچنین از لحاظ مفرد یا جمع نیز تغییرپذیر نمی باشد. به عنوان مثال:

Они видят себя в зеркале

آنها خود (شان) را در آینه می بینند.

Как вы себя чувствуете?

خود (تان) را چگونه حس می کنید؟



Определительное местоимение

ضمير توصیفی

Opredelitelnoe mestoimenie

آپریڈیلٹلٹو یہ مِسْتَوِیْمَیَہ

الف: اشکال مختلف ضمیر Сам

Сам

خود، خودم، خودش، خودت (مذکر)

Сām

سام

Сама

خود، خودم، خودش، خودت (مؤنث)

Сāma

ساما

Само

خودش، خود او (خنثی)

Сāmo

سامو

Сами

خودمان، خودتان، خود شما، خودشان (جمع مذکر، مؤنث، خنثی)

Сāmi

سامی



ب: ضمیر توصیفی Самый



Самый

Samdy

خود، همین، همان، درست؛...ترین

سامعی

ضمیر توصیفی Самый و کاربردهای آن در اشکال مختلف

Самую , Самые , Самой , Самое , Самая

۱ - ضمیر Сам با شخص پیوند دارد که به تنهایی، و بدون کمک و یاری شخص دیگری عملی را انجام دهد. به عنوان مثال:

Он сделал это сам او خودش این را انجام داد. (یعنی به تنهایی)

Сам директор приказал. خود مدیر دستور داده است.

Она сама это знает. او خودش این را می‌داند.

۲ - ضمیر Сам به همراه ضمیر انعکاسی Себя به کار برده می‌شود.

Ты сам себе плохо знаешь. تو خودت، خودت را خوب نمی‌شناسی.

و ضمیر Самый با ضمیرهای Этот (این) و Тот (آن) به مفهوم (درست) همین، خود این، (درست) همان، خود آن بکار می‌رود. به عنوان مثال:

این (درست) همان کتابی است که درباره‌اش با تو صحبت کرده بودم.

Эта та самая книга, о которой я тебе говорил

Эти самые лучшие ученики. اینها بهترین دانش‌آموزان هستند.

امروز بهترین دانش آموز نیست.

Сегодня нет самой лучшей ученицы.

سخت ترین کار را به او سپردند. Ему поручили самую трудную.

ج: ضمیر توصیفی **Весь** و کاربرد در اشکال مختلف آن (Всей, Все, Всё, Вся)

Весь

همه، همه، تمام، هر چیز، هر کس

Ves

وِس



۱ - همراه با اسم، وابسته اسم شمرده می شود و در جنس، تعداد و حالت با اسم

توصیف شده (موصوف) یکسان می باشد. به عنوان مثال:

همه انسانهای مهربان از صلح حمایت می کنند.

Все люди доброй воли выступают за мир

این دانشمندان را همه کشور می شناسند.

Этого учёного знают вся страна.

Всё человечество

تمامی بشریت

Весь народ

همه مردم

۲ - بدون اسم، این ضمیر تنها در جنس خنثی در جمله فاعل یا مفعول به شمار می آید.

На собрание пришли все

همه به جلسه آمدند.

Я доволен всем

من از همه چیز خرسندم.

Спасибо вам за всё

از شما به خاطر همه چیز متشکرم.

۳- ضمیر **Весь** در این عبارتها به کار می‌رود:

Прежде всего

بیش از هر چیز، بیش از هر کار دیگر.

یکسان است، فرقی نمی‌کند، تفاوتی ندارد، اهمیتی ندارد، با وجود این، با این همه،

Всё равно

Во весь голос

با آواز بلند، با صدای رسا.

د: ضمیر توصیفی: **Каждый**

Каждый

هر، هر یک، هر کدام، هر کس، همه کس.

Kāzhdōy

کاژدی

ضمیر **Каждый** و کاربرد در اشکال مختلف آن:

(Каждую, Каждые, Каждая, Каждое)

۱- این ضمیر همراه با اسمهایی که شکل مفرد دارند می‌آید.

Каждый человек

هر شخص (پسر)

Каждая студентка

هر دانش‌آموز (دختر)

Каждое слово

هر واژه (ای)

۲- این ضمیر همراه با اسمهایی که شکل جمع دارند می‌آید.

Она приезжала каждые сутки

او هر شبانه‌روز می‌آمد.

۳- این ضمیر همراه با عبارت‌های اسمی که دارای عددهای اصلی باشند به کار می‌رود.

ما هر روز یکبار دیدار می‌کردیم.. **Мы встречались каждые два дня.**
توجه مهم: ضمیر **Каждый** با اسامی که نشانگر قید زمان هستند و بدون پیشوند به کار می‌رود.

Каждое утро

هر بامداد

Каждую зиму

هر زمستان

Каждый день

هر روز

Каждый год

هر سال



ضمیر توصیفی: **ЛЮБОЙ**

Любой

هر کدام، هرکس، هر یک، هر

Louboy

لوُبوی

ضمیر **Любой** برای انتخاب چیزی از میان شماری از اشیاء یکسان که نسبت به انواع دیگر برتری داده می‌شود (یعنی مناسبتر و پسندتر از چیزهای دیگر است.) به عنوان مثال:

هر کتابی را که می‌پسندی می‌توانی برداری

Ты можешь взять любую книгу которая тебе нравится



ضمیر توصیفی: ВСЯКИЙ

Всякий هر گونه، همه، هر، گوناگون، مختلف، متنوع.

Vsyakiy وُسیکی

Всякая, Всякие این ضمیر و کاربرد در اشکال مختلف آن
در رودخانه ما ماهیهای مختلف (همه گونه ماهی) دیده می شود.

В ношей реке водится всякая рыба

Он читал всякие книги او کتابهای مختلفی می خواند

او قصه های جالب و متنوع تعریف می کرد.

Он рассказывал всякие интересные истории

توجه: گاه ضمیرهای Любой، каждый و Всякий به عنوان اسم به کار می روند
و در جمله نقش فاعلی یا مفعولی دارند.

Что волки жадны, всякий знает. همه می دانند که گرگها آزمندند.

У каждого был билет همه بلیت داشتند.

Вопросительное местоимение ضمیر پرسشی

Vaprositelnoe mestoimenie

واپرسیتلنویه میستوئیمنیه

Кто?

که؟ چه کسی؟

Kto?

کتو؟

Что?

چه؟ چه چیزی؟

Ishto?

ایشتو؟

Какой?

چه؟ کدام؟

Kākoу?

کا کوی؟

Чей?

از آن که؟ مال که؟ که؟

Chey?

چی؟

Который?

کدامیک؟ کدام؟ چندمین؟ چندم؟ چند؟

Kātorōу?

کا توری؟

Сколько?

چقدر؟ چند؟ چندتا؟

Skolkā?

سکولکا؟





الف: ضمیرهای پرسشی: Кто? و Что?

۱ - این دو ضمیر دارای جنس و تعداد نمی‌باشند. واژه‌هایی که در جمله با این دو ضمیر پیوند یافته‌اند در شمار مفرد به کار می‌روند. به عنوان مثال:

Кто идёт? چه کسی می‌آید؟

Что виднеется вдали? از دور چه چیزی نمایان است؟

۲ - کلمات پیوند یافته با ضمیر Кто? در جنس مذکر به کار می‌روند:

Кто готов? چه کسی آماده است؟

Кто пришёл? چه کسی آمد؟

۳ - کلمات پیوند یافته با ضمیر Что? در جنس خنثی به کار می‌روند:

Что случилось? چه اتفاقی افتاده؟ چه روی داده؟ چه خبر شده؟

(در اینجا چه اتفاقی افتاده؟) (در اینجا چه پیش آمده؟)

Что произошло здесь?

شکلهای مختلفی را که در یک جمله ضمیر Кто? به کار می‌روند عبارتند از:

Кого? کی را؟ چه کسی را؟

Кāvo? کاو؟

Кому? به کی؟ به چه کسی؟

Кāmou کامو

Кем? چه کسی؟

Kem?	کِم؟
Что?	شکل‌های مختلفی را که در یک جمله، ضمیر
Чего?	چه چیز؟ چه چیزی را؟
Chevo?	چُو؟
Чему?	به چه؟ به چه چیزی؟
Chemou?	چَمو؟
Чем?	چه چیزی؟
Chem?	چَم؟



ب: ضمیر پرسشی Чей?

این ضمیر در جنس، تعداد و حالت با اسامی خود همسانی دارد.
واشکال مختلف آن که در جمله به کار می‌روند عبارتند از:

Чью? , Чьей? , Чьё? , Чья?

Chyou? , Chey? , Chyo? , Chyā?

Чьи? , Чьему? , Чьего?

Chi? , Chemou? , Chevo?

Чей учебник?	(کتاب درسی) چه کسی؟
Чьё письмо?	(نامه) چه کسی؟
Чья книга	(کتاب) چه کسی؟

Чьи книги?

(کتابهای) چه کسی؟

Чьей книге

(کتاب) چه کسی؟



ج: ضمیرهای پرسشی **Какой** و **Который**

این ضمیرها در جنس، شمارش و حالت با اسمهای خود یکسان می باشند و همانند صفتها صرف می شوند و اشکال مختلف ضمیر **Какой** در جملات عبارتند از:

Какая?

Какое?

Какие?

Kākāyā?

Kāкое?

Kākie?

که همگی مفهوم و معنای (چه؟ کدام؟) را می دهند. به عنوان مثال:

Какой театр?

کدام تئاتر؟

Какая женщина?

کدام زن؟

Какое письмо?

کدام نامه؟

Какие деньги?

کدام پول؟

همچنین ضمیر پرسشی **Который**

Который месяц вы занимаетесь языком?

چند ماه / چندین ماه است که (شما) زبان کار می کنید؟

د: ضمیر پرسشی **Сколько**؟

این ضمایر همانند صفت در شمار جمع صرف می شود. این ضمیر در حالت فاعلی نیاز به حالت اضافه اسمی دارد.

Сколько людей?

چند نفر / چقدر آدم؟

Сколько время?

ساعت چند است؟

Сколько раз?

چند دفعه؟

Сколько воды?

چند مقدار / چه اندازه آب؟



Отрицательные местоимение

Atritsatelnoye mestoimenie

ضمير منفي

آتریتساتلنویه میستوئیمینییه

Никакой

هیچ، هیچ گونه

Nikākoу

نی کا کوئی

Ничто

هیچ، هیچ چیز

Nichto

نیچتو

Никто

هیچکس

Nikto

نیکتو

Некого

هیچکس، کسی نیست

Nikāvo

نی کاو

Ничей

از آن هیچکس، مال هیچکس

Nichey

نی چی

Нечего

چیزی نیست، هیچ چیز

Nichivo

نی چیو



توضیحات: ضمیرهای منفی، مانند ضمیرهای پرسشی همپیوند با خود صرف می‌شوند.

الف: در جمله‌هایی که دارای ضمیرهای منفی **Никто**, **Ничто**, **Никакой**, **Ничей** هستند، پیش از جمله و بعد از ضمیر همواره حرف نفی **Не** می‌گیرند. برای نمونه:

Никто не ответил на мой вопрос. هیچ کس به سؤال من پاسخ نداد.
Его ничто не интересует. هیچ چیز توجه او را جلب نمی‌کند.
 هیچ گونه بازدارنده‌ای جلوی حرکت پیشرونده ما را نمی‌گیرد.

Никакие препятствия не остановят нашего движения вперёд.

او نصیحت هیچکس را گوش نکرد. **Она не слушала ничьих советов.**
 ب. ضمیرهای **Никто** و **Ничто** در جمله بیشتر به عنوان فاعل و مفعول به کار می‌روند. به عنوان مثال:

Никто не ответил на мой вопрос. هیچ کس به پرسش من پاسخ نداد.
 هیچ چیز مانع درس خواندن او نیست.

Ничто не мешает ему заниматься

همچنین ضمیرهای: **Ничей**, **Некого** و **Нечего** در جملاتی مانند:

Ему не нужна ничей помощи. او به کمک‌های هیچ کس نیازی ندارد.

توجه: در این جمله ضمیر **Ничей** به عنوان وابسته اسم به کار رفته است.

من هیچ کس را در راه آمدن به اینجا ندیدم

Я никого не видел по дороге сюда.

Ему нечего читать.

او چیزی (را) برای خواندن ندارد

کسی نیست بدنبال (برای تهیه) بلیط سفر برود.

Некого послать за билетами

توجه هشتم: ضمیرهای **Некого** و **Нечего** حالت فاعلی ندارند و از ضمیرهای

پرسشی به کمک کلمه منفی **Не** ساخته می شوند.



ضمير نامعین

Неопределённое местоимение

Niapedelyonnoe mestoimenie

نی آپر دلیو نو یه مستوئیمنیه

Кто-то

کسی، یک کسی

Kto-tā

کتر - تا

Что-то

چیزی، یک چیزی

Ishto-tā

یستو - تا

Какой-то

یک...ی، یک...ی

Kākoy - tā

ک کوی - تا

Чей - то

ز ان / مال کسی، ...کسی / شخصی

Chey - tā

چی - تا

Кто -нибудь

یہ کسی، کسی

Kto - niboud

کتر - نی بود



Что -нибудь	یک چیزی، چیزی
Ishto - niboud	ایشتو - نی بود
Какой -нибудь	یک... ی، یک... ی
Kākoу - niboud	کا کوئی - نی بود
Чей-нибудь	مال کسی، از آن کسی / شخصی
Chey - niboud	چی - نی بود
Кто - либо	یک کسی، کسی
Kto - libo	کتو - لی بو
Что - либо	یک چیزی، چیزی
Ishto - libo	ایشتو - لی بو
Какой - либо	یک... ی، یک... ی
Kākoу - libo	کا کوئی - نی بود
Чей - либо	از آن / مال کسی،... کسی / شخصی
Chey - libo	چی - لی بو
Кое - что	یک چیزی / چیزهایی، بعضی چیزها
Koe - ishto	کوی - ایشتو
Кое - кто	یک کسی / کسانی، برخی اشخاص، بعضی ها، چند نفری
Koe - kto	کوی - کتو
Кое - какой	بعضی، یک... ی
Кое - kākoу	کوی - کا کوئی



Некто

کسی، شخصی، یک نفر، یکی

Nikto

نیکُتو

Нечто

یک چیزی، چیزی

Nishto

نیشُتو

Несколько

چند، چندتا

Niskolkā

نِسکُولکا

Некоторый

یک...ی، شخصی،..... نامی

Nikātorūdy

نِی کاتُورِی



ضمیرهای نامعین همراه با کلمات To ، Либо ، Нибудь ، - Кое همانند
ضمیرهای بدون این کلمات صرف می شوند مانند:

Кого - Нибудь ، Кому - Нибудь ، с Кем - Нибудь

کلمات همراه با ضمیرهای نامعین، همواره با خط پیوند نوشته می شوند ادوات To ، -
Либо ، - Нибудь در پایان واژه و کلمه - Кое در آغاز واژه جای می گیرند.

هرگاه ضمیرهای دارای کلمه - Кое با برخی واژه ها به کار روند. آنگاه این واژه ها
پس از این نوع کلمات جای می گیرند. و خط پیوند (-) نوشته نمی شوند. برای مثال:

Он рассказал кое о чём.

او از چیزهایی نقل کرده است.

Он говорил кое с кем.

او با کسانی گفتگو کرده است.

ضمیرهای نامعین همراه با کلمات To - و Нибудь -

کاربرد این ضمیرها بدین قرار است:

۱ - ضمیرهای همراه با کلمه **То** - هنگامی به کار می‌روند که سخن از شخص یا چیزی در میان است که تنها برای گوینده ناشناخته و نامفهوم است، اما ممکن است برای دیگران معین و شناخته باشد برای مثال:

Кто-то тихо постучал в дверь. کسی آهسته به در زد.

مفهوم جمله فوق این است که شخص معین به در زده است اما گوینده نمی‌داند این شخص کیست. یا به عنوان یک مثال دیگر.

Что-то с шумом упал на пол. چیزی با سروصدا بر کف افتاد.

۲ - ضمیرهای همراه با کلمه **Нибудь** - یا **Либо** - هنگامی به کار می‌روند که سخن از شخص یا چیزی در میان است که به کلی برای ما ناشناخته است؛ بدین معنی که از شخصی یا چیزی سخن می‌رود که هم برای گوینده و هم برای دیگران ناشناخته است. چند مثال:

Позови кого-нибудь. کسی را (یک نفر را) صدا بزن.

(در این جمله فرقی نمی‌کند هر کسی را که صدا بزنی).

Дайте мне что-нибудь почитать. چیزی برای خواندن به من بدهید.

در این جمله نیز فرقی نمی‌کند هر چیزی که خواندنی باشد، بدهی.

اگر کسی آمد مرا صدا بزنید.

Если кто-нибудь придёт, позовите меня

(در این جمله مهم نیست چه کسی باشد).



ضمیرهای نامعین همراه با کلمه - Кое

ضمیرهای همراه با کلمه **кое** (- **кой**) هنگامی به کار می‌روند که در جمله سخن از موضوعی می‌رود که بر خود گوینده شناخته، اما برای مخاطب وی ناشناخته باشد.

مانند:

من می‌خواهم برای تو درباره چیزی نقل کنم.

Я хочу рассказать тебе кое о чём

(در این جمله گوینده می‌داند درباره چه موضوعی می‌خواهد صحبت کند اما مخاطب وی از آن آگاهی ندارد.)

ضمیرهای همراه با کلمه - кое را می‌توان به معنی (برخی، پاره‌ای، بعضی) نیز به کار برد. به عنوان مثال:

او با بعضی از رفقاییش دیدار کرد.

Он встретил кое-кого из своих товарищей

ضمیرهای نامعین НЕКИЙ ، НЕЧТО ، НЕКТО НЕСКОЛЬКО ، НЕКОТОРЫЙ

۱ - ضمیرهای Некто و Нечто تنها در حالت فاعلی و مفعول بی‌واسطه که با حالت فاعلی یکسان است به کار می‌روند.

قابل ذکر است که ضمیر Нечто خنثی بوده و همواره با وابسته اسم به کار می‌رود. به عنوان مثال:

Случилось нечто удивительное چیزی شگفتی روی داده است.

Я вижу нечто неопределённое چیز مبهمی می‌بینم.

و ضمیر Некто تنها در حالت فاعلی و پیش از نامهای مردان و زنان به کار می‌رود.

Пришёл некто иванов. کسی به نام ایوانف آمده است.

Пришла некто иванова. کسی به نام ایوانووا آمده است.



۲- ضمیر **Некий** از نظر جنس، تعداد، و حالت تغییر پذیر بوده و در جمله وابسته اسم است. اما در حالت‌های دیگر کمتر به کار می‌رود.

Приехала некий художник. هنرمندی آمده است.

۳- ضمیر **Некоторый** همانند صفت صرف می‌شود و در جمله به عنوان وابسته اسم به کار می‌رود، به عنوان مثال:
من با برخی از دانشجویان گفتگو نمودم.

Я говорил с некоторыми студентами.

زمانی چند همه ساکت شدند / دم فرو بستند.

Некоторое время все молчалм

۴- ضمیر **Несколько** به کمیت نامعینی از اشیاء و اشخاص اشاره دارد. این ضمیر در حالت فاعلی و مفعول بی‌واسطه همانند با حالت فاعلی، به حالت اضافه اسمی جمع نیاز دارد. برای مثال:

Он принёс несколько книг.

او چندتا کتاب آورد.



Прилагательное

Prilagatelnoye

صفت

پری لاگاتیلنویه

صفت کلمه‌ای است که اسم را توصیف می‌کند و صفات در زبان روسی از نظر جنس، تعداد و حالت مختلف می‌باشند.

انواع صفت از نظر جنس به شرح و صرف زیر می‌باشند.

مذکر	مؤنث	خنثی
<p>کدام؟ چه نوع؟ Какой?</p> <p>- ый , - ой , - ий</p> <p>Новый(дом)</p> <p>(خانه) جدید</p> <p>Молодой</p> <p>(дуб)</p> <p>(بلوط) جوان</p> <p>Лёгкий</p> <p>(текст)</p> <p>متن ساده/آسان</p>	<p>کدام؟ چه نوع؟ Какая?</p> <p>- ая , - яя</p> <p>Новая(дорога)</p> <p>(جاده / راه) جدید</p> <p>Молодая</p> <p>(сосна)</p> <p>(صنوبر) جوان</p> <p>Лёгкая</p> <p>(задача)</p> <p>(مسئله) ساده/آسان</p>	<p>کدام؟ چه نوع؟ Какое?</p> <p>- ое , - ее</p> <p>Новое(здание)</p> <p>(ساختمان) جدید</p> <p>Молодое</p> <p>(дерево)</p> <p>(درخت) جوان</p> <p>Лёгкое</p> <p>(упражнение)</p> <p>تمرین ساده/آسان</p>

зимний	зимняя	зимнее
(День)	(ночь)	(утро)
(روز) زمستانی	(شب) زمستانی	(صبح) زمستانی
Хороший	Хорошая	Хорошее
(ответ)	(работа)	(сочинение)
پاسخ خوب / نیکو	(کار) خوب	(انشای) خوب
Большой	Большая	Большое
(успех)	(победа)	(достижение)
(موفقیت) بزرگ	(پیروزی) بزرگ / چشمگیر	(کامیابی) بزرگ

توضیح دربارهٔ گوناگونی صفت. (مفرد و جمع)

در جمع بستن اسامی همراه با صفت‌ها برای هر سه جنس مذکر، مونث و خنثی پسوند **-ые** یا **-ие** به کار می‌روند به عنوان مثال:

Новый Дом خانه‌های جدید Новые Дома
Новая Дорога راه جدید Новые Дороги راه‌های جدید
Новое Здание ساختمان جدید Новые Здания ساختمان‌های جدید

و یا

Зимний день روز زمستانی Зимние дни روزهای زمستانی
Летняя ночь شب تابستانی Летние ночи شب‌های تابستانی
Зимнее утро صبح زمستانی Зимние утра صبح‌های زمستانی
صفت‌ها در زبان روسی از نظر مفهوم به دو دسته توصیفی و نسبی تقسیم می‌شوند:
الف: صفت‌های توصیفی به ویژگی‌ها و خصوصیات اشاره دارند که به درجات مختلف (بزرگ یا کوچک / بزرگتر یا کوچکتر) در تمام ابعاد یافت می‌شوند. به عنوان مثال:

این خانه بزرگی است، اما آن خانه باز هم بزرگتر است.

Это большой дом , а тот дом ещё больше

اینک باد سرد است (باد سردی می‌وزد) اما شب هنگام باز هم سردتر خواهد شد.

Сейчас ветер холодный, а вечером он будет ещё

холоднее

ب: صفت‌های نسبی به ویژگی‌ها و خصوصیات اشیاء اشاره دارند و نسبت شیئی را با شیء دیگر در ابعاد و مقاطع مختلف زمانی مکانی و غیره نشان می‌دهند. به عنوان مثال:

Дом из камень

خانه ساخته شده از سنگ

Каменный дом

خانه سنگی

Сарай из дерево

انبار ساخته شده از چوب

Деревянный сарай

انبار چوبی

و یا در نسبت شیئی که از آن کسی است می‌توان این مثال را آورد:

Мина Книга (Книга Мины)

کتاب مینا

Отцовская библиотека (библиотека отца)

کتابخانه پدر

و همچنین نسبت زمان و مکان کاری را می‌توان گفت:

Отпуск на месяц

مرخصی برای یکماه

Месячный отпуск

مرخصی یکماهه

Транспорт в городе

حمل و نقل در شهر

Городской транспорт

حمل و نقل شهری



درجه‌های سنجشی صفت:

در زبان روسی درجه‌های سنجشی تنها از صفتهای توصیفی ساخته می‌شوند و صفتهای نسبی درجه‌های سنجشی ندارند. صفتهای توصیفی دارای دو درجه سنجشی هستند:



الف: درجه برتری (تفضیلی) ب: درجه برترین (عالی)

الف: شیوه ساختن صفتهای برتر.

صفتهای برتر به دو گونه ساده و مرکب به کار برده می‌شوند:

درجه برتری ساده را به کمک پسوندهای E - و (Ей - ЕЕ) - به شیوه‌های زیر می‌سازند:

۱ - به کمک پسوند (Ей - ЕЕ) - به عنوان مثال:

Сильный	نیرومند	برتری →	Сильнее(Сильней)	نیرومندتر
Светлый	روشن		Светлее(Светлей)	روشن‌تر
Полезный	سودمند		Полезнее(Полезней)	سودمندتر
Красивый	زیبا		Красивее(Красивей)	زیباتر

۲ - به کمک پسوند E -

نکته: صفتهایی که دو حرف ماقبل آخر آنها دارای حروف Г، К، Х، Д، Т، С هستند با آوردن پسوند E - درجه برتری ساخته می‌شود. به عنوان مثال:

Дорогой	گرامی، گران	برتری →	Дороже	گرامی‌تر، گرانتر
Крепкий	محکم		Крепче	محکمتر
Тихий	آرام		Тише	آرامتر
Молодой	جوان		Моложе	جوانتر

دارا **Богатый** دارا تر **Богаче**
 تمیز **Чистый** تمیزتر **Чище**
نکته ۸۸: برای ساختن درجه برتر در پاره‌ای از صفات، شکل کلمه بکلی تغییر می‌یابد به عنوان نمونه:

بد Плохой	برتری →	بدتر Хуже
خوب Хороший		خوبتر Лучше
کوچک Маленький		کوچکتر Меньше

همچنین درجه برتری صفت‌های **Большой** (بزرگ)، **Поздний** (دیر)، **Сладкий** (شیرین، لذیذ)، **Глубокий** (ژرف - عمیق) به ترتیب زیر می‌باشند:
Слаще (شیرین‌تر) **Позже** یا **Позднее** (بزرگتر) **Больше**
Глубже (ژرف‌تر - عمیق‌تر)

نکته ۸۹: صفت‌های برتر را می‌توان به همراه پیشوند **По** (کمی، اندکی، قدری) به کاربرد مانند:

کمی گرانتر **Подороже** و یا کمی بیشتر **Побольше**

درجه برتری مرکب را می‌توان اینگونه توضیح داد که در پاره‌ای از صفت‌های توصیفی نمی‌توان به کمک پسوندها درجه برتری ساخت مانند صفت‌هایی از قبیل:

دوستانه Дружеский	زود، زودرس Ранний
کاری، بازرگانی Деловой	زیادی، اضافی Лишний
جلو، مقدم، پیشقدم Передовой	مغرور Гордый
رزمی، پیکارگر Боевой	همگانی Массовый
خسته Усталый	تلخ Горький

این گونه صفتها به کمک واژه یا پیشوندهای **Более** (بیشتر، تر) یا **Менее** (کمتر، کمی) درجه برتری مرکب ساخته می‌شوند. مانند:

Более ранний بسی زودتر Менее ранний کمی زودتر

Более дружеский بیشتر دوستانه / دوستانه‌تر

Менее массовый کمتر همگانی

و همچنین در جملات می‌توان ذکر کرد:

این کتاب جالبتر از آن یکی است.

Эта книга более интересна , чем та

کوههای قفقاز بلندتر از (کوههای) اورال است.

Кавказские горы более высокие чем уральские

ب: شیوه ساختن صفتهای برترین

صفتهای برترین به دو گونه ساده و مرکب به کار برده می‌شوند:

درجه برترین ساده را به کمک پسوندهای **-АЙШ-** یا **-ЕЙШ-** که در میان

صفت قرار می‌گیرد ساخته می‌شوند. به عنوان مثال:

Великий $\xrightarrow{\text{برترین}}$ Величайший
عظیم / کبیر عظیم‌ترین

Сильный $\xrightarrow{\text{برترین}}$ Сильнейший
نیرومند نیرومندترین

۱- به کمک پسوند **-АЙШ-** در صفتهایی که دو حرف ماقبل آخر آنها دارای حروف

Х , К , Г هستند با آوردن این واژه به جای این حروف درجه برترین ساخته می‌شود

به عنوان مثال:

Строгий $\xrightarrow{\text{برترین}}$ Строжайший
سختگیر سختگیرترین

Высокий $\xrightarrow{\text{برترین}}$ Высочайший
بلند بلندترین

آرامترین **Тихайший** ساکت / آرام **Тихий**

۲ - به کمک پسوند **- ЕйШ** - نیز درجه برترین ساده ساخته می شود به عنوان مثال:

زیباترین **Красивейший** $\xrightarrow{\text{برترین}}$ زیبا **Красивый**
نوترین / جدیدترین **И**

نو / جدید **Новый** **Новейши**

۳ - همچنین پاره ای از صفتها به کمک پسوند **- Ш** - درجه برترین ساخته می شود. به عنوان مثال:

خوبترین / بهترین **Лучший** $\xrightarrow{\text{برترین}}$ خوب **Хороший**

بدترین **Худший** بد **Плохой**

کوچکترین **Меньший** کوچک **Маленький**

درجه برترین مرکب را می توان به کمک ضمیر **Самый** (ترین) از همه صفتهایی را که حالت توصیفی دارند ساخت. مانند:

خوبترین **Самый хороший** شجاعترین **Самый смелый**

توضیح اینکه کاربرد درجه برترین مرکب بیش از درجه برترین ساده است گاه برای ساختن صفت برترین مرکب به جای ضمیر **Самый** از واژه **Наиболее** (ترین) نیز می توان استفاده نمود. به عنوان مثال:

جالبترین **Наиболее интересный**

جوانترین **Наиболее молодой**

همچنین درجه برترین مرکب را می توان از پیوند ضمیر **Все** به صفت ساخت:

جالبترین همه / جالبتر از همه **Интересный всех**

جوانترین همه / جوانتر از همه **Моложе всех**



Имя существительное

اسم

Imya soushestvitelnoye

اِیْمیا سوشستویتلنویه

اسمها در زبان روسی از دید جنس دستوری با یکدیگر متفاوت هستند و از نظر تعداد و حالت تغییر پذیرند.

جنس اسم

دارای سه نوع، مذکر، مؤنث و خنثی هستند که نسبت به جنسشان شکل متفاوتی دارند.

۱ - جنس اسامی که نشانگر نام کسان است و از راه جنس آنها شناخته می‌شوند و در موارد دیگر شکلشان بیانگر نوع اسم می‌باشد. و اسامی:

Мужчина (مرد)، Дедушка (پدر بزرگ)، Отец (پدر)، Брат (برادر)، Мальчик (پسر بچه)، Парень (جوان)

این اسامی همگی نشان دهنده مذکر بودن آنها هستند.

و یا Женщина (زن)، Девушка (دوشیزه)، Дочь (دختر)، Мать (مادر)،

Бабушка (مادر بزرگ)، Сестра (خواهر)

این اسامی همگی نشان دهنده مؤنث بودن آنها هستند.



توضیح اینکه همه نامهای مذکر بدون توجه به حالتشان در شمار اسامی مذکرند و نامهای مونث نیز بدون توجه به حالتشان در شمار اسامی مونثاند. مانند:

Иван(ваня) ایوان	Николай коля نیکالای
Владимир(володия) ولادیمیر	Никита نیکیتا
Валентин(Валя) والنطین	Александр(саша) الکساندر
	و یا در مورد اسامی مؤنث:
Татьяна(таня) تاتیانا	Анна(Аня) آنّا
Валентина(валя) والنطینا	Александра(саша) الکساندرا

۲ - جنس اسمها در حالت فاعلی مفرد از روی شکل حروف آخر این اسامی شناخته می‌شوند. بدین گونه:

الف: اسامی که حرف آخر آنها به Я - و А - ختم می‌شوند همگی مونث شمرده می‌شوند. به عنوان مثال:

Земля زمین ، Родина وطن ، Страна کشور

ب: اسامی که حرف آخر آنها به Е - و О - یا Ё - ختم می‌شوند همگی خنثی شمرده می‌شوند. به عنوان مثال:

Платье لباس ، Море دریا ، Право حق ، Письмо نامه

ج: اسامی که حرف آخر آنها به هیچ یک از حروف Я - А - Е - О - Ё ختم نشود از دسته اسامی مذکر بشمار می‌روند. به عنوان مثال:

Дом خانه ، Мост پل ، Город شهر ، Лес جنگل و همچنین اگر اسامی به حرف Ы ختم شوند جزء مذکر می‌باشند.

Бой جنگ ، Край کنار / انتها ، Музей موزه

د: بعضی اسامی مختص مذکر و برخی دیگر مختص مونثاند. مانند:

گروه مذکر: زغال Уголь ، آتش Огонь ، روز День ،
 قهوه Кофе ، بارانی Плащ ، مداد Карандаш ، چاقو Нож
 گروه مؤنث: فولاد Сталь ، زندگی Жизнь ، سایه Тень
 شیء/چیز ، Вещь ، شب Ночь ، جای دوردست Глушь
 ه: در زبان روسی کلاً ده اسم یافت می شود که به حروف -МЯ ختم شده اند و همگی
 جزء اسامی خنثی بشمار می روند که عبارتند از:

شعله Пламя ، پرچم Знамя ، زمان Время ، نام Имя
 فرق سر Темя ، بذر Семя ، قبیله Племя
 پستان جانوران Вымя ، بار Бремя ، رکاب Стремя
 در مورد اسامی خنثی تعدادی از کلمات روزمره نیز به کار می روند از قبیل:
 دفتر Бюро ، سینما Кино ، مترو Метро
 پالتو Пальто ، ماربوا Боа ، شرط بندی Пари

جمع بستن اسامی مذکر، مؤنث و خنثی

الف: اسامی مذکر و مؤنثی که حرف آخر آنها به حروف Г ، К ، Х ، Ж ، Ш ختم
 شوند در هنگام جمع بستن حرف (-И) در انتها قرار می گیرد. مانند:

مفرد	جمع	
Нож	Ножи	کاردها
Карандаш	Карандаши	مدادها
Враг	Враги	دشمنان
Звук	Звуки	صداها

Пастух

چوپان Пастухи

چوپانان

ب: اسامی مؤنثی که حرف آخر آنها به (А-) ختم شوند، به هنگام جمع بستن حرف (А) حذف و Ы در انتها واقع می‌شود. مانند:

مفرد	جمع
Газета	روزنامه Газеты
Машина	ماشینها Машины
Страна	کشورها Страны

ج: اسامی مؤنثی که حرف آخر آنها به (Й-) ختم می‌شوند به هنگام جمع بستن Й حذف و حرف (И) در انتها واقع می‌شود. مانند:

مفرد	جمع
Герой	قهرمان Герои
Музей	موزه Музеи

د: اسامی مؤنثی که حرف آخر آنها به (Я-) ختم می‌شوند به هنگام جمع بستن حرف Я حذف و И در انتها واقع می‌شود. مانند:

مفرد	جمع
Деревня	دهکده Деревни
Статья	مقاله Статьи
Линия	خط Линии

ی: اسامی مذکر و مونثی که حرف آخر آنها به علامت نرمی (b-) ختم می‌شوند در هنگام جمع بستن علامت نرمی حذف و حرف (и) در انتها قرار می‌گیرد. مانند:

مفرد

جمع

Дождь

Дожди باران

بارانها

Площадь

Площади میدان

میدانها



جمع بستن اسامی خنثی

الف: اسامی خنثی که حرف آخر آنها به (o-) ختم می‌شوند به هنگام جمع بستن حرف o حذف و A در انتها واقع می‌شود. مانند:

مفرد

جمع

Письмо

Письма نامه

نامه‌ها

Дело

Дела کار / امر

کارها / امور

Государство

Государства دولت

دولتها

Окно

Окна پنجره

پنجره‌ها

ب: اسامی خنثی که حرف آخر آنها به (E-) و (Ë-) ختم می‌شوند در هنگام جمع بستن حروف (E) و (Ë) حذف و Я در انتها واقع می‌شود. مانند:

مفرد

جمع

Поле

Поля دشت

دشت‌ها

Море	دریا	Моря	دریاها
Здание	ساختمان	Здания	ساختمانها
Ружьё	تفنگ	Ружья	تفنگها

نویسه ۱۱۱۱: پاره‌ای از اسامی مذکر و خنثی در هنگام جمع بستن پسوند (- БЯ) می‌گیرند که عبارتند از:

مفرد		جمع	
Муж	شوهر	Мужья	شوهران
Стул	صندلی	Стулья	صندلیها
Колос	خوشه	Колосья	خوشه‌ها
Крыло	بال	Крылья	بالها
Звено	حلقه	Звенья	حلقه‌ها
Брат	بردار	Братья	برادران
Лист	برگ	Листья	برگها
Прут	برگه	Прутья	برگه‌ها
Перо	قلم	Перья	قلمها
Дерево	درخت	Деревья	درختان

نویسه ۱۱۱۲: اسمهایی که تنها به صورت جمع به کار برده می‌شوند عبارتند از:

Ножницы	قیچی	Щипцы	انبر / کازانبر
Ворота	دروازه	Очки	عینک
Брюки	شلوار	Трускии	شلوارک

Сани

Кавычки

گیومه

Перила

نرده



Глагол

Glagol

فعل

فعل

فعل کلمه‌ای است که برانجام کاری، نشان دادن حالتی یا وقوع امری در یکی از زمانهای حال، گذشته و آینده دلالت می‌کند.

در زبان روسی نیز مانند زبان فارسی و انگلیسی، افعال در زمانهای مختلف دارای معانی متفاوت از هم هستند. که جهت سهولت یادگیری به سه زمان حال، گذشته و آینده که به صورت ساده یا مطلق به کار می‌روند اشاره می‌کنیم.

Настояще Простое

Nāstāyāshie Prāstoe

الف) حال ساده

ناستایاشیه. پراستویه



به عنوان مثال صرف فعل:

иметь (داشتن، دارا بودن) به گونه حال ساده با ضمائر شخصی به ترتیب زیر

می‌باشد

Я имею.	من دارم.
Ÿā imeyou	یا، ایمو
Ты Имеешь.	تو داری.
Tə imeish	تُع، ایمیشن
ОН/ОНА/ОНО имеет.	او دارد (مذکر/مؤنث/خنثی)
on/ānā/āno imeit	آن/آنا/آنو ایمیت
Мы Имеем.	ما داریم.
Mə imeim	مُع، ایمیم
Вы Имеете.	شما دارید.
Və imeite	وُع، ایمیتِه
Они Имеют.	آنها دارند.
Āni imeyout	آئی، ایمیوت



Прошедшее Простое

(ب) گذشته ساده

Prāshedshie Prāstoe

پُرَاشِدْشِیَه، پُرَاسْتَوِیَه

در این زمان فعل شکل گذشته خود را بیان می‌کند. با این تفاوت که شکل گذشته برای شخص مؤنث در حالت مؤنث بیان می‌شود و برای حالت خنثی بندرت به کار برده می‌شود. به عنوان مثال صرف فعل: **Купить** (خریدن) به گونه گذشته ساده با ضمائر شخصی عبارتند از:

Я Купил.

من خریدم.

Ya Koupil

یا. کوپیل

Ты Купил.

تو خریدی.

Tə Koupil

تُع. کوپیل

Он Купил.

او خرید. (مذکر).

On Koupil

آنا. کوپِلا

Она Купила.

او خرید. (مؤنث).

Ānā Koupilā

آن. کوپیل

Мы Купили.

ما خریدیم.

Mə Koupili

مُع. کوپِلی

Вы Купили.

شما خریدید.

Və Koupili

وُع. کوپِلی

Они Купили.

آنها خریدند.

Āni Koupili

آئی. کوپِلی



Будущее Простое

(ج) آینده ساده

Boudoushie Prāstoe

بودوشیه. پراستویه

در زبان روسی از ترکیب اشکال آینده فعل: **БЫТЬ** (بودن) که اغلب به صورتهای **Будут** و **Будет** با مصدر فعل اصلی زمان آینده ساخته می‌شود. به عنوان مثال صرف فعل **Жить** (زندگی کردن) به گونه آینده با ضمائر شخصی عبارتند از:

Я Буду жить.	من زندگی خواهم کرد.
Yā boudou zhit	یا. بودو. ژیت
Ты Будешь жить.	تو زندگی خواهی کرد.
Tə boudish zhit	نع. بودیش. ژیت.
Он/Она Будет жить.	او زندگی خواهد کرد (مذکر، مؤنث)
On/ānā boudit zhit	آن/آنا. بودیت. ژیت
Мы Будем жить.	ما زندگی خواهیم کرد.
Mə boudim zhit	مع. بودیم. ژیت
Вы Будете жить.	شما زندگی خواهید کرد.
Və boudite zhit	وع. بودیتیه. ژیت
Они Будут жить.	آنها زندگی خواهند کرد.
Āni boudout zhit	آنی. بودوت. ژیت



نکته مهم: فعل **БЫТЬ** (بودن) معمولاً در زمان حال به کار نمی‌رود و در زمان گذشته در شکلهای **были**، **было**، **была**، **был** در جملات به کار می‌روند.

به عنوان مثال:

Это было село	این دهکده بود.
Eto bəlo silo	اِتو. بَعلو. سیلو
Рассказ был интересен.	حکایت جالب (شنیدنی) بود.
Rāsskaz bəl interesen	راشکاز. بَعل. اِینتِرسِن
Рассказы были интересны.	حکایتها جالب بودند.
Rasskazə bəli intersnə	راشکازِع. بَعلی. اِینتِرسِنِع

Наречие

Narichie

قيد

نازيچيه

قيد مكان

Здесь

اينجا، در اينجا

Zdes

زُوس

Там

آنجا، در آنجا

Tam

تام

Левый

چپ

Levdy

لُوی

Правый

راست

Pravdy

پِراوی



Сюда	به اینجا
Soudā	سودا
Туда	به آنجا
Toudā	تودا
Недалеко	تقریباً نزدیک
Nidāliko	نې دالیکو
Налево	به سمت چپ
Nālevā	نالِوا
Направо	به سمت راست
Nāprāvā	ناپراوا
Слева	از چپ
Slevā	سُ لِوا
Справа	از راست
Sprāvā	سُ پراوا



قید زمان

Днѣм	روز
Dnyom	دُنْیِم

Вчера	دیروز
Vcherā	وچرا
Вечером	عصر
Vecherām	وچرام
Утро	صبح
Outrā	اوترا
Утром	هنگام صبح
Outrom	اوتترم
Завтра	فردا
Zāftrā	زافترا
Сегодня	امروز
Sivodnyā	سی وڈنیا
Теперь	الان
Tiper	تیپر
Сейчас	اکنون. الان
Sichās	سی چاس
Потом	بعداً
Pātom	پاتوم
Весной	به هنگام بهار/بهارى
Visnoy	ویس نوئی



Летом	به هنگام تابستان / تابستانی
Letom	لِتوم
Осенью	به هنگام پاییز / پاییزی
Osinou	اَسینو
Зимой	به هنگام زمستان / زمستانی
Zimoy	زِیموئی
Рано	زود
Rānā	رانا
Поздний	دیر
Pōzdni	پُزْدَنی
Давно	از مدتی طولانی، مدت زیادی
Dāvno	داوُنو
Недавно	مدت کمی
Nidāvno	نئی داوُنو
Всегда	برای همیشه
Vsigdā	وَسی گدا
Иногда	بعضاً
Ināgdā	اِنَاگدا
Однажды, Первый	اولین دفعه
Adnāzhdā, pervdy	آدناژدغ، پِرَوی



Часто

اغلب

Chāsta

چاشتا

Долго

طولانی

Dolgā

دُلگا

Не надолго

برای مدت کوتاهی

Ni nādolgā

نی نَادُلگا

Сначала

از ابتدا

Snāchālā

سَنَچالا

Наконец

نهایتاً - سرانجام

Nākānets

ناکانِتس



قید حالت

Быстро

فوراً

Bāstrā

بَعَثْرَا

Медленно

به آرامی

Medlinnā

مِذْلِنَا

Интересно

عجیب، جالب

Interesnā

اِئْتِرِسْنَا

Неинтересно	غیر جالب
Niinteresnā	نی. اینتیرسنا
Важно	مهم
Vāzhnā	واژنا
Неважно	غیر مهم
Nivāzhnā	نی. واژنا
Плохо	بد
Plokhā	پُلخا
Красиво	زیبا
Krāsivā	کراسیوا
Некрасиво	زشت، غیر زیبا
Nikrāsivā	نی. کراسیوا
Нормально	نرمال، طبیعی
Nārmālnā	نارمانا
Ненормально	غیر طبیعی
Ninārmālnā	نی. نارمانا
Правильно	صحیح، درست
Prāvilnā	پراویلنا
Неправильно	غیر صحیح
Niprāvilnā	نی. پراویلنا



Изумительный

شگفت‌انگیز - جالب

Izoumitelny

ایزومیتلنی

Прекрасно

عالی، خیلی خوب

Prikrāsna

پُری کراسنا

Хорошо

خوب

Khārāsho

خاراشو

Приятно

لذت بخش، گوارا، مطلوب

priyātna

پُری یاتنا

Вкусно

لذید، خوشمزه

Vkousnā

وُکوسنا

Обычно

معمولاً

Abḍchnā

آبْچنا

Просто

ساده، آسان

Prostā

پُرستا

Спокойно

به آرامی، آرام

Spākoynā

سپا کوینا

Сильно

قوی، خیلی، غلیظ

Silnā

سیلنا

Серьёзно

جدی

Siryoznā

سیر یوژنا



Трудный	مشکل
Troudndu	تُرودنی
Несчастный	غمگین
Nischāstndu	نیشچاستنی
Безобразный	زشت، بد ترکیب
Bezābrāzndu	بِزْآبرازنی
Испытывающий , жажду	تشنه
Ispdtdvāyoushiy,zhāzhdou	ایسپیتووا یوشی / ژاژدو
Вдруг	ناگهان
Vdroug	وَدروگ



قید مقدار و اندازه

Достаточно	کافی، میزان
Dāstātochnā	د/استاتوچنا
Сколько?	چند؟ - چقدر؟
Skolka?	سکولکا؟
Много	خیلی، زیاد
Mnogā	منوگا
Немного	کم

Nimnogā	نی. منوگا
ещё	هنوز، دوباره
Ishyo	ایشو
Довольно	بی نهایت
Dāvolnā	داؤلنا
Почти	تقریباً
Pāchti	پاچتی
Последний	آخرین
Pasledni	پاسلِدنی
Средний	میانی، وسط
Sredn̄y	سِرِدنی
Несколько	چندمین، چندتا
Niskolka	نِسکُولکا
Дотехпор	تا اینکه، برای همیشه
Dotikhpor	دو تیخ پُر
Во первых	در ابتدا - زود
Vo pervəkh	و. پروغخ



قید و صفت

Жарко	داغ - گرم
Zhārkā	ژازکا
Холодно	سرد
Kholodnā	خولودنا
Тепло	گرم، گرما
Tiplo	تیپلو
добрый	مهربان
Dobryū	دُبْرِی
Нетрудно	راحت، آسان
Nitroudna	نی نرودنا
Можно	ممکن
Mozhnā	مُژنا
Нельзя	غیر ممکن
Nilzya	نیلزیا
Надо	لازم، ضروری
Nādā	نادا
Скучно	دلتنگی



Skouchnā

نش کouchنا

Удобно

درست، صحیح، باجلوه

Oudobnā

اودوبنا

Ленивый

تنبل

Lenivdy

لنینوی

Сердитый

عصبانی

Serditdy

سِرْدِیتی

Воспитанный

مؤدب

Vāspitānn̄dy

واسپیتانی

Элегантный

زرنگ

Elegantn̄dy

اِلْگانتنی

توجه: ممکن است اکثر کلمات در زبان روسی با آوردن حرف نفی He به اول کلمه

معنی برعکس را بدهند. مثال:

Холодно

سرد

Kholodnā

خُولُودنا

He холодно

غیر سرد

Ni kholodnā

نی خُولُودنا



XoPomo

خوب

kharasho

خاراشو

He xoPomo

بد

Ni kharasho

نی خاراشو



بعضی از اسامی و کلمات

Имя

نام

Imyā

ایمیا

Фамилия

نام خانوادگی

Familiyā

فَمیلیا

Отчество

نام پدر

Otchestvā

اُتچستوا

Место

جا، محل، مکان

Mesto

مِست

Дата

تاریخ

Dātā

داتا

Рождение

تولد

Rāzhdenye

راژدنیه

Да

بله

Dā

دا



Нет	خير
Niet	نَيْت
Как	چطور، چگونه
Kāk	کاک
Где	کجا
Gde	نجد
Ли	آيا
Li	لی
Весна	بهار
Visnā	ویسنا
Лето	تابستان
Letā	لِتا
Осень	پاییز
Osin	اُسین
Зима	زمستان
Zimā	زُیما



Неправильные
Nipravilnæ glagola

افعال بی قاعده
نی پراوِیلنی گلاگول

Быть

زَدَن

Bat

بُغَت

Начинать

شروع کردن

Nāchinat

ناچینات

Ломать

شکستن

Lāmāt

لامات

Строить

ساختن

Stroit

سُتْرِئِت

Покупать

خریدن

Pākoupāt

پاکوپات

Ловить

بدست آوردن، کسب کردن

Lāvit

لاؤیت



Приходить	آمدن
Prikhādit	پُری خاڈیت
Делать	انجام دادن
Delāt, vḍpāl̄nyāt	دِلَات. وْعِالْنیات
Пить	نوشیدن
Pit	پیت
Есть	خوردن
Yest	یست
Находить	واقع شدن، قرار داشتن
Nākhodit	ناخوڈیت
Летать	پرواز کردن
Litāt	لیتَات
Получать	دریافت کردن، کسب نمودن
Pālouchāt	پالوچَات
Давать	دادن
Dāvāt	داوَات
Идти, ходить	رفتن
Idti, khādit	ایدْتی، خاڈیت
Иметь	داشتن، دارا بودن
Imet	ایمِت
Слышать	شنیدن
Slōshāt	سلْعْشَات



Держать	نگه داشتن
Derzhāt	دُرژات
Оставлять	ترک نمودن، تنها گذاشتن
Āstāvlyāt	آستاولات
Учиться	تحصیل کردن، یاد گرفتن
Ouchitsā	اوچیتسا
Терять	گم کردن
Tiryāt	تِری یات
Делать, совершать	ساختن، موجب شدن
DeLāt, sāvershāt	دِلات، ساورشات
Читать	خواندن
Chitāt	چیتات
Ехать верхом	سوار شدن
Yekhāt verkhom	یَخات وِرْخوم
Бежать	دویدن
Bizhāt	بیزات
Говорить, сказать	صحبت کردن، گفتن
Gāvārit, skāzāt	گاواریت، سکاژات
Показывать	نشان دادن
Pākāzōvat	پاکازْغوات
Петь	آواز خواندن، سرودن
Pet	پِت



Сидеть	نشستن
Sidit	سُیْدَت
Спать	خوابیدن
Spāt	سُپَات
Стоять	ایستادن
Stāyāt	سُتَا یَات
Плавать	شنا کردن
Plāvāt	پُلاوَات
бРать	گرفتن
Brāt	بِرَات
Учить	یاد دادن، درس دادن
Ouchit	اوْچِیت
Рассказывать	تعریف نمودن
Rāsskāzāvāt	راشکاز عَوَات
Думать	فکر کردن
Domāt	دو مَات
Понимать	فهمیدن
Pānimāt	پاْئِمَات
Просыпаться	بیدار شدن
Prāsōpātsā	پِرَاشِیپَا تْسَا
Носить	پوشیدن (لباس)
Nāsit	نا سِیت



سیر و سیاحت در روسیه فدراتیو

۱-۱) جغرافیای روسیه فدراتیو

کشور روسیه در شرق اروپا و در شمال قاره آسیا واقع گردیده و مساحت آن ۱۷/۰۷۵/۴۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد که این سرزمین وسیع‌ترین کشور جهان به شمار می‌آید و جالبترین ویژگی آن، موقعیت جغرافیای سیاسی این کشور است که نواحی غربی یا اروپائی آن ۸۰٪ کل جمعیت روسیه را به خود اختصاص می‌دهد که از نظر تقسیمات به بخش اروپای شرقی اطلاق می‌شود و نواحی شرقی آن تا آن سوی کوههای اورال در شمال قاره آسیا امتداد دارد، فاصله غرب تا شرق این سرزمین ۹۰۰۰ کیلومتر و شمال به جنوب بین ۲۵۰۰ تا ۴۰۰۰ کیلومتر است. در حدود چهارده درصد از خاک این کشور در محدوده قطب شمال قرار گرفته که اغلب سرد و یخبندان همراه با بارش برف روبروست. شبهای طولانی در قطب شمال جهت ساکنان جزایر و مجمع‌الجزایری که در حاشیه اقیانوس منجمد شمالی واقع اند یک اتفاق ملموسی به حساب می‌آید گاهی اوقات تا ۵۰ الی ۶۰ روز خورشید زیر خط افق قرار می‌گیرد. در روسیه فدراتیو چند اوقات محلی وجود دارد که همین امر سبب تفاوت‌های قابل توجهی در ساعات محلی حاشیه‌های غربی و شرقی آن می‌شود. سواحل این سرزمین در حاشیه دوازده دریای سه اقیانوس اطلس (دریاهای بالتیک، سیاه،

آزوف)، منجمد شمالی (دریاهای: سفید، بارنتز، کارا، لاپتف، سیبری شرقی، چوکچی) و بالاخره اقیانوس آرام (دریاهای: پرینگ، آخوئسک، دریای ژاپن) واقع اند.

از شهرهای مهم این جمهوری عبارتند: سنٹ پترزبورگ (۴/۳۲۰/۹۰۰ نفر) نیزنی نووگروود (نام اسبق) گورکی (۱/۴۲۴/۶۰۰ نفر) نووسیبیرسک (۱/۴۱۸/۲۰۰ نفر) یکاترینبورگ (نام اسبق) شیورڈلوفسک با (۱/۳۴۷/۰۰۰ نفر) و سامارا (۱/۲۲۲/۵۰۰) البته این آمار تا سال ۹۸ میلادی گزارش شده است این جمهوری با وسعتی که از طرف شمال به جنوب دارد دارای چهار منطقه آب و هوایی یعنی قطبی، نیمه قطبی، معتدل و نیمه گرمسیری بوده و اکثر مناطق این سرزمین از آب و هوای اقلیمی معتدل برخوردار است و فصول مختلف هم به طور منظم تغییر پذیرند. فصل زمستان اغلب سرد و برفی و تابستان آن کوتاه و به نسبت گرم می باشد. شرایط اقلیمی آب و هوایی در سیبری و مناطق شمالی خاور دور سخت تر می شود. این مناطق، آب و هوای ویژه قابل توجهی دارند که باعث بدی آن می شود و تفاوت های زیادی را بین درجه حرارت های فصلی و شبانه روزی سبب می گردد و لایه های یخی ضخیمی را زیر سطوح خاک تشکیل می دهد. حداقل درجه حرارت در کوه های اوئیمگون ۷۱ درجه سانتیگراد زیر صفر بوده و این کوه ها در نزدیکی منطقه وژخویانسک درست در شرق سیبری و در میان قطب های سرد نیم کره شمالی واقعند. نواحی شرقی و غربی روسیه فدراتیو که تماماً در معرض تأثیرات اقیانوسها و دریاهایشان قرار دارند دارای سه نوع آب و هوای اقیانوسی اند که عبارتند از: ۱- آب و هوای دریایی ۲- آب و هوای متغیر که در حقیقت یک مجموعه اقلیمی می باشد که با مقادیر متفاوتی از تأثیرات دریایی روبرو است (در شمال غربی) ۳- آب و هوای مرطوب (جنوب خاور دور روسیه)

جزائر و سرزمین های کرانه اقیانوس منجمد شمالی، آب و هوای قطبی و نیمه قطبی سختی دارند. درست در نقطه مقابل، منطقه ساحلی حاشیه دریای سیاه در قفقاز دارای آب و هوای نیمه گرمسیری است با زمستان های گرم و مرطوب و تابستان های داغ و سوزان دمای متوسط ماه ژانویه در روز در تمام نقاط این کشور به جزء سواحل

دریای سیاه همیشه زیر صفر است.

دمای تابستان در شمال و جنوب روسیه از اختلاف شدیدی برخوردار است. به طور متوسط دمای یک درجه سانتیگراد بالای صفر، در شمال سبیری تا بیست و پنج درجه بالای صفر در سواحل دریای خزر متغیر است.

بارش باران در شیب کوههای قفقاز و آلتای به بالاترین حد خود می‌رسد. (دو هزار میلی لیتر در سال)

مناطق جنوبی سواحل روسیه که در کنار اقیانوس آرام واقعند از این لحاظ در مقام دوم قرار دارند که در آنجا بارانهای تابستانی باعث طغیان رودخانه‌ها بوده (تا هزار میلی لیتر) و نهایتاً کمترین مقدار بارش باران در مناطق جنگلی جلگهٔ اروپای شرقی مشاهده می‌شود.

خشک‌ترین نقطه در روسیه بخش نیمه کویری حاشیه دریای خزر است با بارش ناچیزی که در حدود صدوپنجاه میلی لیتر در سال می‌باشد.

(۲-۱) جمعیت:

جمعیت روسیه فدراتیو در سال ۱۹۹۷ طی یک سرشماری ۱۴۷/۲۳۱/۰۰۰ میلیون نفر اعلام شده است. جمعیت این کشور از نظر قومی خیلی متفاوت است. در کنار روسها که خود ۸۵٪ درصد را تشکیل می‌دهد. قومهای مهم دیگری هم زندگی می‌کنند از قبیل:

تاتارها ۳/۹٪ - اوکراینی‌ها ۲/۴٪ - چوواشی‌ها ۱/۲٪ - داغستانی‌ها ۱/۲٪ - باشقیرها ۰/۱٪ و بالاخره مؤلداویایی‌ها ۰/۷٪

مناطق شمال غربی و مرکزی را اکثر اُروسها تشکیل می‌دهند و به همین دلیل از نظر قومی یکدست تراز سایر مناطق هستند. به عنوان یک قانون کلی، گروههای متحد قومی در جمهوریه‌ها و مناطق خود مختار مخصوص به خود زندگی می‌کنند (به جزء یهودیه‌ها و اونکها)

و با این حال ۷۰/۸٪ مؤلداویایی‌ها ۶۸٪ تاتارها و ۴۹/۶٪ ماریسها خارج از مرز

جمهوریهای محل تولدشان زندگی می‌کنند. در طول ۳۰ سال گذشته میزان رشد بعضی از گروههای قومی در روسیه فدراتیو بطور قابل توجهی از میزان رشد متوسط جمعیت خود روسیه فراتر رفته است. جمعیت محلی قفقاز شمالی بیش از دو برابر شده و همینطور تعداد تیوتنها، کولیه‌ها، بوریاتی‌ها، یاکوتی‌ها، کالمیکها هر کدام به میزان ۶۰ الی ۷۰ درصد رشد داشته و بیشترین افزایش جمعیت را گروههایی شامل می‌شوند که از جمهوریهای دیگر شوروی سابق به روسیه فدراتیو مهاجرت کرده‌اند. سالهای ۱۹۵۹ تا ۱۹۸۹ تعداد آذربایجانیها ۴/۷، مولداویایی‌ها ۲/۸، گرجی‌ها ۲/۳، ارمنی‌ها ۲/۱ و قزاقها ۱/۷ برابر شده‌اند. در این اثناء تعداد کارلی‌ها و مولداویایی‌ها به دلیل تلفیق شدن در جامعه روس کاهش یافته و تعداد یهودیه‌ها نیز به دلایل مهاجرت به دیگر کشورها سیر نزولی را نشان می‌دهد اکثر مردم جمهوری روسیه زبان قومی خود را یک زبان مادری می‌دانند، اما تعداد کمی هم هستند که روسی را به عنوان زبان مادری شان قبول ندارند.

به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پدید آمدن کشورهای مستقل مشترک المنافع، بخش بزرگی از ملت روسیه بالغ بر ۲۵ میلیون نفر از روسی زبانهای قومهای مختلف و بومی غیر روس که زبانهای قومی خود را زبان مادری می‌دانستند، خود را یکباره خارج از مرزهای روسیه یافتند. بیش از هشتصد هزار تاتار - هشتاد هزار باشقیر، هزاران چوواشی، مولداویایی، آدمورتی، ماری و غیره..... به طور کلی، هم اکنون بین ۳۷ الی ۳۸ میلیون نفر از مردم روسیه فدراتیو در کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق زندگی می‌کنند. که بزرگترین گروه از روس تبارها در جمهوری اوکراین ساکن هستند و بالغ بر یازده میلیون نفر می‌باشند.

۱-۳) روسیه قدیم و جدید

اولین کشور روسیه یعنی کویان روس در قرن نهم به وجود آمد که قبایل مختلف اسلاو در آن سکنی گزیدند. و بعدها به ملت مقتدر روسیه تزاری مبدل شدند. بعد از مدتی در سال ۹۸۸ میلادی مذهب مسیحیت را پذیرفتند. با این وجود در قرن نوزدهم میلادی طی مجازات شاهان و فرزندان آنان برای تسخیر حکومت

قلمروهای خویش شهرهای ولادیمیر، سوزدال، گالسیا، ولینیاو تعدادی از سرزمینهای کوچکتر این کشور را در هم کوبیدند.

به علت دسیسه چینی‌های مداوم شاهزادگان علیه یکدیگر سرزمینهای روس نتوانستند به قدرت زیادی دست یابند و مانع از تجاوز تاتارها در دهه‌های اولیه قرن سیزدهم بشوند. روسها تاوان جنگ شاهزاده گانشان را با ۲۵۰ سال زندگی تحت سلطه تاتارها به سختی پس دادند که همین امر سبب رنج و عذاب بی پایان مردم و وارد آمدن خسارتهای فراوانی به توسعه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی این کشور شد. در سال ۱۳۸۰ میلادی قوای متحد سرزمینهای روس تحت فرماندهی شاهزاده دیمیتری دونسکوی که نخستین فرمانروای روسی بود این جرأت را به خود نشان دادند که با تاتارهای متجاوز زمان خویش در منطقه‌ای به نام دشت کولیکوو که در تاریخ به جنگ کولیکوو معروف است به مبارزه پیروزمندانه‌ای بپردازند. ولی قدرت تاتارها هنوز درهم شکسته نشده بود. تنها دو سال بعد تاتارها دوباره مقر قوم روس یعنی مسکوی فعلی را مورد غارت خویش قرار دادند. اموال سرتاسر این شاهزاده نشین به تاراج رفت عده زیادی به اسارت درآمدند و در این هنگام دیمیتری دونسکوی باز مجبور به صلح و پرداخت خراج شد.

پس از گذشت یک قرن روسها توانستند عاقبت از زیر یوغ و ستم قوم تاتار رهایی یابند. بین قرون چهارده تا شانزده دوران بسیار دشوار برای روسیه بود. غارت و تخریب این سرزمین به خصوص شهر مسکو و همزمان بروز بیماریهای واگیر دار مانع از پیشرفت بود و از تجمع ثروتهای فرهنگی جلوگیری به عمل می‌آمد. اما علی رغم تمامی مسائل مسکو توانست قدرت و نفوذ خود را گسترش دهد. در قرن هفدهم تکامل اقتصادی در روسیه وارد مرحله نوینی شد و شهر مسکو به صورت مهمترین مرکز صنعتی و بازرگانی کشور درآمد.

تا سال ۱۷۱۳ میلادی که پتر کبیر مقر حکومت را به سنت پترزبورگ انتقال داد، چهارصد سال بود که مسکو پایتخت روسیه، مرکز مذهب اورثدوکس، نگهبان و راهنمای فعالیتهای ادبی، هنری و محل عمده دادوستد و تجارت این کشور به شمار می‌رفت و به صورت یک مرکز ثقل و جامعه نیرومندی درآمد که با سایر مراکز تمدن

تماس برقرار نمود در راه حیات سیاسی خود کوشش فراوانی نشان داد و در جهت وحدت قلمرو سخت به نبرد پرداخت و به سبب آنکه بارها به صورت مرکز مقاومت ملی در برابر مهاجمان بیگانه درآمد بود شهرتی جاودان به دست آورد. با وجود جنگهای بیشمار، بروز بیماری از جمله طاعون و کشمکش داخلی توانست عظمت و رهبری خود را در قبال شهرهای رقیب حفظ نماید و تحسین و محبت مردم روسیه را مدتها پس از آنکه دیگر پایتخت سیاسی آن سرزمین به شمار نمی‌رفت نسبت به خود جلب کند. انتقال بی‌درنگ و مجدد پایتخت به مسکو پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ میلادی موجب گردید این شهر مقامی را که همیشه در چشم مردم روسیه از سالها قبل دارا بود باز یابد پس از طی دو قرن مسکو به عنوان پایتخت فرهنگی روسیه دوباره اهمیت فراوانی یافت و کرملین باردیگر به صورت مرکز کل قوای این کشور درآمد. هم اکنون روسیه فدراتیو پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق در سال ۱۹۹۱ میلادی و ارائه طرح پُرشُرویکا (بازسازی) و تفکر نوین توسط آقای میخائیل گورباچف آخرین رهبر رژیم سوسیالیستی تمامی مرزهای این کشور به سوی مردم جهان گشوده شد و زندگی در این مرزوبوم با تحولات روزافزون گوناگونی در زمره اقتصاد و فرهنگ روبرو گردید. با ورود اقشار مختلف خارجی (جهانگرد، بازرگان، محصل و غیره) دستخوش پیشرفت و توسعه و از خیلی جهات با متوذهای علمی، فنی و تکنولوژی مدرن جهان به رقابت می‌پردازد. با ایجاد جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع در هشتم دسامبر ۱۹۹۱ از سوی رهبران روسیه، روسیه سفید و اوکراین، فروپاشی رسمی اتحاد شوروی اعلام شد در بیست و پنجم دسامبر ۱۹۹۱ آقای گورباچف کناره‌گیری خود را در پی ایجاد اتحادیه جدید اعلام کرد. پرچم سه رنگ سفید، آبی و قرمز جمهوری فدراتیو روسیه به جای پرچم سرخ اتحاد سوسیالیستی شوروی بر فراز کاخ کرملین افزاشته شد. و اینک جمهوری روسیه دوران سخت بحران اقتصادی و سیاسی بعد از فروپاشی شوروی سابق را تا حدودی طی نموده است و به جرأت می‌توان گفت آینده این سرزمین پهناور و حاصلخیز با داشتن مردمانی با عاطفه، مهمان نواز و زحمتکش که هیچ زمانی قابل مقایسه با فرهنگ به ظاهر پیشرفته و در باطن مسخ شده غرب نبوده بسیار درخشان دیده می‌شود.

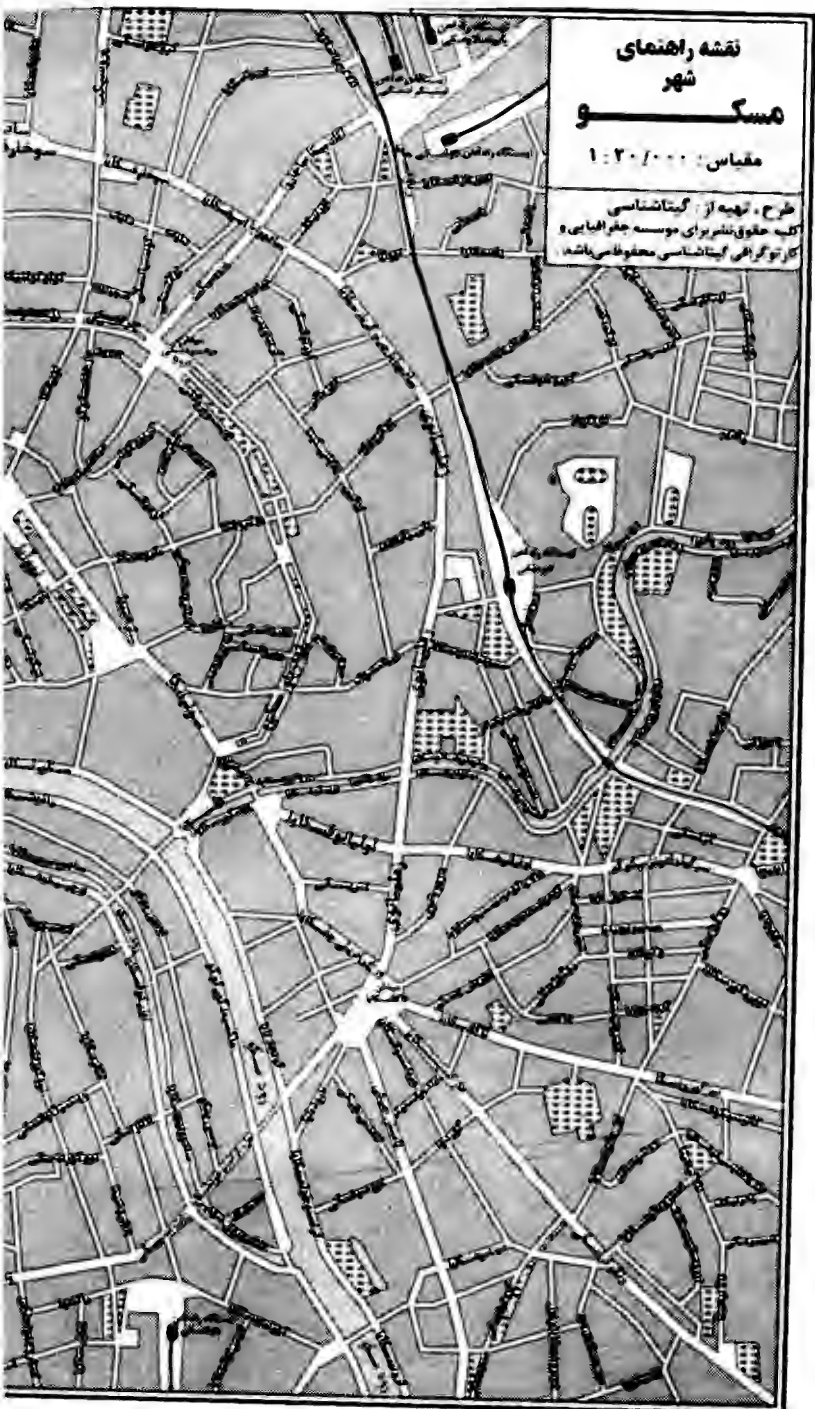
نقشه راهنمای

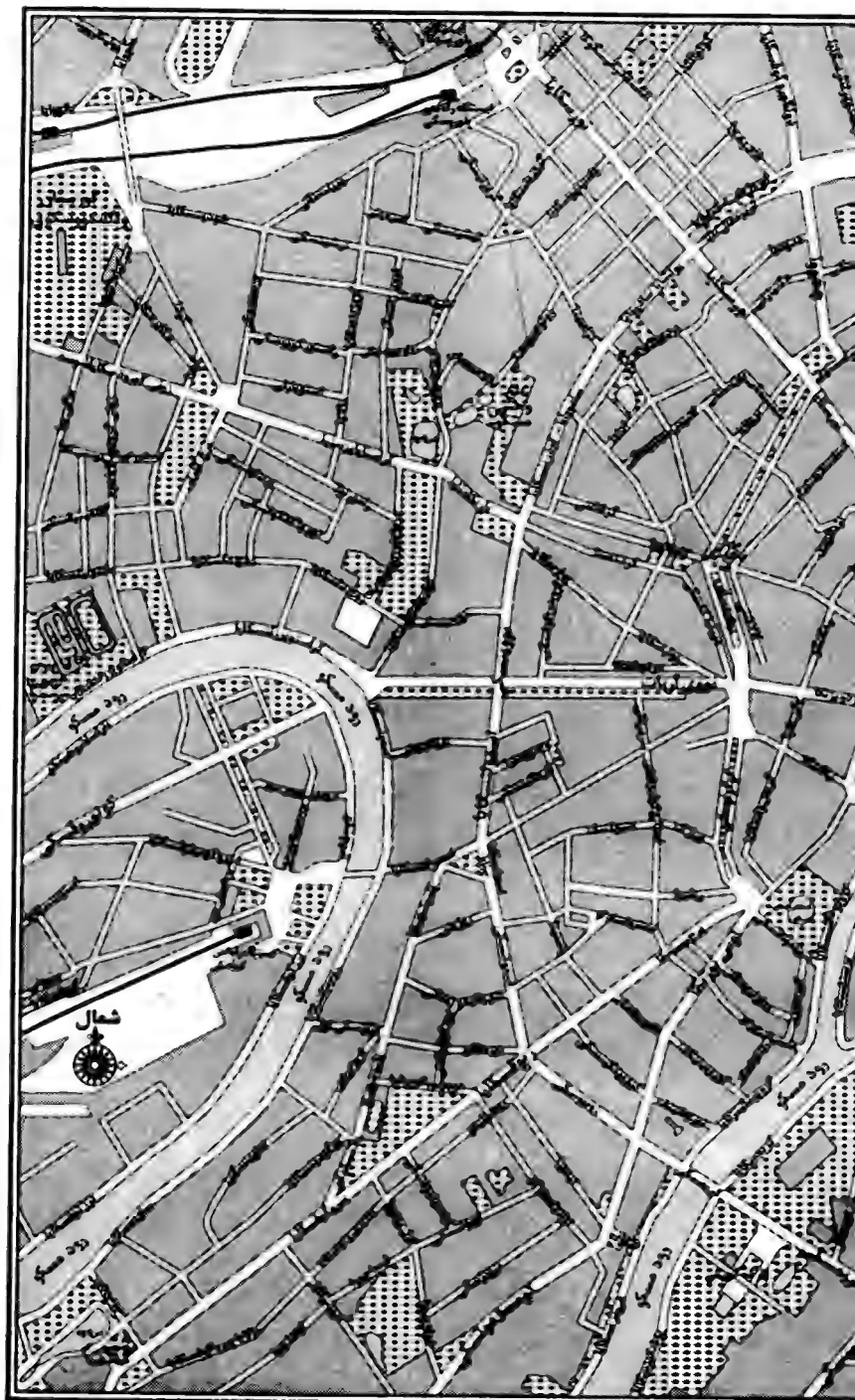
شهر

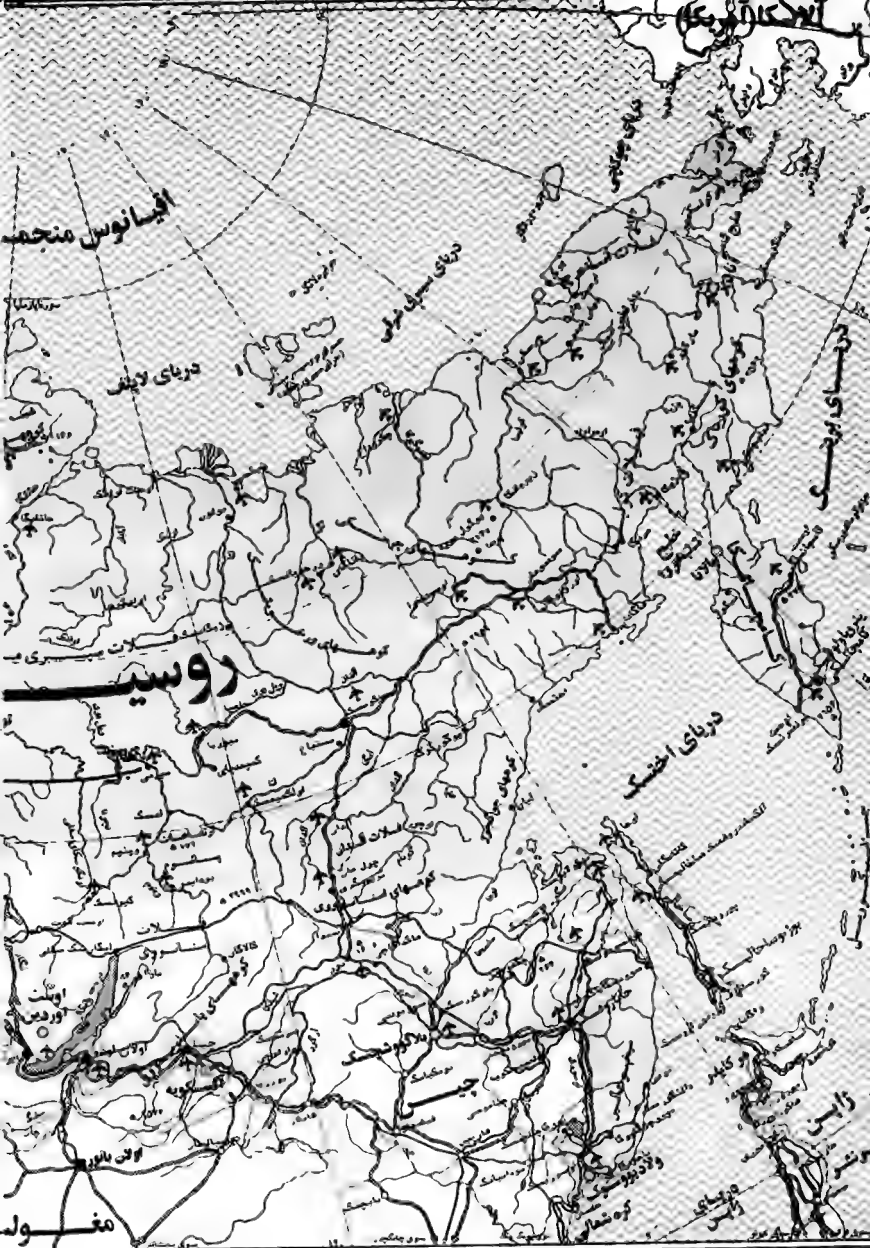
مسک

مقیاس : ۱:۲۰,۰۰۰

طرح : تهیه از : گیتاشناسی
کتاب حقوق بشر برای موسسه جغرافیایی و
کار توگرافی گیتاشناسی محفوظ میماند.







راهنما	
پایتخت	■
مرکز ایالت (استان)	○
سایر نقاط	●
مرز بین المللی	—
اتوبان	==
راههای اصلی	---
سایر راهها	—
راه آهن	—+—
رودخانه	~
کانال آب	—+—
فرودگاه	✈

نقشه سیاسی

روسیه

مقیاس

۷۵۰ ۵۰۰ ۲۵۰

طرح و تهیه از: گیتاشناسی
 کلیه حقوق نشر برای مؤسسه جغرافیایی
 و کارتوگرافی گیتاشناسی محفوظ
 می باشد.



تطبیق ساعت شهرهای مختلف با ظهر تهران

(ساعت ۱۲)

شهر	ساعت	شهر	ساعت
آنکارا	۱۰/۳۰	رم	۹/۳۰
آتن	۱۰/۳۰	ژنو	۹/۳۰
استانبول	۱۰/۳۰	فرانکفورت	۹/۳۰
بیروت	۱۰/۳۰	وین	۹/۳۰
تل آویو	۱۰/۳۰	هامبورگ	۹/۳۰
آمستردام	۹/۳۰	کپنهاک	۹/۳۰
استکهلم	۹/۳۰	مادرید	۹/۳۰
بارسلون	۹/۳۰	مسکو	۱۱/۳۰
برلین	۹/۳۰	لندن ۱	۸/۳۰
پاریس	۹/۳۰	لندن ۲	۹/۳۰

مطالبی پیرامون راهنمای سفر و اطلاعات مفید

۱-۱ استانهای روسیه فدرایتو.

در کشور فدراسیون روسیه چهل و نه استان وجود دارد که عبارتند از: آمور، آرخانگلسک، آستراخان، بلگورود، بریانسک، چلیابینسک، چیتا، ایروکوئسک، ایوانوف، کالینین گراد، کامچاتکا، کالوگا، کم روو، کیروف، کاستروما، کورگان، کورسک، لنین گراد لیپتسک، ماگادان، مُسکو، مورمانسک، یثرنی نووگُرد، نووگُرد، نووشیبریسک، اُمسک، اورال، اورنبورگ، پنزا، پرم، پُسکُوف، راشتُوف، زیازان، ساخالین، سامارا، ساراتُوف، اسمولنسک، سیوردلُوفسک، تامبُوف، تومسک، تولا، ته‌ور، تیومن، اولیانُوسک، ولاذیمیر، ولگوگراد ولگوگدا، ورونژ، یاروسلاول.

۱-۲ حمل و نقل

حمل و نقل در روسیه فدرایتو از سال ۱۹۹۲ بدنبال فروپاشی در بخشی‌های خصوصی نیز فعال گردید. و از همان سال شرکت مشترک حمل و نقل زمینی و دریایی بین جمهوری اسلامی ایران و روسیه فدرایتو تحت عنوان ایرسوتر (Airsotr) با نظارت وزارتخانه‌های راه و ترابری دو کشور رسماً گشایش یافت. و از آن زمان نقش بهینه عمده‌ای در تبادلات بازرگانی طرفین ایجاد گردید این شرکت در اکثر مراکز استانی، مرزی و بندری دو کشور شعباتی دارد که در زمینه ترابری و جاده‌ای فعالیت مستمر دارند.

آدرس دفتر مرکزی این شرکت در ایران به شرح ذیل می‌باشد.

تهران - خیابان استاد مطهری - چهارراه سهرودی - شماره ۹۷ شرکت حمل و نقل

بین المللی ایران و روسیه (ایرسوتر)

۱-۳ شرایط و چگونگی سفر به روسیه فدرایتو.

کلیه اتباع کشورهای که قصد مسافرت به این جمهوری را دارند می بایست جهت ورود روادید لازم را از سفارت و کنسولگری این کشور دریافت نمایند. و جهت دریافت انواع روادید داشتن دعوتنامه رسمی و تأیید شده اداره پلیس اتباع بیگانه از مقصد مورد نظر الزامی است. مدارک لازم جهت اخذ روادید یکبار سفر که از ۱۵ روز الی سه ماه معتبر می باشد عبارتند از:

دعوتنامه رسمی + سه قطعه عکس رنگی + ششصد هزار ریال لازم به ذکر است کلیه اتباع بیگانه پس از ورود به خاک روسیه فدرایتو ظرف مدت سه روز موظف به اعلام محل اقامت خود و ثبت آن در اداره پلیس اتباع بیگانه شهر مربوطه می باشند.

اگر یک خارجی طی سفر خود به جمهوری روسیه فدرایتو در یکی از هتلهای شهری اقامت داشته باشد، نیازی به معرفی و ثبت اقامت خود در اداره پلیس را ندارد. لذا جهت کسب هرگونه اطلاعات ضروری و مقررات قانونی ورود به اقصی نقاط روسیه می توان به سفارت این کشور در تهران مراجعه نمود.

ایران - تهران - خیابان نوفل لوشاتو (چرچیل سابق) شماره ۳۹

سفارت فدراسیون روسیه

تلفن: ۳ - ۶۷۰۱۱۶۱ فاکس: ۶۷۰۱۶۵۲ تلکس: ۲۱۳۴۵۷ روز و ساعات مراجعه:

یکشنبه، دوشنبه، سه شنبه، پنج شنبه ۸ الی ۱۳ و ۱۴ الی ۱۷

همچنین شهروندان استان اصفهان می توانند در شهر اصفهان به سر کنسولگری این کشور به آدرس: خیابان تلفنخانه - خیابان چهار باغ مراجعه نمایند.

تلفن: ۲۲۲۰۶۰ فاکس: ۲۲۰۸۰۴

در جمهوری روسیه فدرایتو رژیم کاری در ادارات دولتی معمولاً از ساعت ۹ صبح الی ۱۳ و ۱۴ الی ۱۸ بعدازظهر می باشد.

تعطیلات هفتگی در این کشور جهت مدارس در مراکز آموزشی روزهای یکشنبه و برای سایر ارگانهای دولتی روزهای شنبه و یکشنبه می باشد. روز ملی در این کشور

دوازدهم ماه ژوئن می باشد که از آن به عنوان روز استقلال و آزادی یاد می شود و سراسر کشور تعطیل رسمی می باشد.

۴-۱ شرایط تحصیل و ثبت نام در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی برای تحصیل و راهیابی به دانشگاههای این کشور جهت اتباع بیگانه پذیرش در کلیه رشته ها و سطوح آموزشی فقط با شهریه امکان پذیر می باشد. و در قبال پرداخت هزینه تحصیلی خدمات آموزشی و امکانات از قبیل: خوابگاه، کتاب، بهداشت، و بیمه از طریق دانشگاه محل تحصیل در اختیار دانشجو قرار می گیرد. شرط معدل و نوع دیپلم جهت ادامه تحصیل در کلیه رشته ها تقریباً ملاک عمل نمی باشد. شروع سال تحصیلی در روسیه دهم شهریور مصادف با اول سپتامبر می باشد.

علاقمندان جهت کسب هرگونه اطلاعات در زمینه چگونگی پذیرش و ادامه تحصیل در مراکز آموزش عالی روسیه فدرایتو می توانند مستقیماً به آدرس مرکز اطلاع رسانی و خدمات پذیرش دانشجویان خارجی وزارت آموزش عالی مکاتبه نمایند.

روسیه فدرایتو - مُسکو.

تلفن: ۲۳۸۰۸۶۱ و ۲۳۸۱۱۴۵

فاکس: ۲۳۶۹۷۲۶ کد کشور: ۰۰۷

کد شهر مسکو: ۰۹۵

۵-۱ مقررات گمرکی ورود و خروج ارز

هنگام ورود به کشور روسیه فدرایتو مسافر می تواند به هر میزان ارز خارجی همراه داشته باشد. و ورود پول رایج در روسیه (روبل) به طور کلی محدودیت قانونی دارد. خروج ارز خارجی از روسیه به معادل پانصد الی هزار دلار آمریکار مجاز است. اگر مسافری هنگام ورود مبالغ زیادی ارز خارجی همراه داشته باشد. اگر قصد خارج کرده تمام یا مقداری از آن را در نظر دارد می بایست به هنگام ورود حتماً اظهار نام ارزی را پر نموده و هنگام خروج از روسیه آنرا تسلیم گمرک رزمی بنماید. هم اکنون یک روبل معادل صد کوپک و هر صد روبل هشتاد ریال می باشد.

نکات و مطالب ضروری

رعایت مطالب و نکات زیر مسافر را راهنمایی می‌کند تا نه فقط با اشکالات گوناگون مراجعه نگردد بلکه سبب خواهد شد تا آنجا که مقدور است از مسافرت خود لذت ببرد و خاطرات شیرینی برایش باقی بماند.

۱- گذرنامه

حفظ و نگهداری گذرنامه یکی از مسائلی است که باید به آن توجه کامل مبذول گردد زیرا در صورت مفقود شدن، تنها چاره، مراجعت به کشور صادرکننده گذرنامه می‌باشد که آن نیز خالی از اشکال نخواهد بود.

۲- Landing card

لحظاتی قبل از نشستن هواپیما در فرودگاه کشور جدید مهمانداران هواپیما کارتهای ورودی را بین مسافرین ورودی آن کشور توزیع می‌نمایند. بر روی این کارتها که در اصطلاح **Landing card** نامیده می‌شود و معمولاً به چند زبان مختلف بخصوص زبان ملی آن کشور نوشته شده کلمات نام، نام خانوادگی، شماره گذرنامه، شغل، نام کشور قبلی و محل اقامت در کشوری که مسافر به آن وارد می‌شود و چند مورد دیگر ذکر شده که باید توسط مسافر تکمیل و در مقصد ضمن ارائه گذرنامه تحویل مأمورین انتظامی و گمرک فرودگاه گردد. این کارتها گاهی اوقات در فرودگاهها نیز بین مسافرین توزیع می‌گردد.

۳- فرودگاه کشور جدید

در فرودگاه کشور جدید پس از انجام تشریفات گمرکی به بانک مراجعه و تراولر چک یا پول خود را تبدیل به پول رایج آن مملکت نمایید. (تعویض پول در هتلها، صرافیه‌ها و بیشتر فروشگاهها نیز امکان پذیر می باشد لکن مبلغی به عنوان کارمزد یا پاداش از آن کسر میگردد).

سپس چنانچه مدت توقف شما در این شهر کوتاه باشد به دفتر شرکت هواپیمایی که با آن به شهر یا کشور دیگر پرواز می کنید مراجعه و بلیط هواپیمایی خود را تأیید نمایید زیرا در غیر این صورت با مسأله نبودن جا در هواپیما مواجه می شوید و یا متوجه خواهید شد ساعت پرواز هواپیما با بلیط شما متفاوت می باشد و مجبورید ساعتها در فرودگاه به انتظار بمانید. غیر از فرودگاه، با مراجعه به دفتر شرکت هواپیمایی در شهر و یا بوسیله تلفن نیز این امر امکان پذیر می باشد.

پس از انجام اینگونه کارها برای کسب هرگونه اطلاعات از قبیل هتل، تاکسی و غیره به نمایندگی جلب سیاحان در فرودگاه مراجعه نمائید.

۴- اختلاف ساعت

بخاطر اختلاف وقت شهرهای مختلف بعلت موقع جغرافیائی آنها حتماً در بدو ورود به شهر جدید ساعت خود را با وقت محلی میزان نمائید.

۵- آدرس هتل

پس از استقرار در یکی از هتلهای شهر جدید حتماً کارت مخصوص هتل را که بر روی آن اسم، آدرس، شماره تلفن و گاهی کروکی محل قید شده دریافت دارید. داشتن این مشخصات بسیار ضروری بوده و از گم شدن مسافر جلوگیری می نماید. ضمن اخذ کارت از کارمند اطلاعات (رئیسشن) بخواهید نقشه و راهنمای شهر را در اختیارتان قرار دهد. این نقشه یا جزوه معمولاً راهنمای بسیار خوبی برای مسافر بیگانه بوده و مطالب مورد احتیاج به اندازه کافی در آن گنجانده شده است.

۶- ولتاژ برق

قبل از بکار انداختن وسائل الکتریکی از قبیل ماشین اصلاح، سشوار، اطو و غیره باید از ولتاژ برق اطلاع حاصل نمود، چه در غیر اینصورت ممکنست ناراحتی‌هایی برای مسافر و مسئولین هتل ایجاد شود.

۷- نورها

برای دیدار از نقاط دیدنی هر شهر، شرکتهای توریستی برنامه‌های مخصوصی تنظیم و به نام تور صبح، عصر، شب و تورهای خارج از شهر و غیره اجرا می‌نمایند. برای استفاده از تورهای هر شهر باید به دفتر هتل یا یکی از شرکتهای توریستی مراجعه گردد بهای بلیط این تورها بر حسب استفاده از اتوبوس و اتومبیل سواری شخصی، که هر دو دارای راهنمای محلی است و به زبان انگلیسی یا یکی دیگر از زبانهای متداول بین‌المللی صحبت می‌کند، متفاوت می‌باشد.

۸- خرید

فروشگاههای بزرگ کشورهای دیگر چندان اختلافی با فروشگاههای ایران ندارند و از جمله مواردی که توجه تازه وارد را به خود جلب می‌کند وجود دستگاه تلویزیون است که مشتریان را زیر نظر می‌گیرند و آنها را دقیقاً تحت کنترل قرار می‌دهند. این فروشگاهها معمولاً قبل از خروج مشتری اجناس او را با رسید یا فیش صندوق مطابقت می‌نمایند و در صورتیکه مشتری نتواند رسید ارائه دهد دچار دردسر خواهد شد.

اجناس اغلب فروشگاههای کوچک و تمام فروشگاههای بزرگ بدون استثناء دارای برچسب مخصوص است که قیمت، شماره و اندازه اجناس بر روی آنها قید شده است.

در فروشگاهها و مغازه‌های کوچک نیز این رویه انجام می‌شود با این تفاوت که غالباً چانه زدن نیز معمول می‌باشد.

۹- تخلیه اتاقهای هتل

نظر به اینکه اتاقهای هر هتل از روزها یا ماهها قبل رزرو می‌شوند بنابراین ساعت معینی را برای تخلیه در نظر گرفته‌اند. با اطلاع از ساعت تخلیه اتاق، مسافر مجبور نخواهد شد به خاطر یکی دو ساعت اضافی که اتاق را در اختیار دارد کرایه یکشب را پرداخت نماید. ساعت تخلیه اتاق در هتلها معمولاً بین ۱۲ ظهر الی ۲ بعدازظهر می‌باشد.

۱۰- خروج از فرودگاه

مسافرین هواپیما باید حداقل یکساعت قبل از پرواز جهت کنترل بلیط و تشریفات گمرکی در فرودگاه حاضر شوند.

نکته

کابین هواپیما به دو قسمت درجه یک و درجه ۲ یا توریست تقسیم میگردد. بهای بلیط مسافرین درجه یک گرانتر از درجه توریست بوده و به این دلیل دارای امتیازات بیشتر است.

مسافرین درجه ۲ حق حمل ۲۰ کیلو و درجه یک ۳۰ کیلو بار همراه را داشته و چنانچه وزن چمدانها در موقع کنترل بلیط بیش از وزنها ذکر شده باشد باید به ازاء هر کیلوگرم به نسبت مسافتی که باید طی شود مبلغی اضافه پرداخت نمایند لازم به تذکر است اغلب شرکتهای هواپیمایی کیفهای دستی مسافرین را نیز جزو ۲۰ یا ۳۰ کیلو بار مجاز به حساب می‌آورند.

سهل ترین راه برای مسافرینی که دارای بار بیش از حد معمول می‌باشند ارسال آن توسط قسمت بار شرکتهای هواپیمایی در شهر یا فرودگاه به عنوان **Unaccompanied baggage** است و در اینصورت بهای هر کیلوگرم بار به مراتب کمتر از حمل آن توسط مسافر می‌باشد. این تشریفات باید یکروز یا حداقل چند ساعت قبل از پرواز انجام گیرد برای ارسال بار بدون همراه باید حتماً بلیط و گذرنامه مسافر همراه او باشد. پس از گذراندن مراحل فوق، کلیه مسافرینی که قصد خروج از

کشور را دارند و به سالن ترانزیت راهنمایی و منتظر ساعت پرواز می‌شوند. در این سالن ورود و خروج هواپیماها به اشکال مختلف از قبیل صفحه تلویزیون و تابلوهای گوناگون نشان داده می‌شود که در آنها به ترتیب از چپ به راست مخفف نام شرکت‌های هواپیمایی، شماره پرواز، ساعت ورود و خروج با ذکر نام مبدأ و مقصد و شماره راهرو یا در خروجی (جهت سوار شدن به هواپیما) نشان داده می‌شود. ضمناً باید توجه داشت که ساعات ورود و خروجی به دلایل گوناگون قابل تغییر می‌باشند.

۱۱- خرید از سالنهای ترانزیت

در سالن ترانزیت هر کشوری اجناس مختلف آن کشور یا کشورهای به معرض فروش گذارده شده است مطلب مهم آنکه قیمت این اجناس به مراتب گرانتر از فروشگاه‌ها و مغازه‌های شهر بوده و فقط انواع سیگار و مشروبات آن ارزانتر است.

۱۲- اشیاء گمشده و پیدا شده

شرکت‌های هواپیمایی مسافری در هر فرودگاهی که پرواز داشته باشند، دفتری به نام **Lost and found** یا اشیاء گمشده و پیدا شده دارند که عهده‌دار وظایفی می‌باشد.

چنانچه مسافری در مقصد چمدانش را پیدا نکند به کارمند این قسمت مراجعه می‌نماید و مراحل زیر درباره‌اش اجراء می‌گردد:

ابتدا در مقابل شماره **tag** (برچسب روی چمدان که دارای شماره تلفن و مخفف نام شهر مقصد مسافر است) که در دست دارد ورقه‌ای را پر می‌کند. در این ورقه علاوه بر نام و آدرس صاحب چمدان نشانه‌ها و مشخصات چمدان گمشده از قبیل رنگ، شکل، نوع و علائم مشخصه دیگر ذکر می‌شود تا شرکت حمل‌کننده مسافر برای پیدا کردن آن اقدامات لازم را به عمل آورد، ضمناً یک برگ از آن به عنوان رسید چمدان نزد مسافر می‌ماند.

پس از گذشت ۲۰ روز از تاریخ مفقود شدن چمدان چنانچه مکاتبات و تلکسها و اقدامات دیگر شرکت با فرودگاه‌های مورد نظر نتیجه‌ای نبخشید، شرکت موظف است برای هر کیلوگرم وزن چمدان ۲۰ دلار بپردازد و ادعای صاحب چمدان در مورد

اشیاء و جواهرات گرانقیمت نتیجه‌ای نخواهد داشت نتیجتاً توصیه می‌شود نام و مشخصات مسافر، نام کشور و شهر مسکونی، آدرس منزل و شماره تلفن منزل و محل کار بر روی دو کارت مجزا نوشته شود یکی را روی چمدان نصب کنند و دیگری را داخل آن بطوری که به محض باز کردن در چمدان دیده شود قرار دهند این عمل کارمندان هواپیمایی را در زمان گم شدن چمدان به علت کنده شدن برچسب نام ایستگاه مقصد که بر روی چمدان نصب می‌گردد کمک می‌کند تا آنرا بدست مسافر برسانند.

فهرست منابع

- ۱- آموزش زبان روسی. نوشته: ایرینا. پولکینا انتشارات زبان روسی - مسکو ۱۹۷۵
- ۲- مکالمات روزمره به سه زبان (فارسی - قزاقی - روسی) تالیف: مرحوم دکتر رستم أف - انتشارات دانشگاه تهران - ۱۳۷۴

نمایندگی های هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران (هما)

شعبه مسکو	تلفن:	(۰۰۷۰۹۵) ۹۵۶۴۶۳۰
شعبه عشق آباد	تلفن:	(۰۰۹۹۳۱۲) ۵۱۰۶۴۱
شعبه آلماتا	تلفن:	(۰۰۷۳۲۷۲) ۵۷۲۸۵۶
شعبه تاشکند	تلفن:	(۰۰۹۹۷۸۱) ۱۳۳۸۱۶۳

نمایندگی های هواپیمایی کاسپین (کشوری)

تلفن: ۲۱۶۰۲۵۲ (۰۰۳۸۰۴۴)

شعبه کیف

فاکس: ۲۱۶۳۶۶۷ (۰۰۳۸۰۴۴)

تلفن: ۲۳۵۶۶۷ (۰۰۳۷۴۱)

شعبه ایروان

فاکس: ۱۵۱۴۳۹ (۰۰۳۷۴۱)

تلفن: ۹۵۳۴۹۷ (۰۰۹۹۵۳۲)

شعبه تفلیس

فاکس: ۹۹۰۷۹۸ (۰۰۹۹۵۳۲)

نمایندگی هواپیمایی روسیه (ارفلوت) در ایران

تهران - خیابان استاد نجات الهی (ویلا) روبروی هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران

تلفن ۸۸۰۸۴۸۰

نشانی نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور و بالعکس

- ۱- سفارت جمهوری اسلامی ایران در کشور روسیه فدراتیو - مُسکو
تلفن: ۹۱۷۳۴۱۸-۹۱۷۱۱۴۸ فاکس: ۹۱۷۹۶۸۳ کد کشور ۰۰۷
۹۱۷۹۲۰۴ کد شهر ۰۹۵
- ۲- سفارت جمهوری اسلامی ایران در جمهوری اوکراین - کیف
تلفن: ۲۲۹۴۹۵۳ فاکس: ۲۲۹۳۲۵۵ کد کشور ۰۰۳۸۰
۲۲۹۴۴۶۳ کد شهر ۴۴
- ۳- سفارت جمهوری اسلامی ایران در جمهوری ارمنستان - ایروان
تلفن: ۲۲۳۳۴۰ فاکس: ۱۵۱۳۸۵ کد کشور ۰۰۳۷
۲۸۰۴۵۷ کد شهر ۴۱
- ۴- سفارت جمهوری اسلامی ایران در گرجستان - تفلیس
تلفن: ۲۹۴۵۰۲ فاکس: ۹۸۶۹۹۳ کد کشور ۰۰۹۹۵
۲۹۴۶۰۵ کد شهر ۳۲
- ۵- سفارت جمهوری اسلامی ایران در ترکمنستان - عشق آباد
تلفن: ۲۴۴۷۰۷ کد کشور ۰۰۹۹۳
۲۴۴۶۱۱ کد شهر ۱۲

۶- سفارت جمهوری اسلامی ایران در قزاقستان - آلماتا

تلفن: ۶۷۷۸۴۶ فاکس: ۵۴۲۷۵۴

۶۷۵۰۵۵

کد کشور: ۰۰۷۳

کد شهر ۲۷۲

۷- سفارت فدراسیون روسیه - تهران

تلفن: ۶۷۰۱۱۶۱ فاکس: ۶۷۰۱۶۵۲

وابسته بازرگانی: ۳۱۱۲۳۸۱

۸- سفارت جمهوری اکراین - تهران

تلفن: ۸۰۳۴۱۱۹ فاکس: ۸۰۰۷۱۳۰

۸۰۰۸۵۳۰

۹- سفارت جمهوری ترکمنستان - تهران

تلفن: ۲۵۴۲۱۷۸ فاکس: ۲۵۸۰۴۳۲

۱۰- سفارت قزاقستان - تهران

تلفن: ۲۵۶۵۹۳۴ فاکس: ۲۵۴۶۴۰۰

۱۱- سفارت تاجیکستان - تهران

تلفن: ۲۲۹۱۶۰۷

۱۲- سفارت ازبکستان - تهران

تلفن: ۲۲۹۱۲۶۹

۲۲۹۹۷۸۰

۱۳- سفارت ارمنستان - تهران

تلفن: ۶۷۰۴۸۳۳ فاکس: ۶۷۰۰۶۵۷

اوزان و اندازه‌ها

LENGTH

LONGUEUR

1 cm	=	0.39 inches	1 inch	=	2.54 m
3 cm	=	1.18 inches	8 inches	=	20.32 m
30 cm	=	11.81 inches	12 inches	=	30.48 m
30 cm	=	0.98 feet	3 feet	=	91.43 m
1 metre	=	3.28 feet	100 feet	=	30.48 m
			1760 yard	=	1609.36 m

1 nautical mile = 6.080 feet = 1.15 miles = 1853 metres

WEIGHT

POIDS

1 grams	=	0.35 ounces	1 ounce	=	28.35 grams
25 grams	=	0.88 ounces	8 ounces	=	226.79 grams
75 grams	=	2.65 ounces	16 ounce	=	453.59 grams

1 kg	=	2.20 ibs	1 ib	=	0.45 kg
5 kgs	=	11.02 ibs	14 ibs	=	6.35 kg
25 kgs	=	55.11 ibs	224 ibs	=	101.63 kg
1 tonne	=	0.98 ton(imp)	1 ton(imp)	=	1.02 tonne
5 tonnes	=	4.92 ton(imp)	5 ton(imp)	=	5.08 tonne
25 tonnes	=	24.60 ton(imp)	25 ton(imp)	=	25.40 tonne

1 U.S.ton(short ton) = 2000 ibs = 0.893 ton(imperial) = 907 185 kgs

1 sq.m	=	0.15 sq.inch	1 sq.inch	=	6.45 sq.cm
25 sq.cms	=	3.87 sq.inch	50 sq.inches	=	322.58 sq.cm
50 sq.cms	=	7.74 sq.inch	144 sq.inches	=	0.25 sq.cm
1 sq.m	=	1.31 sq.yards	9 sq.feet	=	0.76 sq.m

50 sq.m	=	65.39 sq.yards	4840 sq.yards	=	4046.85 sq.m
25 dunam	=	3.87 acres	50 acres	=	202.34dunams

1 squarekm = 1000 dunams = 247.1 acres = 0.39 square miles

VOLUME

1 cu.cm	=	0.06 cu.inch	1 cu.inch	=	16.39 cu.cm
5 cu.cms	=	0.30 cu.inch	250 cu.inches	=	4086.80 cu.cm
25 cu.cms	=	1.52 cu.inch	1728 cu.inches	=	0.03 cu.cm
1 cu.m	=	35.31 cu.feet	27 cu.feet	=	cu.cm
5 cu.m	=	176.57 cu.feet	100 cu.feet	=	2.83 cu.cm
25 cu.m	=	33.70 cu.yards	100 cu.yards	=	76.45 cu.cm

10.000 cu.cm=1 cu.m=1.3 cu.yards=1 metric tonne of water

CAPACITY

CAPACITE

1 litre	=	0.66 gallons	1 gallon	=	4.55 liters
3 litres	=	0.22 gallons	3 gallons	=	13.64 liters
5 litres	=	1.10 gallons	5 gallons	=	22.73 liters
25 litres	=	5.50 gallons	25 gallons	=	113.65 liters
75 litres	=	16.50 gallons	75 gallons	=	340.95 liters
1 litre	=	0.26 U.S.gal	1 U.S.gal	=	3.78 liters
3 litres	=	0.79 U.S.gal	3 U.S.gal	=	11.36 liters
5 litres	=	1.32 U.S.gal	5 U.S.gal	=	18.93 liters
25 litres	=	6.60 U.S.gal	25 U.S.gal	=	94.63 liters
75 litres	=	19.81 U.S.gal	75 U.S.gal	=	283.90 liters

1 imperial gallon = 1.2 U.S.gallons 1 U.S.gallon = 0.83 imperial gallons

Comparative Table Of Clothing Sizes

All over the world there are different ways of sizing things up.
If in doubt, it is always best to try on a garment before purchase.

(Men's Clothing)

Great Britain	34	35	36	37	38	39	40	42
Unites States	34	35	36	37	38	39	40	42
Continental	34	36	38	40	42	44	46	48

Shirts

Great Britain	14	14	14	15	15	15	16	16	17	17
Unites States	14	14	14	15	15	15	16	16	17	17
Continental	35	36	37	38	39	40	41	42	43	44

Shoes

Great Britain	6	7	7	8	9	10	10	11	12
Unites States	6	7	8	8	9	10	11	12	12
Continental	39	40	41	42	43	44	45	46	47

Socks-Sizes are international

(Women's Clothing)

Dresses

Great Britain	10	12	14	16	18	20
Unites States	8	10	12	14	16	18
Continental	38	40	42	44	46	48

Cardigans, sweaters, Blouses

Great Britain	32	34	36	38	40	42
Unites States	10	12	14	16	18	20
Continental	38	40	42	44	46	48

Shoes

Great Britain	3	3	4	4	5	5	6	6	7
Unites States	4	5	5	6	6	7	7	8	8
Continental	35	36	36	37	37	38	38	39	39

Stockings

Great Britain	8	9	9	10	10
Unites States	8	9	9	10	10
Continental	1	2	3	4	5

اعلامیه ورود EMBARKATION CARD

(Please print)

(Mr.)

1. Sur name (Mrs.) نام خانوادگی

(Miss)

Name نام

Middle Name نام وسط

2. Date & place تاریخ و محل تولد
of birth3. Passport No.& شماره گذرنامه و تاریخ صدور
date of issue

4. Nationality تابعیت

5. Occupation شغل

6. Address in Iran آدرس در ایران

7. Port of Embarkation مبدأ حرکت

FOR OFICIAL USE ONLY

ویژه افسران کنترل

عبور

جهانگردی

عادی

نوع رویداد

..... اسامی همراهان

..... شماره پروانه اقامت

Form No.920-12-35

PRG 10.74

پول رایج کشورهای جهان

استرالیا	۱۰۰ سنتاوس یکصد	آرژانتین	پزو
امارت درهم	۱۰۰ فلس یک درهم	پزو	
متحدہ عربی	۱۰۰ فنطار یک لک	آلبانی	لک
اروگوئه پزو	۱۰۰ فینگ یک مارک	آلمان	مارک
پزو	۱۰۰ سانتیم یک	آنتیل	فرانک
اتیوپی بیر	۱۰۰ سنت یک بیر	فرانک	
اکوادر سوکره	۱۰۰ ستاوو = ۱۰۰۰۰ سوکره	آنگولا	کواتزا
اوگاندا شلینگ	۱۰۰ سنت یک شلینگ	آزور	اسکودو
اوکراین کاربوواتس کاربوواتس = ۱۰۰۰		اسکودو	
کاربوواتس		آیر	پوند
ایتالیا لیر	۱۰۰ سنتی می یکصد	اطریش	شیلینگ
لیر		شیلینگ	
ایران ریال	۱۰ ریال یک تومان	استرالیا	دلار
ایرلند پوند	۱۰۰ نیوپنس یک پوند	استونی	کرون
ایساس فرانک	۱۰۰ سانتیم یک فران	سنت	
جیبونی		اسپانیا	پزتا
ایسلند نیوکرونا	۱۰۰ اوراریک نیوکرونا	پزتا	
اندونزی روپیه	۱۰۰ سن یکصد روپیه	اسلواکی	کرون
باربادوس دلار	۱۰۰ سنت یک دلار	اسلواکی = ۱۰۰	
باربادوس		هالر	
باهاما دلار	۱۰۰ سنت یک دلار	اردن	دینار
بحرین دینار	۱۰۰ فلس یک دینار	افریقای راند	راند = ۱۰۰ سنت
برزیل کروزرو	۱۰۰ ستاوس یکصد	جنوبی	
کروزرو		افریقای مرکزی	فرانک = ۱۰۰ سانتیم
برمه کیات	۱۰۰ هیا یک کیات	افغانستان	افغانی
بریتاننای پوند	۱۰۰ پنس جدید یک	الجزایر	دینار
کبیر (انگلستان) پوند		السالوادور	کولون
بلژیک فرانک	۱۰۰ سانتیم یک	الیس	دلار
			۱۰۰ سنت یک دلار

فرانک	ری بل	۱۰۰ سن یکصد ری بل
بولیوی	پزو	۱۰۰ سانتاوس یک پزو
بنگلادش	تاکا	۱۰۰۰ پراس یک تاکا
بوروندی	فرانک	۱۰۰ ساتیم یکصد فرانک
پاراگوئه	گوارانی	۱۰۰ پیسه یک روپیه
پاکستان	روپیه	۱۰۰ پیسه یک روپیه
پرتغال	اسکودو	۱۰۰ ستاوس یکصد اسکودا
پرو	سول	۱۰۰ ستاوس یکصد سول
پاناما	بالبوا	۱۰۰ سنتیموس یک
بالبوا		
پاپوا	کینا	۱۰۰ توا یک کینا
(گینه نو)		
تانزانیا	شلینگ	۱۰۰ ست یک شلینگ
تایلند	باهت	۱۰۰ ساتانگ یک
باهت		
(سیام)		
تایوان	دلار	۱۰۰ سنت یکصد دلار
جدید تایوان		
ترکیه	لیره	۱۰۰ قروش یک لیره
تونگا	پاآنگا	۱۰۰ سنین یک پاآنگا
ترینیدا	دلار	۱۰۰ سنت یک دلار
دوتاباگو		
تونس	دینار	۱۰۰۰ میلیم یک دینار
جامائیکا	دلار	۱۰۰ سنت یک دلار
جامائیکا		
جبل	پوند	۱۰۰ پنس جدید یک
الطارق	پوند	
جیبوتی	فرانک	۱۰۰ ساتیم یک
فرانک		
چک	کرون	۱۰۰ هالریک کرون
چین	رن مین	۱۰۰ چیانو ۱۰۰ فن یک
رن	بی (یوان)	مین بی
خمیر	ری بل	۱۰۰ سن یکصد ری بل
دانمارک	کرونر	۱۰۰ انوریک کرونر
دومینکن	پزو	۱۰۰ سنتاوس یک پزو
رواندا	فرانک	۱۰۰ ساتیم یکصد فرانک
رومانی	لو	۱۰۰ بانای یک لو
رئونین	فرانک	۱۰۰ ساتیم یک
فرانک		
زامبیا	کواچا	۱۰۰ نکوی یک کواچا
زئیر	زئیر	۱۰۰ ماکوتا یک زئیر
زیمبابوه	دلار	۱۰۰ سنت یک دلار
ژاپن	ین	۱۰۰ سن یکصد ین
ژلیبرت	دلار	۱۰۰ سنت یک دلار
والیس	استرالیا	
ساموآی	تالا	۱۰۰ سن یک تالا
غربی		
سن مارینو	لیر	۱۰۰ سنتیمی یکصد
لیر		
سن پیرو	فرانک	۱۰۰ ساتیم یکصد
میکلون	فرانک	
سنگال	فرانک	۱۰۰ ساتیم یکصد فرانک
سنگاپور	دلار	۱۰۰ سنت یک دلار
سنگاپور		
سومالی	شلینگ	۱۰۰ سنت یک شلینگ
سلیمان	دلار	۱۰ سنت یک دلار
مجمع الجزایر		
سیرالئون	لئون	۱۰۰ سنت یک لئون
سی شل	روپیه	۱۰۰ سنت یک روپیه
سری لانکا	روپیه	۱۰۰ سنت یک روپیه
سودان	پوند	۱۰۰ پیاستر یک پوند
سورینام	گیلدر	۱۰۰ سنت یک گیلدر
سوئد	کرون	۱۰۰ انوریک کرون
سوئیس	فرانک	۱۰۰ ساتیم یک

فرانک	سوریه	لیره	۱۰۰ پیاستر یک لیره
شیلی	پزو	۱۰۰ سنتاوس یک پزو	
عراق	دینار	۱۰۰۰ فلس یک دینار	
عربستان	ریال	۲۰ فروش یک ریال	
عمان	ریال	۱۰۰ بیضا یک ریال	
غنا	سدى	۱۰۰ پزواس یک سدى	
فرانسه	فرانک	۱۰۰ سانتیم یک	
فرانک			
فرمز	دلار	۱۰۰ سنت یکصدر	
دلار			
	جدید تایوان		
فلسطین	آی.اس	۱۰۰ گورت جدید یک	
اشغالی	آی.اس		
فنلاند	مارککا	۱۰۰ پنی یک مارککا	
فارو	کرون	۱۰۰ لوکریک کرون	
دانمارک			
فاکلند	پوند	۱۰۰ نیوپنس یک پوند	
فیجی	دلار	۱۰۰ سنت یک دلار	
فیلیپین	پزو	۱۰۰ سنتاوس یک پزو	
قطر	ریال	۱۰۰ درم یک ریال قطر	
کاناری	پزتا	۱۰۰ سینتموس یک صد پزتا	
کامبوج	ریل	۱۰۰ سن یک صد ری	
یل			
کامرون	فرانک	۱۰۰ سانتیم یکصد فرانک	
کانادا	دلار	۱۰۰ سنت یک دلار	
کیپ ورد	اسکودو	۱۰۰ سنتاوس یکصد	
اسکودو			
کارولین	دلار	۱۰۰ سنت یک دلار	
کای ئن	دلار	۱۰۰ سنت یک دلار کای ئن	
کلمبیا	پزو	۱۰۰ سنتاوس یکصد	
پزو			
کوک	دلار	۱۰۰ سنت یک دلار	
نیوزلاند			
کاستاریکا	کولون	۱۰۰ سانتیم یک کولون	
کوبا	پزو	۱۰۰ سنتاوس یک پزو	
کریباتی	دلار	۱۰۰ سنت یک دلار	
کره شمالی	وون	۱۰۰ سون یک وون	
کره جنوبی	وون	۱۰۰ چون یک وون	
کنیا	شیلینگ	۱۰۰ سنت یک	
شیلینگ			
کویت	دینار	۱۰۰۰ فلس یک دینار	
کالدونیای فرانک		۱۰۰ سانتیم یکصد فرانک	
گواتمالا	کتزال	۱۰۰ سنتوس یک	
کتزال			
گویان	فرانک	۱۰۰ سانتیم یک	
فرانک			
گامبیا	دالاسی	۱۰۰ بوتوت یک	
دالاسی			
گرانادا	دلار	۱۰۰ سنت یک دلار	
گویان	دلار	۱۰۰ سنت یک دلار	
گامبیا	دالاسی	۱۰۰ بوتوت یک	
دالاسی			
گرانادا	دلار	۱۰۰ سنت یک دلار	
گویان	دلار	۱۰۰ سنت یک دلار	
دلارگویان			
گینه	سیلی	۱۰۰ کوری	
گوادلوپ	فرانک	۱۰۰ سانتیم یک	
فرانک			
گرین لند	کرون	۱۰۰ اوئریک کرون	
لائوس	نیوکیپ	۱۰۰ آت یک کیپ	
لبنان	لیره	۱۰۰ پیاستر یک لیره	
لسوتو	لوتی	۱۰۰ لیسنست یک لوتی	
لوکزامبورگ	فرانک	۱۰۰ سانتیم یک	

هنگ کنگ	دلار	۱۰۰ سنت یک دلار
هند	دلار	۱۰۰ سنت یک دلار
هند غربی	کارائیب غربی	
یمن	ریال	۱۰۰ فلس یک ریال
یمن	دینار	۱۰۰۰ فلس یک دینار
دموکراتیک یمن جنوبی		
یوگوسلاوی	دینار	۱۰۰ پارا یک دینار
یونان	دراخما	۱۰۰ لپنا ۱۰۰ درخما

لهستان	زлотی	گروسری یکصد
لیبریا	دلار	۱۰۰ سنت یک دلار
لیبی	دینار	۱۰۰۰ درم یک دینار
لیختن فرانک	فرانک	۱۰۰ سانتیم یک
اشراین	سوئیس	
نروژ	کرون	۱۰۰ اوثره یک کرون
نیمجر	فرانک	۱۰۰ ساتیم یکصد فرانک
نیجریه	نایرا	۱۰۰ کوبو یک نرا
نامیبیا	راند	۱۰۰ سنت یک راند
نیوزلاند	دلار	۱۰۰ سنت یک راند
نیو هیبرید	فرانک	۱۰۰ ساتیم یکصد فرانک
نیکاراگوا	کوردوبا	۱۰۰ سنت یکصد کوردوبا
برونئی	دلار	۱۰۰ سنت یک دلار
بلغارستان	لوا	۱۰۰ ستوتینکی یک لوا
بلیر	دلار	۱۰۰ سنت یک دلار
برمودا	دلار	۱۰۰ سنت یک دلار
بوتان	نگولتروم	۱۰۰ چروم ۱۰۰ نگولتروم
بوتسوانا	پولا	۱۰۰ تب یک پولا
واتیکان	لیر ایتالیا	۱۰۰ سنتیمی یک صد لیر
واتواتو	فرانک	۱۰۰ ساتیم یک صد فرانک
ونزوئلا	بولیوار	۱۰۰ ساتیموس یک بولیوار
ویتنام	دونگ	۱۰ پائوبک دونگ
ویندوارد	دلار	۱۰۰ سنت یک دلار
کارائیب		
هائیتی	گورد	۱۰۰ سنت یک دلار
هلند	گیلدر	۱۰۰ سنت یک گیلدر
هند	روپیه	۱۰۰ پسه یک روپیه
هندوراس	لمپرا	۱۰۰ ستاوس یک لمپرا

ЕЖИДНЕВНАЯ БЕСЕДА

НА

РУССКОМ-ПЕРИДСКОМ ЯЗЫКАХ

СОСТАВИТЕЛЬ: М.Р.ВАЛИНЕЖАД

РЕДАКТОР: ВАЛЕНТИН.М.ЯКУШИК